

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# محرمانه

شرح دعای چهل چهارم  
صحیفه سجادیه علیه السلام  
دعای امام سجاد علیه السلام هنگام  
ورود به ماه مبارک رمضان

شناسنامه | فیفا



## مرکز تخصصی صحیفه سجادیه

نام کتاب: حلال مشکلات  
نویسنده: مجید یونسی  
ویراستار: محمدتقی عارفیان  
مدیریت هنری: محمدحسین مؤیدی (خانه ابدہ)  
ناشر: میراث ماندگار  
تاریخ و نوبت چاپ: اول | ۱۳۹۹  
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

تمام حقوق مادی این اثر متعلق به مرکز تخصصی صحیفه سجادیه می باشد.

## فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۱	مقدمه
۱۵	جلسه اول
۱۷	مقدمه
۱۷	شرح متن دعا
۱۸	نکته
۱۹	شماره شکرگزاری
۲۰	گذری بر جزای محسنین در قرآن کریم
۲۰	۱. دوست داشتن محسنین
۲۰	۲. نزدیکی به رحمت خدا
۲۲	نکته
۳۰	نکته
۳۲	نکته
۳۴	فضیلت قرائت قرآن
۳۵	کیفیت قرائت قرآن
۳۹	جلسه دوم
۴۳	نکته
۴۹	جلسه سوم
۵۳	نکته

## فهرست مطالب

۵۹	نکته
۵۹	نکته
۶۵	جلسه چهارم، پنجم و ششم
۷۱	نکته‌ای درباره اوقات نماز
۷۳	نکته
۷۷	نکته‌ای درباره حفاظت از نماز
۸۰	نکته
۸۴	نکته
۸۷	نکته
۹۱	نکته
۹۵	جلسه هفتم
۱۰۰	نکته
۱۱۱	جلسه هشتم
۱۱۵	نکته
۱۱۵	نکته
۱۲۳	جلسه نهم
۱۳۰	نکته
۱۳۲	نکته
۱۳۵	جلسه دهم

## فهرست مطالب

۱۳۸	نکته
۱۳۹	نکته
۱۳۹	نکته
۱۳۹	نکته
۱۴۳	نکته
۱۴۴	نکته
۱۴۵	نکته
۱۴۷	شرح حدیث عنوان بصری
۱۴۸	نکته
۱۴۹	نکته
۱۵۱	نکته
۱۵۱	نکته
۱۵۳	نکته
۱۵۷	نکته
۱۷۰	نکته
۱۷۳	نکته
۱۷۴	نکته
۱۷۹	نکته
۱۸۳	منابع

مرکز تخصصی  
صحیفه سجادیه



## پیش‌گفتار

«خواهش می‌کنم عزیزان من، به‌خصوص جوانان، با صحیفه سجادیه انس بگیرند؛ زیرا همه چیز در این کتابِ ظاهرآدعا و باطناً همه چیز، وجود دارد».

مقام معظم رهبری

صحیفه سجادیه همچون قرآن و نهج البلاغه، کتاب همراه و کتاب زندگی است و انسان همیشه و در همه حال باید با دعاهای آن مأنوس شود؛ چراکه شمیم عطر فرازهای هردعای آن، دریچه‌ای است به سوی آسمان. شناخت صحیفه سجادیه را می‌توان گامی در جهت آشنایی با معارف اسلامی دانست و برای تقویت و تصحیح عقاید و اخلاق به آن مراجعه نمود. این کتاب که کلام امام سجاد علیه السلام است، فصاحت و بلاغت و عمق معنایی دارد که به حق می‌توان به آن «قرآن صاعد» گفت. با هدف آشنایی و انس بیشتر جامعه با گنجینه صحیفه و استفاده برکات فراوان و فوق تصور آن، و همچنین نشر معارف این کتاب ارزشمند در بین مردم، نوشته حاضر که در بردارنده شعاعی از نور خورشید تابان صحیفه سجادیه است، به همت مرکز تخصصی صحیفه سجادیه و با حمایت ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور (فهما) و مؤسسه فرهنگی هنری اندیشه‌های اسلامی سجادیه آماده شده است. امید که به لطف خداوند و صاحب اصلی اثر، حضرت امام سجاد علیه السلام، مطالعه این کتاب مایه نزدیکی شیفتگان اهل بیت علیهم السلام به آن خاندان شود.

حبیب‌رضا ارزانی

رییس ستاد هماهنگی کانون‌های  
فرهنگی هنری مساجد کشور (فهما)



جلسه اول

# محرمان رمضان

شرح دعای چهل چهارم  
صحیفه سجادیه علیه السلام  
دعای امام سجاد علیه السلام هنگام  
ورود به ماه مبارک رمضان



### مقدمه

ماه مبارک رمضان از مهم‌ترین ماه‌های سال است. امام سجاد علیه السلام به عنوان تربیت یافته خداوند متعال و کسی که این ماه را به خوبی شناخته و نکات مهمی را در این دعا بیان کرده است. امام دعای بعد (دعای چهل و پنجم صحیفه سجادیه)<sup>۱</sup> را نیز از این باب که نمی‌توان به راحتی از این ماه جدا شد، انشا فرمود.

### شرح متن دعا

#### ۱. (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ،)

امام سجاد علیه السلام ابتدای دعا را با حمد خدا شروع می‌کند؛ زیرا خداوند متعال - در حالی که بسیاری از انسان‌ها قبل از این ماه، به سمت قبرها رهسپار شدند - به او توفیق داده است وارد این ماه شود که این، خود حمد و سپاسی جداگانه می‌طلبید.

غفلت از این مطلب، ممکن است نعمت را از کف انسان بیرون آورد و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، مهر غفلت برپیشانی او حک کند.

اگر انسان وارد ماه مبارک رمضان شد، توفیقی بزرگ نصیب او گردیده

---

۱. دعای آن حضرت در وداع با ماه مبارک رمضان

است؛ زیرا وارد ماهی شده که خداوند متعال در طول شبانه روز، تعداد قابل توجهی از اهل آتش را نجات می‌دهد؛ ماهی که نفس کشیدن در آن، تسبیح و خواب در آن، عبادت است.<sup>۱</sup> خداوند متعال در این ماه، سفره‌ای گسترده و انسان را بر سر آن سفره مهمان کرده است. امام آن چنان شور و شعف دارد که نه تنها حمد خدا را به خاطر این نعمت به جا می‌آورد، بلکه از خداوند متعال به خاطر اینکه ایشان را بر حمد خویش راهنمایی کرده است، سپاسگزاری می‌کند.

#### ◆ نکته

اینکه انسان بر حمد خداوند متعال هدایت شده است، خود نیاز به سپاسگزاری دارد. امام سجاد علیه السلام در دعای اول صحیفه سجادیه با صراحت فرمود: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَتَابِعَةِ، وَ أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَطَاهِرَةِ».<sup>۲</sup> اگر خداوند متعال، شناخت و معرفت حمد بر نعمت‌هایش را بر بندگان حبس می‌کرد، «لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ. وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»<sup>۳</sup>، بندگان از نعمت‌های او استفاده می‌کردند و حمد آن را به جا نمی‌آوردند؛ در نتیجه، از حدود انسانیت خارج شده، مصداق آیه شریفه «إِلَّا كَالْأَنْعَامِ

۱... أَنفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَ نُومُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ وَ عَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ وَ دُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ (الامالی (صدوق)، ص ۹۳).

۲. صحیفه سجادیه، دعای اول، بند ۸

۳. همان، بند ۹

بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا<sup>۱</sup> می شدند.

وَ جَعَلْنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ

کسی که یک بار حمد به جا آورد، عرفاً به او اهل حمد نمی گویند. باور حضرت بر کثرت حمد است؛ زیرا در دعای اول فرمود: «حَمْدًا لَا مُنْتَهَى

لِحَدِّهِ، وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَلَا مَبْلَغَ لِعَايَتِهِ، وَلَا انْقِطَاعَ لِأَمْدِهِ»<sup>۲</sup>.

اگر سؤال شود که چرا انسان باید حمد خدا را به جا آورد، پاسخ این

است که اگر انسان، اهل حمد خداوند متعال شود، «لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ

الشَّاكِرِينَ؛ در صف شکرگزاران احسانِ خدا درمی آید.

### شماره شکرگزاری

مهم ترین ثمرات شکرگزاری انسان عبارت است از:

۱. در مسیر بندگی خداوند متعال قرار می گیرد.

۲. خلاف مسیر شیطان حرکت می کند و اهل عبادت شیطان نمی شود؛ زیرا

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «عده ای شیطان را عبادت می کنند»<sup>۳</sup>.

۳. کمر شیطان را می شکند.

دلیل اینکه شکرگزاری خداوند متعال، کمر شیطان را می شکند، این

است که خدا وقتی از شکرگزار نبودن بندگان خود در آیه «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ

فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ»<sup>۴</sup> سخن به میان

آورد، شیطان احساس کرد از این نظر (شکرگزار نبودن) می تواند بندگان

۱. فرقان: ۴۴.

۲. صحیفه سجادیه، دعای اول، بند ۲۸.

۳. أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (یس: ۶۰).

۴. اعراف: ۱۰.

را گمراه کند. در این آیه، خداوند متعال از قول شیطان می‌گوید: «ثُمَّ لَا يَأْتِيهِمْ مِنَ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ»<sup>۱</sup>

در نتیجه، با این بیان، امام، کمر شیطان را شکست. همچنین انسان با اهل حمد شدن، در زمره شاکرین قرار می‌گیرد.

وَلِيُجْزِيَنا عَلَىٰ ذَٰلِكَ جِزَاءَ الْمُحْسِنِينَ

امام سجاد علیه السلام علت حمد خدا را چنین بیان می‌کند:

۱. با حمد الهی، انسان، شاکر احسان خداوند متعال می‌شود.

۲. اگر انسان، اهل حمد الهی شود، در زمره شاکرین جای می‌گیرد و در نتیجه، به پاداشی می‌رسد که خداوند متعال برای محسنین قرار داده است.

## گذری بر جزای محسنین در قرآن کریم

### ۱. دوست داشتن محسنین

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۲</sup>؛ خدا محسنین را دوست می‌دارد. «انسانی که اهل حمد خدا شود، در پی آن، در صف شاکرین قرار می‌گیرد و محبت خدا شامل حال او می‌شود.

### ۲. نزدیکی به رحمت خدا

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۳</sup>؛ رحمت خدا به انسان‌های محسن نزدیک است. «هنگامی

۱. آن‌گاه از پیش روی و از پشت سر و طرف راست و چپ آنان درمی‌آیم و بیشتر آنان را شکرگزار نعمت نخواهی یافت (اعراف: ۱۷).

۲. بقره: ۱۹۵

۳. اعراف: ۵۶



که انسان شاکر شد، رحمت خدا هم به او نزدیک می‌شود.  
از موضوع نزدیکی به رحمت خدا نباید به سادگی عبور کرد؛ زیرا همین  
رحمت الهی است که:

اولاً، باعث رشد و تزکیه انسان می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم به  
این واقعیت چنین اشاره می‌کند: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا  
زَكَىٰ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّيٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ اگر  
فضل و رحمت خدا درباره شما نبود، احدی از شما پاک و پاکیزه  
نمی‌شدید؛ اما خداوند هر که را بخواهد، پاک و پاکیزه می‌کند.  
بنابراین انسان برای پاک و پاکیزه شدن، به فضل و رحمت خدا  
محتاج است.

ثانیاً، باعث منع شیطان می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم در این باره  
می‌فرماید: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا»؛ و  
اگر نه این بود که فضل خدا شامل حال شماست، همانا به جز اندکی،  
همه از شیطان پیروی می‌کردید»

ثالثاً، خداوند متعال در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم می‌فرماید: «يَخْتَصُّ  
بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ». <sup>۳</sup> خداوند متعال به هر کس که  
بخواهد، رحمتش را اختصاص می‌دهد که یکی از آن‌ها انسان محسن  
است. البته امام، یکی از این «من یشاء»ها را اهل حمد الهی بودن،  
معرفی می‌کند.

۱. نوز: ۲۱

۲. نساء: ۸۳

۳. آل عمران: ۷۴

رباعاً، خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ»<sup>۱</sup> اگر فضل خدا درباره شما نبود، اهل ضرر و زیان بودید.

مطلب دیگری که اهمیت حمد را می‌رساند و انسان به واسطه آن محسن می‌شود، این است که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۲</sup> خدا پشتمانیان محسنین است.

#### ◆ نکته

بیان ما این است که اگر کسی اهل حمد الهی شد، در زمره شاکرین درمی‌آید و همواره در صف محسنین قرار می‌گیرد. بنابراین هرآنچه در این آیات به عنوان پاداش برای محسنین مطرح شد، شامل حال انسان شاکر هم می‌شود.

با این همه عظمت که برای حمد الهی بیان شد، آیا جاندار امام به خاطر هدایت شدن به حمد الهی، از خداوند متعال سپاسگزاری کند؟  
بنابراین، آنجا که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرکسی چهار مرتبه صبح و چهار مرتبه شب، حمد الهی را به جا آورد، شکر آن روز و شب را به جا آورده است»<sup>۳</sup>، به دلیل همین عظمت حمد الهی است.  
حمد الهی، آن قدر مهم است که ترک‌کننده آن، سزاوار محرومیت از

۱. بقره: ۶۳

۲. عنکبوت: ۶۹

۳. عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد بن خالد عن منصور بن العباس عن سعيد بن جناح قال حدثني أبو مسعود عن أبي عبد الله قال: من قال أربع مرات إذا أصبح - الحمد لله رب العالمين فقد أدى شكر يومه ومن قالها إذا أمسى فقد أدى شكر ليلته (الكافي (چاپ اسلامیه)، ج ۲، ص ۵۰۳، باب التمجيد والتمجيد، حدیث ۵).

خیر دنیا و آخرت است. امام سجاد علیه السلام در دعای پنجاه و یکم صحیفه سجادیه، بدین مطلب چنین تصریح می‌کند: «إِلَهِي فَلَا تَحْرِفْنِي خَيْرِ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى لِقَلَّةِ شُكْرِي». خدایا مرا به خاطر کم شکر کردن، از خیر دنیا و آخرت محروم نکن. بر اساس این کلام حضرت، اگر کسی حمد خدا را کم بگوید یا به عبارت دیگر، اهل حمد الهی نباشد، سزاوار است از خیر دنیا و آخرت محروم شود.

در مقابل، اگر کسی در زمره حامدین قرار گرفت و اهل حمد الهی شد یا در زمره شاکرین قرار گرفت و اهل آن شد، «خیر دنیا و آخرت» شامل حال او می‌شود.

حضرت در دعای سی و ششم، خدا را این‌گونه معرفی می‌کند: «الْقَابِلُ يَسِيرُ الْحَمْدِ، الشَّاكِرُ قَلِيلُ الشُّكْرِ؟ خدایایی که حمد کم را هم می‌پذیرد و از انسان قلیل الشکر سپاسگزاری می‌کند.»

از این رو امام سجاد علیه السلام در دعای ششم صحیفه سجادیه از خداوند متعال می‌خواهد که: «وَأَمَّا لَنَا مَا بَيْنَ ظَرْفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا؟ خدایا! روز و شب من را مملو از حمد خود قرار ده.»

(۲) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَّأَنَا بِدِينِهِ

امام در این فراز از دعا، خداوند متعال را به خاطر دینی که به او ارزانی داشته است، ستایش می‌کند.

بسیار مهم است که انسان به خاطر دینی که خداوند به او عنایت کرده،

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۵۱، بند ۱۳

۲. همان، دعای ۳۶، بند ۷

۳. همان، دعای ۶، بند ۱۴

از وی همواره سپاسگزاری کند؛ زیرا بسیاری از انسان‌ها از نعمت دینی که به آن هدایت شده‌اند، یعنی نعمت توحید و اسلام، در غفلت به سر می‌برند. بنابراین امام بنا دارد به انسانی که در حال قرائت این دعاست، هشدار دهد و او را از غفلت درباره این نعمت الهی خارج کند. گویی امام به انسان می‌فرماید: ای انسانی که در بین این همه مشرک در جهان هستی، خدا تو را به دین خود (اسلام)<sup>۱</sup> هدایت کرده است؛ حمد این نعمت را به جا آور.

وَ اِخْتَصَّنا بِمِلَّتِهٖ

امام از خداوند متعال به خاطر اینکه ما را به آیین خود اختصاص داد و از بین این همه انسان، ما را بدون هیچ آزمونی انتخاب کرد، سپاسگزاری می‌کند. تذکر: اینکه ما به فضل و رحمت خدا از پدر و مادری مسلمان و در کشوری که عطر اسلام می‌دهد، به دنیا آمده و از میان مسلمانان، ما شیعه شده‌ایم، از عنایات انتخاب و اختصاص خداوند متعال است.

وَ سَبَّلْنَا فِي سُبُلِ اِحْسَانِهٖ

یکی از مواردی که امام به خاطر آن، حمد الهی را بر خود لازم می‌داند، قرار گرفتن در مسیر احسان خداست؛ آن هم با هدایتی که خود خداوند، هادی انسان به این مسیر بوده است؛ زیرا اگر خداوند متعال، راه‌های قرب خود را به انسان نمی‌آموخت، او در گمراهی همیشگی باقی می‌ماند.

لِنَسْلُكَهَا بِمَنِّهِ اِلَى رِضْوَانِهٖ

دلیل حمد و ستایش خداوند متعال از اینکه انسان‌ها را به راه‌های احسان خویش هدایت کرده، این است که انسان با حرکت در این

۱. اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ (آل عمران: ۱۹).

راه‌ها «رضایت خدا» را به دست آورد.

بنابراین، هدف از قرار گرفتن و حرکت در این راه، خشنودی خداوند است که در این باره خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «**وَرِضْوَانٌ** **مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ**»<sup>۱</sup>

انسان عاقل باید از همه امکانات، لوازم و ظرفیت‌هایی که در کره زمین دارد، برای به دست آوردن رضای الهی بهره‌گیرد؛ زیرا «زمانی گذر پوست به دباغ‌خانه می‌افتد»، پس انسان باید در پی خشنودی حق باشد تا هنگامی که با او روبه‌رو شد، خداوند متعال از هر نظر از انسان راضی و خشنود باشد.

دنبال رضای خدا بودن مهم است؛ بنابراین انسان باید برای این موضوع خدا را شکر کند؛ چون به واسطه این سپاسگزاری‌ها لحظه به لحظه در به دست آوردن رضای الهی، توفیق بیشتری از جانب خدا دریافت می‌کند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «**لَئِنْ شَكَرْتُمْ** **لَأَزِيدَنَّكُمْ**؛ اگر شکر به جا آورید، برای شما نعمت را اضافه می‌کنم.»

**حَمْدًا يَتَّبِعُهُ مِنَّا، وَيَرْضَىٰ بِهِ عَنَّا**

انسان آن‌چنان باید خدا را حمد و ستایش کند که خدا از او بپذیرد و به واسطه این حمد، از انسان راضی شود.

جایگاه حمد الهی آن‌قدر بالاست که رضایت الهی را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

با توجه به این بیان حضرت، اگر گفته شود انسان حامد در لحظه مرگ و

۱. توبه: ۷۲

۲. ابراهیم: ۷

هنگام ملاقات خدا سعادتمند است، سخن درستی است.

(۳) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السَّبِيلِ شَهْرَهُ، شَهْرَ رَمَضَانَ<sup>۱</sup>

در این فراز، امام سجاد علیه السلام خدا را به خاطر اینکه یکی از راه‌های رسیدن به احسان خویش را، ماه مبارک رمضان قرار داده است، حمد می‌کند.

یادی از امام سجاد علیه السلام و عبادت ایشان:

زهری نقل می‌کند: «زمانی با علی بن الحسین بر عبدالملک مروان وارد شدیم. او انسانی بسیار خبیث بود و ۲۱ سال از زعامتش با امام سجاد همراه بود. او بلافاصله بعد از دیدن امام تحت تأثیر قرار گرفت و به امام گفت: تو که خاندان و نسبت به پیامبر می‌رسد، چرا این قدر عبادت می‌کنی؟ حضرت فرمود: پیامبر که خداوند متعال، گناهان قبل و بعد ایشان را آرمزیده بود، آن قدر عبادت می‌کردند که پاهایشان ورم می‌کرد و زمانی که به ایشان می‌گفتند چرا با اینکه خداوند متعال، گناهان قبل و بعد شما را بخشوده است، عبادت‌های طولانی انجام می‌دهید، می‌فرمود: آیا بنده شکرگزاری نباشم؟<sup>۲</sup> از این رو امام سجاد علیه السلام بعد از هر نماز، به سجده‌ای طولانی می‌رفتند.

هشام بن احمر نقل می‌کند: «روزی امام کاظم علیه السلام با یاران خود در اطراف مدینه، سوار بر ناقه در حال حرکت بودند، ناگهان امام از ناقه پیاده شدند، سر به سجده گذاشتند و بعد از مدتی سراز سجده برداشتند و بر ناقه نشستند. اطرافیان علت این سجده را پرسیدند، امام در پاسخ فرمود: یاد

۱. حمد و ستایش مخصوص خدایی است که یکی از این راه‌ها را ماه خودش قرار داد که ماه رمضان است.

۲۴. فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین رب الأرباب، ص ۱۶۹؛ بحار الأنوار (چاپ بیروت)، ج ۴۶، ص ۵۷

نعمتی از نعمت‌های الهی افتادم، دوست داشتم شکر آن را به جا آورم.»<sup>۱</sup>  
سیره ائمه علیهم السلام این بوده است که در هر حالت، حامد و شاکر نعمت‌های الهی بودند و به واسطه آن همواره خدا را یاد می‌کردند.

### شَهْرُ الصَّيَامِ

امام سجاد علیه السلام ماه مبارک رمضان را به عنوان شهر الصیام (ماه روزه) تبیین می‌کند؛ بنابراین اگر کسی از روی غفلت و عسیان، روزه ماه مبارک رمضان را درک نکند، خیرهایی که حضرت در ادامه دعا می‌فرماید، شامل حال او نمی‌شود.

از این رو، نفس کشیدن چنین شخصی، تسبیح و خواب او عبادت نیست. البته باید این نکته را مدّ نظر داشت که افراد معذور، شرایط خاص خود را دارند.

اصل روزه گرفتن، چه در این ماه و چه در ماه‌های دیگر سال که توصیه شده، در شرع مقدس از جایگاهی ویژه برخوردار است و هرکس موفق به انجام آن شود، عبادتی بزرگ را به جا آورده است.

حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های خویش، از ویژگی‌های انسان‌های مؤمن یاد کرده، در انتها با تعبیری عجیب درباره این افراد می‌فرماید: **«أُولَئِكَ إِخْوَانِي الدَّاهِبُونَ فَحَقَّ لَنَا أَنْ نَنْظُمَ لَهُمْ وَ نَعَصَّ الْأَيْدِي عَلَى فِرَاقِهِمْ»**؛ این‌ها برادران من بودند که رفتند. سزاوار است تشنه

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ قَالَ: كُنْتُ أُسِيرُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ ع فِي بَعْضِ أَطْرَافِ الْمَدِينَةِ إِذْ نَتَى رَجُلَهُ عَنِ دَائِبَتِهِ فَخَرَّ سَاجِدًا فَأَطَالَ وَأَطَالَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَرَكَبَ دَائِبَتَهُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ إِنِّي ذَكَرْتُ نِعْمَةً أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي (الكافي، كتاب الايمان والكفر، باب الشكر، ج ۲، ص ۹۸).

دیدارشان باشیم و در فراق آن‌ها انگشت حسرت به دندان بگیریم.» یکی از ویژگی‌های این افراد که حضرت «تشنه» دیدار آن‌هاست و در «فراق آن‌ها انگشت حسرت می‌گزد»، به فرموده ایشان این است: «**خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الصَّيَامِ**؛ شکم آن‌ها از روزه گرفتن لاغر شده.»

در روایتی دیگر، حُمران بن اعین از امام صادق ع نقل می‌کند:

«روزی امام سجاد در منزل خویش نشستند. گروهی آمدند و در خانه حضرت را زدند. حضرت به کنیز خود فرمود: **يَا جَارِيَةُ أَنْظِرِي مَنْ بِالْبَابِ**؛ ببینید چه کسی پشت در است؟ کنیز برگشت و گفت: **قَالُوا قَوْمٌ مِنْ شِيعَتِكَ**؛ می‌گویند گروهی از شیعیان شما هستند. امام چنان با عجله از جای خود برخاست که، **كَأَدَّ أَنْ يَقَعَ**؛ نزدیک بود به زمین بخورد. سپس زمانی که در را باز کردند و **نَظَرُوا إِلَيْهِمْ رَجَعُوا**؛ نگاهش به آن‌ها افتاد، به داخل منزل بازگشت و سپس فرمود: **كذبوا؛ دروغ گفتند.**

بعد حضرت فرمود: **فَأَيُّنَ السَّمْتِ فِي الْوُجُوهِ أَيْنَ أَثَرُ الْعِبَادَةِ أَيْنَ سِيمَاءُ السُّجُودِ إِنْ مَا شِيعَتُنَا يُعْرِفُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَشَعَثِهِمْ قَدْ قَرَحَتِ الْعِبَادَةُ مِنْهُمْ الْأَنَافُ وَدَثَّرَتِ الْجِجَبَةُ وَالْمَسَاجِدَ خُمْصُ الْبُطُونِ ذُبُلُ الشَّفَاهِ قَدْ هَيَّجَتِ الْعِبَادَةَ وَجُوهَهُمْ وَأَخْلَقَ سَهْرَ اللَّيَالِي وَ قَطَعَ الْهَوَاجِرِ جُنْتَهُمُ الْمَسْبُحُونَ**

۱. **أَيُّنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ دُعُوا إِلَى الْإِسْلَامِ قَبْلَهُ وَ قَرَأُوا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ وَ هَبَجُوا إِلَى الْجِهَادِ فَوَلَّهُمْ وَلَهُ الْفِتَاحَ إِلَى أَوْلَادِهَا وَ سَلَبُوا السُّيُوفَ أَعْمَادَهَا وَ أَخَذُوا بِأَطْرَافِ الْأَرْضِ رَخْفًا رَخْفًا وَ صَفَاءً صَفَاءً تَبَعُوا هَلْكَ وَ بَعْضُ نَجَالٍ لَا يُبَشِّرُونَ بِالْأَحْيَاءِ وَ لَا يُعَوِّزُونَ عَنِ الْمَوْتَى مُرَّةَ الْعَيْوُنِ مِنَ الْبُكَاءِ خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الصَّيَامِ ذُبُلُ الشَّفَاهِ مِنَ الدَّعَاءِ صُفْرُ الْأَلْوَانِ مِنَ السَّهْرِ عَلَيَّ وَ جُوهَهُمْ غَبْرَةُ الْخَاشِعِينَ أَوْلِيكَ إِخْوَانِي الدَّاهِيُونَ فَحَقَّ لَنَا أَنْ نُنْظِمَ إِلَيْهِمْ وَ نَعُصَّ الْأَيْدِي عَلَى فِرَاقِهِمْ** (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱).

۲. این لاغری به دلیل روزه‌داری است که در بیشتر افراد اتفاق می‌افتد و نیز ممکن است برخی با روزه‌داری لاغر نشوند. امام، ناظر به غالب صحبت می‌کند.



إِذَا سَكَتَ النَّاسُ وَ الْمُصَلُّونَ إِذَا نَامَ النَّاسُ وَ الْمَحْزُونُونَ إِذَا فَرَخَ النَّاسُ يُعْرِفُونَ بِالزُّهْدِ كَلَامَهُمُ الرَّحْمَةَ وَ تَشَاغُلُهُمُ بِالْحِجَّةِ؛ اگر این ها شیعیان ما هستند، چرا آثارش در آن ها دیده نمی شود؟ اثر عبادت و سجود کجاست؟ همانا شیعیان ما با عبادت... و لاغری به دلیل روزه داری و خشکی لب های آن ها از ذکر خدا... شناخته می شوند.<sup>۱</sup>

تذکر: ای عزیز! باید مراقب بود، نکنند این «کذبوا» شامل حال ما هم شود. ببینید میزان اشتیاق حجت خدا به چنین انسان هایی چه چشمگیر است. درست است که عموم شیعیان نمی دانند امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ کجاست، اما ایشان از احوال آن ها باخبر است. حال اگر انسان، اوصاف شیعه را داشته باشد، امام، عطش انسان را سیراب می کند؛ زیرا امام، آئینه رأفت خداست.

### وَ شَهْرُ الْإِسْلَامِ

در این فراز به دو مطلب می توان اشاره کرد:

۱. اسلام، یعنی تسلیم شدن، بنابراین ماه رمضان، ماه تسلیم و مطیع شدن در برابر خداوند متعال است. البته تسلیم شدن در برابر دستورهای خداوند متعال دشوار است؛ از جمله اینکه انسان در تابستان گرم، شانزده ساعت چیزی نخورد و نیاشامد.

۲. اسلام در این فراز به معنای «دین اسلام» است؛ در این صورت، ماه مبارک رمضان، ماه دین اسلام معرفی می شود. البته اسلام در این فراز، ظهور در معنای دوم دارد.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در روایتی فرمود: «إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ لَمْ يَفْرِضِ اللَّهُ صِيَامَهُ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنَ الْأُمَّمِ قَبْلَنَا؛ روزه ماه رمضان را خدا بر هیچ امتی قبل از شما

۱. صفات الشیعه، الحدیث الازبعون، ص ۲۸-۲۹

واجب نکرده است. راوی پرسید: توجیه این آیه شریفه که می فرماید: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما واجب شده است، همان طور که بر افرادی قبل از شما واجب شده بود، چیست؟ امام فرمود: «قَالَ إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ دُونَ الْأُمَّمِ فَفَضَّلَ بِهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ وَجَعَلَ صِيَامَهُ فَرِضًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ عَلَى أُمَّتِهِ؛ اینکه قرآن می فرماید، مراد، امت گذشته نیست، بلکه فقط مخصوص انبیای امت سابق است و خداوند متعال به واسطه وجوب روزه ماه مبارک رمضان بر امت پیامبر اکرم، مسلمانان را بر دیگران برتری داده است.»<sup>۱</sup>

برای مسلمانان مشهود است که خداوند متعال به واسطه روزه، فضایل بسیاری به آن ها عنایت فرموده است.

#### ◆ نکته

این فضایل به برکت پیامبر اسلام ﷺ است که به همین دلیل، شایسته است به دعای دوم صحیفه سجادیه مراجعه شود. امام سجاد علیه السلام در قسمتی از این دعا می فرماید: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأُمَّمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجَزُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ؛<sup>۲</sup> حمد و سپاس

۱. وَرَوَى سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْمُنْقَرِي عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثِ النَّخَعِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ لَمْ يُفْرَضِ اللَّهُ صِيَامَهُ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأُمَّمِ قَبْلَنَا فَقُلْتُ لَهُ فَقَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَالَ إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ دُونَ الْأُمَّمِ فَفَضَّلَ بِهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ وَجَعَلَ صِيَامَهُ فَرِضًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ عَلَى أُمَّتِهِ (من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰).

۲. صحیفه سجادیه، دعای دوم، بند اول

مخصوص خدایی است که به واسطه پیامبرگرمی اسلام، برامت اسلام ممت نهاده، نه برشرایع گذشته...»  
این فضیلت پیامبرگرمی اسلام عَلَيْهِ السَّلَامُ است که باعث شده امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ در قسمت‌های متعدد صحیفه سجادیه، بر پیامبر صلوات بفرستد.

### وَشَهْرُ الظُّهُورِ

ماه مبارک رمضان، ماه پاکی است؛ ماهی که در آن، انسان پاک می‌شود. از آنجا که نَفَس کشیدن در این ماه، تسبیح و خواب در آن، عبادت است و تلاوت یک آیه از قرآن، ثواب ختم قرآن را دارد، این ماه منجر به پاکی و طهارت نفس انسان می‌شود و در نتیجه، آمار فسق و فجور در ماه مبارک رمضان کاهش می‌یابد.

### وَشَهْرُ التَّمْحِیصِ

«تمحیص» در لغت، به معنای جداسازی خالصی از ناخالصی است.<sup>۱</sup> هنگامی که سنگ طلا را حرارت دهند تا ناخالصی آن را جدا کنند، این فرایند در لغت عرب، تمحیص نامیده می‌شود. امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ در دعای پانزدهم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «أَمَّ وَقْتُ الْعَلَّةِ الَّتِي مَحَّضْتَنِي بِهَا؛ یا زمان بیماری که به واسطه آن، انسان مورد آزمایش قرار می‌گیرد و خالصی را از ناخالصی انسان جدا می‌کند. به همین دلیل حضرت فرمود که به واسطه این بیماری که بر من عارض شده است، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظُهُرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ؛ خداوند متعال بار گناهان را که بر دوش من سنگینی می‌کند، سبک می‌سازد.

۱. المَحْضُ: خلوص الشيء (العین، ج ۳، ص ۱۲۷).

بنابراین چون خداوند متعال در این ماه، گناهان بنده را می‌بخشد، ماه مبارک رمضان، ماه تمحیص است.

موضوع بخشیده شدن گناهان را نباید کوچک شمرد؛ زیرا به تعبیر امام سجاد علیه السلام در دعای شانزدهم صحیفه سجادیه، «**إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتُكَ النَّارَ**» اولین لحظه‌ای که من مرتکب گناه شدم، سزاوار آتش بودم. بعد از گناه، انسان گناهکار، مستحق آتش می‌شود و این بخشش گناه، برای انسان بسیار مهم است.

### و شَهْرُ الْقِيَامِ

خداوند متعال، این ماه را، ماه قیام برای عبادت خودش قرار داده است. اگر کسی حداقل بخشی از شب‌های ماه مبارک رمضان را به قیام نگذراند، دچار «خسارت مضاعف» می‌شود؛ زیرا در ماه‌های عادی، ترک قیام، موجب خسران است.

در این باره به روایتی از امام صادق علیه السلام استناد می‌شود که می‌فرماید:

«**قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا سُلَيْمَانُ لَا تَدْعُ قِيَامَ اللَّيْلِ فَإِنَّ الْمَغْبُورَ مِنْ حُرْمِ قِيَامِ اللَّيْلِ**؟ نماز و عبادت در شب را ترک نکن؛ زیرا مغبون و زیان دیده کسی است که نماز و عبادت شب را ترک کند.» این خسارت، در ماه مبارک رمضان، مضاعف می‌شود.

### ◆ نکته

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۱۶، بند ۳۱  
 ۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا سُلَيْمَانُ لَا تَدْعُ قِيَامَ اللَّيْلِ فَإِنَّ الْمَغْبُورَ مِنْ حُرْمِ قِيَامِ اللَّيْلِ (علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۳).

در ماه مبارک رمضان ۱۰۰۰ رکعت نماز بدین صورت وارد شده است:  
بیست شب اول ماه، شبی ۲۰ رکعت: ۸ رکعت بعد از نماز مغرب و ۱۲  
رکعت بعد از نماز عشا.

در شب نوزدهم، علاوه بر ۲۰ رکعت، ۱۰۰ رکعت وارد شده است.  
ده شب سوم، ۳۰ رکعت نماز: ۸ رکعت بعد از نماز مغرب و ۲۲ رکعت  
بعد از نماز عشا.

شب‌های بیست و یکم و بیست و سوم، علاوه بر این ۳۰ رکعت، هریک  
۱۰۰ رکعت نماز دارند که جمعاً در این ماه ۱۰۰۰ رکعت نماز می‌شود.

### الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ، هُدًى لِلنَّاسِ

ماه مبارک رمضان، ماهی است که خداوند متعال، قرآن را در آن نازل  
کرده و مایه هدایت تمام مردم قرار داده است.

هدف از نزول قرآن، هدایت تمام انسان‌های جهان بوده که در آیه ۱۸۵  
سوره بقره<sup>۱</sup> به هدی للناس بودن قرآن کریم اشاره شده است.

### وَيَبِّتَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

قرآن کریم از واضحات هدایت، سرشار است؛ بنابراین هر انسانی که  
می‌خواهد هدایت شود، باید به سراغ قرآن برود.

آنچه موجب می‌شود درست از غلط تشخیص داده شود، قرآن کریم  
است، از این رو به آن فرقان هم اطلاق می‌شود.

### (۴) فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ

۱. شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ  
فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ  
يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ  
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (بقره: ۱۸۵).

حرف «فاء» که بر کلمه «أبان» داخل شده، فاء عاطفه سببیه است. این حرف، ماقبل خود را برای مابعد خود دلیل می‌گیرد. بنابراین، دلیل فضیلت و برتری این ماه بر دیگر ماه‌ها، نزول قرآن است، پس سزاوار است انسان در این ماه با قرآن انس داشته باشد.

امام سجاد علیه السلام در دعای بیست و یکم می‌فرماید: «وَهَبْ لِي الْاِنْسَ بِكَ! خدایا! انس با خودت را به من ببخش.»

حال این سؤال مطرح می‌شود که انسان چگونه می‌تواند با خدا انس داشته باشد؟ مشخصاً انسان برای انس داشتن با خداوند متعال باید به سراغ نماز، دعا، قرآن و ذکر الهی برود.

امام در دعای چهل و دوم (دعای ختم قرآن) می‌فرماید: «وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ مُنْسًا؛ خدایا! در تاریکی شب، قرآن را منس من قرار بده.» درباره مرحوم شیخ عباس قمی نقل شده است که ایشان در نیمه‌های شب، قرآن تلاوت می‌کرد و وقتی به آیه «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»<sup>۳</sup> می‌رسید، با صدای بلند می‌گریست.

ماه مبارک رمضان، ماه قرآن است؛ بنابراین باید در این ماه با قرآن مانوس شد.

### فضیلت قرائت قرآن

یکی از منابع بسیار خوب که برای مطالعه درباره قرآن پیشنهاد می‌شود، روایات «کتاب فضل القرآن»<sup>۴</sup> در کتاب اصول کافی است.

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۲۱، بند ۱۱

۲. همان، دعای ۴۲، بند ۱۰

۳. بیس: ۶۳

۴. الکافی (چاپ اسلامیة)، ج ۲، ص ۵۹۶، کتاب فضل القرآن

در این بخش، به چند روایت از آن اشاره می‌شود:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خانه‌ای که در آن قرآن تلاوت شود، برکتش زیاد شده، فرشته‌های رحمت خدا در آن وارد می‌شوند. آن خانه در میان اهل آسمان، همانند ستاره‌ای می‌درخشد.»<sup>۱</sup>
۲. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قرآن، عهدی بین انسان و خداست؛ بنابراین شایسته است انسان هر روز به مفاد این عهدنامه بنگرد و ۵۰ آیه از آیات آن را تلاوت کند.»<sup>۲</sup>

تلاوت قرآن دو اثر دارد:

۱. اثر تکوینی: قرآن، نور<sup>۳</sup> است و باعث می‌شود انسان راه را از چاه تشخیص دهد و از گمراهی در امان بماند.
۲. اثر تشریحی: انسان باید‌هایی را که خداوند متعال در قرآن فرموده است، فرا می‌گیرد.

## کیفیت قرائت قرآن

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ عُمَانَ عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سُلَيْمٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَلَا الْقُرْآنَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَلَا تَتَّخِذُهَا قُبُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى صَلُّوا فِي الْكَنَائِسِ وَالْبَيْعِ «۱» وَعَظَلُوا بُيُوتَهُمْ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَاتَّسَعَ أَهْلُهُ وَأَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا (همان، ص ۶۱۰، بابُ الْبُيُوتِ الَّتِي يُقْرَأُ فِيهَا الْقُرْآنُ، حدیث ۱).
۲. عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً (همان، ص ۶۰۹، باب فی قرائته، حدیث ۱).
۳. يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا (نساء: ۱۷۴).

۱. حفص نقل می‌کند: «قرآن خواندن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام همراه با حزن بود و زمانی که قرآن تلاوت می‌کرد، گویی با کسی سخن می‌گفت.»<sup>۱</sup>  
قاری قرآن مانند گویندگان اخبار است که متن خبر را در مقابل او قرار داده‌اند و برای مردم می‌خواند. قرآن نیز متن کلام خداست و دارد با پیامبر و دیگر انسان‌ها سخن می‌گوید؛ بنابراین انسان باید با همان حال قرآن را بخواند.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «قرآن برای حزن نازل شده است، پس آن را با حزن بخوانید.»<sup>۲</sup>

قرآن نازل شده است تا قلب انسان را محزون کند. زمانی که قلب محزون شد، رقیق می‌شود و انسان رقیق القلب از دستوره‌های خداوند متعال اطاعت می‌کند. در نتیجه، هنگامی که خداوند متعال تکلیفی را از انسان می‌خواهد، انجام می‌دهد و اگر دستور بر ترک داد، ترک می‌کند.  
امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال به حضرت موسی وحی فرمود که **إِذَا قَرَأْتَ التَّوْرَةَ فَاسْمِعْنِيهَا بِصَوْتِ حَزِينٍ**<sup>۳</sup>؛ هر وقت خواستی تورات

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ قَالَ: سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ لِرَجُلٍ أَتَيْتُهُ فِي الدُّنْيَا فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ وَلِمَ قَالَ لِقِرَاءَةٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَسَكَتَ عَنْهُ فَقَالَ لَهُ بَعْدَ سَاعَةٍ يَا حَفْصُ مَنْ مَاتَ مِنْ أَوْلِيَانَا وَشَبَعْتَنَا وَلَمْ يُحْسِنِ الْقُرْآنَ عَلِيمٌ فِي قَبْرِهِ لِيَرْفَعَ اللَّهُ بِهِ مِنْ دَرَجَتِهِ فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ آيَاتِ الْقُرْآنِ يُقَالُ لَهُ أَفْرَأُ وَأَرْقُ فَيَقْرَأُ ثُمَّ يَرْقَى قَالَ حَفْصُ فَمَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشَدَّ حُزْنًا فَإِذَا قَرَأَ فَكَأَنَّهُ يُخَاطَبُ إِنْسَانًا (الكافي، ج ۲، ص ۶۰۶، باب فضل حامل القرآن، حديث ۱۰).

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَأَفْرَأُ وَهُوَ بِالْحُزْنِ (همان، ص ۷۱۴، کتاب فضل القرآن باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، حديث ۲).

۳. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ



بخوانی، با صوت حزین به گوش من برسان.» بنابراین باید قرآن با صوت حزین خوانده شود.

با صوت حزین، اشک‌ها جاری می‌شود و خداوند متعال این اشک‌ها را دوست دارد.

امام سجاد علیه السلام فرمود: «**إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ**؛ خداوند متعال هر قلب حزینی را دوست دارد.»

---

بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَىٰ إِلَىٰ مُوسَىٰ بْنِ عِمْرَانَ ع إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيْ فَقِفْ مَوْقِفَ الدَّلِيلِ الْفَقِيرِ وَإِذَا قَرَأْتَ التَّوْرَةَ فَاسْمِعْ بِهَا بِصَوْتِ حَزِينٍ (همان، ص ۶۱۵، باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، حدیث ۶).

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنِ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنِ عَمَّارِ الدَّهْنِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ وَ يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ لِعَبْدٍ مِنْ عِبْدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَشْكُرْتَ فَلَنَا فَيَقُولُ بَلْ شَكَرْتُكَ يَا رَبِّ فَيَقُولُ لَمْ تَشْكُرْنِي إِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ ثُمَّ قَالَ أَشْكُرْكُمْ اللَّهُ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ (همان، ص ۹۹، باب الشكر).



جلسه دوم

محرمان  
رمضان

شرح دعای چهل چهارم  
صحیفه سجادیه علیه السلام  
دعای امام سجاد علیه السلام هنگام  
ورود به ماه مبارک رمضان



دلیل فضیلت ماه مبارک رمضان بر سایر ماه‌ها، نازل شدن قرآن در آن است.

امام در این فراز، عظمت قرآن را برای ما آشکار می‌سازد. خداوند متعال نیز قرآن را شفاء فی الصدور معرفی می‌کند.

در نامه ۳۱ نهج البلاغه، حضرت علی علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «أَخِي قَلْبُكَ بِالْمَوْعِظَةِ!»؛ پسرم! قلبت را با موعظه زنده کن. «**يَا خُداوند متعال در قرآن کریم، به موعظه بودن قرآن تصریح می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ.»<sup>۲</sup>**

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید قلب را با موعظه زنده کنید و قرآن هم خود را موعظه معرفی می‌کند؛ بنابراین قلب با قرآن زنده می‌شود؛ یعنی انسانی که با قرآن مانوس باشد، قلبش زنده است.

حال که موعظه بودن قرآن روشن شد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا قرآن کریم، موعظه‌ای عادی است؟ برای پاسخ به این سؤال، به نهج البلاغه مراجعه می‌کنیم، آنجا که حضرت علی علیه السلام فرمود: «وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱

۲. یونس: ۵۷

لَمْ يَعْظُ أَحَدًا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ؛ خداوند متعال از ابتدای خلقت آدم تا قیامت، هیچ‌کس را از جن و انس، مانند قرآن موعظه نکرده است. امام سجاد علیه السلام در انتهای دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه، از خداوند متعال درخواست می‌کند که همه اوقات عمرش را این‌گونه قرار بدهد و به نخستین نکته‌ای که تأکید دارد، قرآن کریم است.

به همین دلیل، در شب قدر، بافضلیت‌ترین چیز، یعنی قرآن را بر سرگرفته، خدا را به آن قسم می‌دهیم، سپس به پیامبر و مؤمنینی که در قرآن مورد مدح قرار گرفته‌اند، قسم داده می‌شود. اگر چیزی بالاتراز قرآن بود، انسان ابتدا در شب قدر خدا را به آن قسم می‌داد. از این رو امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدًا إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ زِيَادَةٍ فِي هُدًى أَوْ نَقْصَانٍ مِنْ عَمَى وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ؛ انسانی نیست که با قرآن بنشیند، مگر چیزی به او اضافه یا چیزی از او کم می‌شود. اگر با قرآن بنشیند، هدایت او افزوده و از جهل او کاسته می‌شود.»

یکی دیگر از نشانه‌های عظمت قرآن این است که هدایت و مدیریت آن، جهانی است. در قرآن کریم به این حقیقت چنین اشاره شده است: «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ»؛ این قرآن اندازدهنده بشریت است.»

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶

۲. همان

۳. مدثر: ۳۶

### نکته

وقتی آیه‌ای از قرآن کریم بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل می‌شد، ایشان به کنار کعبه می‌آمدند و آن آیه را تلاوت می‌کردند. سران کفار می‌گفتند: «گوش نکنید و با آن مبارزه کنید، بلکه شما بر او غلبه یابید.»<sup>۱</sup>

به راستی چرا سران کفار از گوش دادن مردم به قرآن بیمناک بودند؟ پاسخ این است که این قدر آیات قرآن، متقن و محکم بود که کسی نمی‌توانست گوش کند و نپذیرد. سران مشرکین، خود نیمه شب، دور از چشم یکدیگر می‌رفتند و به تلاوت قرآن گوش می‌دادند.

بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ الْمُؤَفَّرَةِ، وَالْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ، فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام در این فراز از دعا بیان می‌کند: خداوند متعال برای اینکه این ماه را بزرگ و گرامی بدارد، چیزهای بسیاری را حرام کرده است.

مثال برای حرمت موفوره: زمانی که انسان، کافر است، نزد خداوند متعال احترامی ندارد؛ بنابراین غیبت او جایز است؛ اما وقتی ایمان آورد، یعنی برای خدا احترام قائل شده است، بنابراین خداوند متعال هم برای او احترام قائل می‌شود و جان، مال و آبروی او محترم است. خداوند متعال با منع خوردن و آشامیدن و دیگر مبطلات روزه، برای این ماه حرمت قائل شده است. بنابراین حرف «فاء» در کلمه «فحرم»،

۱. وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ (فصلت: ۲۶).

فاء ترتیب ذکری یا مفصل بعد از مجمل است؛ یعنی حرمت داشتن این ماه، ابتدا با عبارت «حرمت موفوره» و سپس با عبارت «فحرم فیه» به طور مفصل بیان می شود.

وَحَجَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَالْمَشَارِبَ إِكْرَامًا

خداوند متعال از لذت‌ها، از جمله خوردن و آشامیدن، به احترام این ماه، حریم قائل شده است.

وَجَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيِّنًا لَا يُحِيْزُ- جَلَّ وَعَزَّ- أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَلَا يَقْبَلُ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ  
خداوند متعال برای این ماه، زمانی مشخص قرار داد؛ از حلول ماه تا حلول ماه بعد (شوال) و نیز برای روز آن، از اذان صبح تا اذان مغرب، یعنی از لحاظ ماه و روز، وقت را مشخص کرده است.

نکته بسیار مهم این است که امام سجاد علیه السلام در این فراز، از خداوند متعال با صفت «جَلَّ وَعَزَّ» یاد می کند؛ زیرا اگر خداوند متعال، عزت و قدرت نداشته باشد، نمی تواند اعمال نفوذ کند.

در ادامه می فرماید خداوند متعال اجازه نداده است این ماه مبارک مقداری جلو و عقب شود؛ یعنی کسی نمی تواند به نیت روزه ادای ماه مبارک رمضان، یک روز قبل و یک روز بعد از ماه مبارک روزه بگیرد. بنابراین روزه روز اول ماه شوال، حرام است. همه آن فضیلت‌هایی که امام سجاد علیه السلام فرمود (الفضائل المشهوره)<sup>۱</sup> در این فاصله زمانی است؛ فضایلی مانند عبادت بودن خواب روزه‌دار و تسبیح بودن نفس او که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه آخر

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۴۴، بند ۴



ماه شعبان، بیان فرمودند.<sup>۱</sup>

(۵) ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةَ وَاحِدَةٍ مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي الْفِ شَهْرِ، وَ سَمَّاهَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ

سپس خداوند متعال از میان این ماه، یک شب را فضیلت داد و نام آن را «لیلة القدر» نهاد. این شب در میان شب‌ها یگانه است و بر هزار ماه برتری دارد.

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا

روح، مخلوقی است که از جبرئیل بزرگ‌تر است. در قرآن چند بار از او یاد می‌شود.

امام سجاد علیه السلام در دعای سوم صحیفه سجادیه<sup>۲</sup> به‌طور ویژه بر او صلوات می‌فرستد و به‌خاطر عظمت او خداوند متعال به‌صورت خاص از او نام برده است. این یادکرد خاص بعد از عام (الملائکه) در سوره قدر، بر عظمت وی تأکید می‌کند.

يَا ذُنِ رَبِّهِمْ

هر اتفاقی که در عالم می‌افتد، همه به اذن الهی است، حتی ملائکه هم بدون اذن خداوند متعال، حرکتی انجام نمی‌دهند. خداوند در سوره مریم می‌فرماید: «وَمَا تَنْزِيلُ الْإِلَهِ بِأَمْرِ رَبِّكَ»<sup>۳</sup>؛ ما جز به امر پروردگار تو نازل نمی‌شویم.

سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَكَةِ

۱. أَنْفَاسِكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَ نُؤْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ وَ عَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ وَ دُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ (الامالی (للسدوق)، ص ۹۳).

۲. وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَضَّلَ عَلَيْهِمْ (صحیفه سجادیه، دعای سوم، بند ۵ و ۶).

۳. مریم: ۶۴

شب قدر، «شب سلام» است.

در سلام این شب اختلاف‌هایی وجود دارد:

۱. برخی نقل کرده‌اند ملائکه در این شب بریکدیگر سلام می‌کنند.

۲. برخی دیگر گفته‌اند ملائکه بر مؤمنین سلام می‌کنند.

۳. برخی دیگر نقل کرده‌اند مؤمنین در این شب از وسوسه‌های شیطان

در امان می‌مانند و دلیل اینکه حضرت، به جای سالم، سلام فرمود، از

جهت «زید عدل»<sup>۱</sup> است.

و در ادامه فرمود: سراسر برکت است.

امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «علامت شب قدر این است که در آن

نسیمی متعادل می‌وزد، به گونه‌ای که اگر هوا سرد باشد، نسیم گرم و اگر

هوا گرم باشد، نسیم خنک می‌وزد.»<sup>۲</sup> یعنی حتی برکت این شب، در هوا

هم ظهور و بروز دارد.

إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ

این برکت تا سپیده‌دم دوام دارد.

عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

۱. در ادبیات عرب، وقتی بخواهند شدت عدالت زید را بگویند، به جای زید عادل، می‌گویند زید عدل، یعنی به جای استفاده از اسم فاعل، از مصدر استفاده می‌کنند تا شدت عدالت زید را برسانند. امام سلام فرمود تا شدت را برساند.

۲۴. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ الْأَيْوَبِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ عَلَامَةِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ عَلَامَتُهَا أَنْ تَطْيِبَ رِيحُهَا وَإِنْ كَانَتْ فِي بَرْدٍ دَفِئَتْ «۲» وَإِنْ كَانَتْ فِي حَرٍّ بَرَدَتْ فَطَابَتْ قَالَ وَ سُئِلَ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ تَنْزَلُ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ وَالْكَتَبَةُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَكْتُبُونَ مَا يَكُونُ فِي أَمْرِ السَّنَةِ وَمَا يُصِيبُ الْعِبَادَ وَأَمْرُهُ عِنْدَهُ مَوْقُوفٌ لَهُ وَ فِيهِ الْمَشِيئَةُ فَيَقْدِمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَيُؤَخِّرُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَيَمْحُو وَيُنْثِبُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (الكافي، ج ۴، ص ۱۵۷، باب في ليلة القدر، حديث ۳).

حرف «علی» در عبارت «عَلَى مَنْ يَشَاءُ»، متعلق به «تَنْزُلُ» است؛ یعنی عبارت این‌گونه می‌شود، ملائکه و روح بر هرکسی از بندگان که بخواهد نازل می‌شوند، اما به خاطر عبارت بعد از آن، یعنی «بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ»، مراد از کسی که ملائکه بر او نازل می‌شوند، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و قضا و قدرها در شب قدر به روح القدس که امام هر عصر است، فرستاده می‌شود.



جلسه سوم

محرمان  
پنهان

شرح دعای چهل چهارم  
صحیفه سجادیه علیه السلام  
دعای امام سجاد علیه السلام هنگام  
ورود به ماه مبارک رمضان



مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

آن‌ها برای انجام هر عملی که خداوند متعال در شب قدر حکم کند، نازل می‌شوند.

(۶) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

حضرت در این فراز، انسان را به ذکر «صلوات» توجه داده است.

نکته‌ای درباره «صلوات» در کلام امام سجاد علیه السلام

حضرت در دعای سیزدهم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «وَصَلِّ عَلَيَّ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً دَائِمَةً نَامِيَةً، وَاجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي»<sup>۱</sup>.

حضرت از خداوند متعال، صلاة دائمة (صلوات همیشگی) را درخواست می‌کند. «نامیة»، یعنی لحظه به لحظه توسط خدا بر صلوات فرستادن من افزوده شود، «لَا انْقِطَاعَ لِأَيْدِيهَا وَلَا مُنْتَهَى لِأَمْدِهَا»؛ یعنی صلواتی باشد بی‌انتهایا. گویی در پاسخ به این سؤال که هدف از این صلوات با این ویژگی چیست، می‌فرماید:

۱. وَاجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي؛ این صلوات را یار و یاور من قرار بده.

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۱۳، بند ۲۴.

بنابر فرموده قرآن کریم، انسان موجودی ضعیف<sup>۱</sup> و فقیر<sup>۲</sup> است و برای پیمودن مسیر و رسیدن به مقصد، نیاز به یار و یاور دارد. ظرفیت و قدرت صلوات به قدری زیاد است که حضرت در این مسیر، آن را از خداوند متعال به عنوان یار و یاور درخواست می‌کند.

۲. سَبَّابًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي، إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ؛ صلوات را سببی قرار بده تا به خواسته‌ای که از تو دارم، برسم.

در نتیجه، اولاً صلوات یار و یاور برای رسیدن به مقصد است و ثانیاً سبب رسیدن به خداوند متعال.

حال که اهمیت و عظمت صلوات مشخص شد، امام در سراسر دعاها صحیفه سجادیه، بر پیامبر و آل ایشان درود می‌فرستد.

وَأَلْهَمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَإِجْلَالَ حُرْمَتِهِ

امام در این فراز می‌فرماید: خدایا! شناخت فضیلت این ماه و عظمت حریم آن را به من الهام کن تا به واسطه این شناخت، برای این ماه احترام قائل باشم و عظمت آن را درک کنم.

امام در دعای چهل و پنجم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُجْرِمِينَ، وَأَهْيَبَكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ»؛

خداحافظ ای ماهی که برای مجرمین، طولانی و برای مؤمنین، باشکوه بودی.»

البته شکوه این ماه را همه درک نمی‌کنند، بلکه هرکس به اندازه ایمانی

۱. يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (نساء: ۲۸).

۲. يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر: ۱۵).

۳. صحیفه سجادیه، دعای ۴۵، بند ۳۲



که دارد، چیزهایی را درمی‌یابد. اگر درک واقعی این ماه برای کسی اتفاق بیفتد، مانند امام سجاد علیه السلام از ثانیه ثانیه این ماه استفاده می‌کند. در روایت نقل شده است که وقتی امام سجاد علیه السلام وارد ماه مبارک رمضان می‌شدند، او را جز در حال ذکر، تسبیح، دعا و عبادت نمی‌دیدند؛ چون «مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ» در وجود ایشان نهادینه شده بود و واقعاً اهمیت این ماه را درک می‌کردند.

### ◆ نکته

چون ما انسان‌ها نوعاً ایمانمان ضعیف است و عظمت این ماه را فقط در لفظ متوجه شده‌ایم، حضرت در این فراز می‌خواهد عظمت این ماه را گوشزد کند. البته عده‌ای هم هستند که حقیقتاً این ماه را در مقام عمل درک کرده‌اند. امام نیز درک عظمت این ماه را در عمل تقاضا می‌کند. تنها سخن گفتن درباره این ماه فایده‌ای ندارد؛ زیرا بسیاری، از عظمت این ماه اطلاعاتی کسب کردند، اما با ترک عمدی روزه، بنا را بر نافرمانی گذاشتند و حرمت این ماه را حفظ نکردند.

وَ التَّحَفُّظُ مِمَّا حَظُرَتْ فِيهِ

خدایا! مرا در این ماه برترک آنچه که از انجام آن نهی فرموده‌ای، یاری فرما.

خداوند متعال یک سری دستورها در این ماه، مانند ترک خوردن و آشامیدن در زمان مشخصی از شبانه‌روز، کنترل گوش و چشم و زبان و دیگر مسائل، برای انسان قرار داده است.

روژه در این ماه باید چگونه باشد؟ پاسخ این سؤال، در روایتی از

پیامبرگرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان می‌شود: نقل شده است روزی زنی در حضور پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ماه مبارک رمضان به کنیزش ناسزا گفت. حضرت فرمودند: برای این زن غذا بیاورید. زن گفت: یا رسول الله! من روزه دارم. حضرت فرمودند: اگر روزه دار بودی، چرا به کنیزت ناسزا گفتی؟<sup>۱</sup>

حضرت به ما انسان‌ها توجه می‌دهند که روزه‌داری فقط با نخوردن و نیاشامیدن محقق نمی‌شود، بلکه روزه می‌خواهد انسان را تربیت کند؛ یعنی یک ماه، انسان را تحت شرایطی قرار می‌دهد تا از این یک ماه برای کل سال خود توشه برداشته، از دستورهای خداوند متعال اطاعت کند. به همین دلیل امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام در انتهای همین دعا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا؟<sup>۲</sup> خدایا! حالات من را در ماه‌های دیگر سال هم، مانند ماه مبارک رمضان قرار بده.»

وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعْصِيكَ  
 من را بر روزه این ماه به واسطه اینکه اعضا و جوارح من از معصیت تو خودداری کنند، یاری فرما.

۱. عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جِرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الصِّيَامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَحْدَهُ ثُمَّ قَالَ قَالَتْ مَرْيَمُ - إِنِّي نَدَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا أَيْ صَوْمًا صَمْتًا وَ فِي نُسْخَةٍ أُخْرَى أَيْ صَمْتًا فَإِذَا صُمْتُمْ فَأَحْفَظُوا السِّنْتَكُمْ وَ غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ لَا تَنَازَعُوا وَ لَا تَحَاسَدُوا قَالَ وَ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ص امْرَأَةً تُسَبِّ جَارِيَةَ لَهَا وَ هِيَ صَائِمَةٌ فَدَعَا رَسُولَ اللَّهِ ص بِطَعَامٍ فَقَالَ لَهَا كَلْبِي فَقَالَتْ إِنِّي صَائِمَةٌ فَقَالَ كَيْفَ تَكُونِينَ صَائِمَةً وَ قَدْ سَبَبْتَ جَارِيَتَكَ إِنَّ الصُّومَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَ بَصْرُكَ مِنَ الْحَرَامِ وَالْقَبِيحِ وَ دَحِ الْمِرَاءِ وَ أَدَى الْخَادِمِ وَ لِيَكُنْ عَلَيْكَ وَقَارُ الصِّيَامِ وَ لَا تَجْعَلَ يَوْمَ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ (الكافي، ج ۴، ص ۸۸، باب ادب الصائم، حديث ۳).

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۴۴، بند ۱۸

◆ نکته

اینکه مشهور شده است شیطان در این ماه، در غل و زنجیر است، به این معنی نیست که کنار نشسته، کاری از او برنمی آید؛ زیرا امام سجاد علیه السلام در همین دعا می فرماید: «وَ الْإِنْحِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»؛ خدایا! در این ماه کاری کن که من فریب شیطان را نخورم.»

بنابراین چنین نیست که شیطان، گوشه‌ای بنشیند و اقدامی علیه روزه دار انجام ندهد، بلکه چون انسان از خوردن و آشامیدن در این ماه خودداری می کند، زمینه پیروی از وسوسه های شیطان را از بین می برد. وقتی انسان، شکم خود را را پر کند، دنبال وسوسه هایی به راه می افتد که شیطان در دل او می اندازد. بنابراین، شیطان همیشه مشغول است. به همین دلیل، امام سجاد علیه السلام در انتهای این دعا مجدداً از شیطان سخن به میان آورده، از خداوند متعال درخواست می کند: «وَ إِنِ اشْتَمَلْ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ»؛ اگر شیطان قصد داشت بر ما مسلط شود، ما را حفظ کن.»

اینکه در این فراز که درباره ترک معاصی بود، گریزی به بحث شیطان زده شد، این است که امام سجاد علیه السلام در دعای دهم صحیفه سجادیه می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَآيَعَنَا عَلَى مَعْصِيَتِكَ»؛ خدایا زمانی که از من معصیتی سرزند و

۱. همان، بند ۱۴

۲. همان، بند ۱۶

۳. همان، دعای ۱۰، بند ۶

از شیطان پیروی کنم، او بر من ریشخند می‌زند.»  
 انسان هر بار که معصیت خدا را مرتکب گردد، دشمن او  
 (شیطان) خوشحال می‌شود. از این رو امام از خداوند متعال  
 درخواست می‌کند که او را در ترک معاصی یاری کند تا شیطان  
 خوشحال نشود و بتواند از تمام ظرفیت این ماه برای بندگی  
 خداوند متعال استفاده کرده، با توجه به شرایط منحصر به فرد  
 ماه رمضان، نفوذ شیطان را سخت‌تر کند. این محدودیت  
 شیطان که در روایات هم وارد شده<sup>۱</sup>، به این معناست که راه  
 نفوذ او در این ماه سخت می‌شود.

وَاسْتَعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى لَا تُضْغِي بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَعْوٍ

اعضا و جوارح را در این ماه به کار گیرم تا رضایت و خشنودی تو  
 را کسب کنم.

حضرت می‌فرماید اینکه از تو درخواست شد اعضا و جوارح در کسب  
 رضای تو حرکت کنند تا حدی است که به لغویات گوش فرادهم.  
 لغو، چیزی است که فایده‌ای برای دنیا و آخرت ندارد. اگر انسان زیاد به  
 لغویات گوش بسپارد، نشان می‌دهد که در زندگی خود برنامه مشخصی  
 ندارد و بیهوده وقت خود را تلف می‌کند.

اشکال گوش دادن به لغویات، این است که آهسته آهسته انسان را به  
 منجلاب گناه می‌کشاند. از این رو خداوند متعال در قرآن کریم در بیان

۱. بخشی از روایت این است که «الشَّيَاطِينُ مَغْلُولَةٌ» (الامالی (للصدوق)، النص، ص ۹۵).

ویژگی های مؤمنین می فرماید: «**وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ**؛ مؤمنین کسانی هستند که از لغو پرهیز می کنند.» خداوند متعال فرمود لغو برای آن ها حرام است.

حال این سؤال مطرح می شود که چرا حضرت از گوش دادن به لغو پرهیز می دهد؟ پاسخ این است که گوش، عضوی است که برای شنیدن، کمتر به اراده نیاز دارد؛ چون ممکن است انسان در حال عبور از مکانی باشد و ناخودآگاه صدایی به گوش او برسد. حضرت در این فراز، از گوش کردن به لغو که به کمترین اراده نیاز دارد، نهی می کند تا به طریق اولی، از نگاه کردن و سخن گفتن به لغو که نیاز به اراده و اختیار بیشتری دارد، نهی کرده باشد. همان طور که بیان شد، اگر انسان، اهل لغو شد، کم کم مرتکب گناه می شود.

بسیاری از سخنان انسان، لغو است؛ زیرا انسان زبان را تربیت نکرده و یاد نگرفته است در چه جایگاهی باید چه سخنی را بر زبان آورد. وقتی انسان، کنترل زبان را در اختیار بگیرد، دیگر می داند در چه جایگاهی، چه سخنی را بر زبان جاری کند. در بیانی دیگر، امام صادق علیه السلام می فرماید: «لقمان به فرزندش می فرمود: اگر سخن گفتن، نقره باشد، سکوت، طلاست.»<sup>۲</sup>

**وَلَا تُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَىٰ لَهْوٍ**

۱. مؤمنون: ۳

۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ إِنْ كُنْتَ زَعَمْتَ أَنَّ الْكَلَامَ مِنْ فَضِّهِ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ (الكافی، ج ۲، ص ۱۱۴، باب الصمت و حفظ اللسان، حدیث ۶).

امام سجاد علیه السلام در این فراز به چشم توجه می‌دهد و می‌فرماید: خدایا! بر روزه این ماه یاری ام کن تا از کسانی باشیم که برای دیدن امور لهو، سرعت نگیریم.

به آن سرگرمی که انسان را مشغول می‌کند و از امور مهم باز می‌دارد، لهو گفته می‌شود.

باید به استفاده از کلمه «تسرع» در این فراز دقت شود. دلیل اینکه حضرت از ماده سرح، یعنی سرعت گرفتن استفاده کرده، این است که انسان، اشتیاق بسیاری برای نگاه به لهویات دارد. برای سرعت و اشتیاق انسان در نگاه، می‌توان به نگرستن به نامحرم در فضاهای مجازی اشاره کرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَا مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي كُرْهِهِ وَمَا مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَةِ!»؛ هیچ طاعتی نیست مگر اینکه انسان آن را با اکراه انجام می‌دهد و از طرفی هیچ معصیتی نیست مگر اینکه انسان بر انجام آن اشتیاق دارد.»

جنس اطاعت از خدا این‌گونه است که انسان نوعاً به آن رغبت ندارد و اگر جهنم و بهشتی در کار نبود، بسیاری از انسان‌ها اهل اطاعت خداوند متعال نمی‌شدند. یکی از لذت‌های انسان، از ناحیه چشم است که او را به گناه می‌کشاند. بنابراین، لهوی که حضرت می‌فرماید، نوعاً انسان را به گناه سوق می‌دهد.

### ◆ نکته

امام علیه السلام به انسان آموزش می‌دهد که دوری از این گناه را از خداوند متعال طلب کند؛ زیرا انسان به تنهایی قدرت مقابله با نفس ندارد.

(۷) وَ حَتَّى لَا نَبْسُطَ أَيْدِينَا إِلَىٰ مَحْظُورٍ ، وَلَا نَخْطُو بِأَقْدَامِنَا إِلَىٰ مَحْجُورٍ  
امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: مرا بر روزه این ماه یاری کن تا به وسیله دست‌هایم به کاری دست‌درازی نکنم که مرا از آن منع کرده‌ای و به وسیله پاهایم قدم در راه انحراف نگذارم.

حضرت در اینجا به دست و پا اشاره می‌کند؛ زیرا این‌ها موجوداتی باشعور هستند. باشعور بودن دست و پا فقط به معنای تحت اراده و اختیار انسان بودن نیست، بلکه فردای قیامت در دادگاه عدل الهی علیه انسان شهادت می‌دهند<sup>۱</sup> و به شهادت آن‌ها ترتیب اثر داده می‌شود. اساساً شهادت دادن موجود بی‌شعور، معنا ندارد.

بنابراین، دست و پا موجوداتی باشعور هستند و امام نسبت به اعمال این‌ها در دنیا هشدار داده، از خداوند متعال درخواست می‌کند بر روزه این ماه موفق گردد تا به وسیله دست و پا خطایی مرتکب نشود.

### ◆ نکته

انسان در موضع‌گیری‌ها مورد سؤال قرار می‌گیرد؛ یعنی در جایگاهی

---

۱. الْيَوْمَ نَحْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (یس: ۶۵).

باید قدم بردارد و در جایگاهی دیگر نباید پای بگذارد. اگر کوتاهی کند، بر اساس بیان حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۷۲ نهج البلاغه، قتل او واجب است. حضرت در این خطبه می‌فرماید: «**قَوْلَهُ** [إِنْ] لَوْلَمْ يُصِيبُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا مُعْتَمِدِينَ لِقَتْلِهِ بِلَا جُرْمٍ جَزَاءَ لِحَلِّ لِي قَتْلُ ذَلِكَ الْجَيْشِ كُلِّهِ إِذْ حَضَرُوهُ فَلَمْ يُنْكِرُوا وَلَا يَدْفَعُوا عَنْهُ بِلِسَانٍ وَلَا يَبِيدُ دَعْمًا [إِنَّهُمْ] أَنَّهُمْ قَدْ قَتَلُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ مِثْلَ الْعِدَّةِ الَّتِي دَخَلُوا بِهَا عَلَيْهِمْ؛ اگر آن‌ها فقط از مسلمانان یک نفر را بدون جرمی بکشند، بر من جایز است که خون تمام لشکر آن‌ها را بریزم؛ زیرا بقیه افراد لشکر، نه با زبان و نه با دست، از این قتل ناحق، جلوگیری نکردند.»

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۰۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «ناقه صالح را یک نفر پی کرد، اما چون همه افراد قوم ثمود بر این کار راضی بودند، خداوند متعال همه آن‌ها را عذاب کرد.»<sup>۲</sup>

بنابراین، دست و پا در جایگاه‌هایی باید کاری بکنند و در جایگاهی دیگر باید عملی را مرتکب نشوند تا مورد رضایت خدا و حجت خدا قرار گیرند.

لازمه تشخیص انسان برای اینکه در چه جایگاهی، چه موضع‌گیری داشته باشد، این است که خویش را از جهل خارج کند. امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین، هدف شهادت ابا عبد الله الحسین علیه السلام را خارج شدن بندگان خدا از

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲

۲. همان، خطبه ۲۰۱



جهالت برمی شمارد.<sup>۱</sup>

جهل باعث می شود انسان برای خدا حسین بن علی علیه السلام را به شهادت برساند و خانواده ایشان را به اسارت ببرد.

جهل، برخی از مواقع به دلیل عناد و گاه ناشی از غفلت و نادانی است. بنابراین، انسان برای اینکه وظیفه خود را در موقعیت های مختلف به درستی تشخیص دهد، باید خود را از جهل خارج کند. دلیل مطالعه قرآن و کتاب های روایی، مانند صحیفه سجادیه و نهج البلاغه برای این است که انسان از جهل خارج شود.

وَحَتَّى لَا تَعِيَ بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَحَلَّلتَ

حضرت در این فراز می فرماید: ما را برروزه داری موفق کن تا شکم های ما جز از آنچه تو حلال کرده ای، پر نشود.

اگر مال حرام وارد شکم انسان شود، همه چیز به دنبالش می آید. همان طور که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به لشکریان دشمن فرمود: «فَقَدْ مِلَّتْ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ؟» شکم های شما از حرام پر شده است. «در نتیجه، دست انسان به خون بهترین بنده خدا هم آلوده می شود.

وَلَا تَنْطِقُ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَلتَ

امام سجاد علیه السلام در این فراز می فرماید: خدایا! فقط سخنی را که توبه من آموخته ای، بر زبانم جاری کن.

مثَل یعنی چیزی که گفته و بیان شده است.

۱. وَ بَدَلْ مُهَجَّتَهُ فَبِكَ لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳).  
۲ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸

این بدین معناست که انسان در مسیر هدایت باید فقط از آن چیزهایی که از خداوند متعال است، سخن بگوید. حضرت در دعای بیستم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «اللَّهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهُدَى؛ خدایا! زبان من به هدایت سخن بگوید.»

انسان باید برای هدایت شدن، به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام گوش بسپارد. در روایات متعددی، ائمه علیهم‌السلام اصحاب را از اینکه کلامی را در امور دین بر زبان جاری کنند، در حالی که آن سخن از ائمه یا قرآن نباشد، نهی کرده‌اند؛ زیرا در انسان، جهل راه دارد. بنابراین باید از اعمال سلیقه و اظهار نظر در امور دینی خودداری کرد.

به‌عنوان نمونه، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «أَمَّا إِنَّهُ شَرٌّ عَلَيْكُمْ أَنْ تَقُولُوا بِشَيْءٍ مَا لَمْ تَسْمَعُوهُ؛ همانا برای شما بد است که چیزی را تا از ما نشنیده‌اید، بگویید.»

خداوند متعال در قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ؛ هدایت این‌ها برعهده تو نیست، بلکه هرکسی را که خداوند متعال بخواهد، هدایت می‌کند.» یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ هرکسی را که تو (پیامبر) بخواهی، هدایت نمی‌شود، بلکه آن کسی را که خدا می‌خواهد، هدایت می‌کند.»

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۲۰، بند ۱۶  
 ۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۰۲، باب الضلال، حدیث ۱  
 ۳. بقره: ۲۷۹  
 ۴. قصص: ۵۶.

مسئله هدایت آن قدر مهم است که خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم که تربیت یافته اوست<sup>۱</sup>، می فرماید هدایت بندگان به دست من است.

البته در این فراز دعای صحیفه سجادیه، مراد حضرت، حفظ زبان در مقابل گناهان لسانی نیز هست.



جلسه چهارم، پنجم و ششم

محرمانه

شرح دعای چهل چهارم  
صحیفه سجادیه علیه السلام  
دعای امام سجاد علیه السلام هنگام  
ورود به ماه مبارک رمضان



وَلَا تَتَكَلَّفْ إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ

تکلف، یعنی خود را به سختی انداختن.

حضرت در این فراز می‌فرماید: ما خودمان را در سختی قرار ندهیم، مگر برای عملی که ما را به تونزدیک می‌کند.

امام، انسانی مؤمن و زیرک است و می‌داند که فرصت حضور در دنیا، این بدن و امکانات نباید بیهوده از دست برود، بلکه باید از این نعمت‌ها برای رسیدن به قرب خداوند متعال استفاده کرد. از این رو در دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه به این نکته توجه می‌دهد که برخی افراد، شوق شهادت دارند و به دنبال تیری می‌گردند تا آن‌ها را به شهادت برساند. ایشان می‌فرماید: «فَإِنْ حَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَقَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ؛ اگر شهادت را برای سرباز اسلام مقرر کردی:

۱. فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْمَقْتَلِ؛ پس از آن باشد که دشمن را به هلاکت رساند؛

۲. وَبَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْأَشْرُ؛ پس از آن باشد که اسیری باعث رنج آن‌ها شده باشد؛

۳. وَبَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ الْمُسْلِمِينَ؛ پس از آن باشد که امنیت در

بلاد مسلمین حاکم شود؛

۴. وَ بَعْدَ أَنْ يُؤَلِّيَ عَدُوَّكَ مُدْبِرِينَ؛ پس از آن باشد که دشمن عقب‌نشینی کند.<sup>۱</sup>

امام سجاد علیه السلام سختی کشیدن در راه‌های قرب الهی را خواسته است و برای تحقق آن تلاش می‌کند، به طوری که هر شب با کیسه آذوقه بر دوش، به فقرا و ایتام مدینه رسیدگی می‌کرد تا آنجا که نقل شده است: «پشت حضرت از حمل این کیسه‌ها زخمی شده بود.»<sup>۲</sup>

وَلَا تَتَعَاطَى إِلَّا الَّذِي يُقِي مِنْ عِقَابِكَ

حضرت به خداوند متعال عرضه می‌دارد: «خدایا! من عملی انجام ندهم مگر اینکه آن عمل، مرا از عذاب تو باز دارد؛ به عبارت دیگر، اگر می‌خواهم عملی انجام دهم، در آن، نه تنها عذاب نباشد، بلکه تماماً رضا و خشنودی تو باشد.

در واقعه کربلا عده‌ای بودند که برای رسیدن به غنایم و اموال می‌جنگیدند و از سوی دیگر هم عده‌ای خود را در راه رسیدن به قرب الهی به سختی انداخته بودند.

ظهر عاشورا شمر در مقابل پیشنهاد شفاعت اباعبدالله الحسین علیه السلام گفت: «درهم و دینار امیر برای من از شفاعت جدّ تو بهتر است.» با این عمل، نه تنها «یقی من عقاب» نشد، بلکه به سمت عقاب الهی حرکت کرد. در مقابل، عده‌ای، از مدینه با امام

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۲۷، بند ۱۵

۲. خصال، ج ۲، ص ۵۱۷



حسین علیه السلام برای رسیدن به قرب الهی حرکت کردند و در لحظه‌های آخر که توانی نداشتند، حضرت به آن‌ها فرمود: «کمی صبر کنید، بین شما و بهشت فقط مرگ فاصله است.»

ثُمَّ خَلِصْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَائِينَ، وَ سَمِعَةَ الْمُسْمِعِينَ،  
امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «خدایا! همه اعمال ما را از ریا خالص کن.»  
در اینجا امام به این موضوع توجه می‌دهد که این اعمال باید برای خداوند متعال باشد.

این اعمال (انجام کارهایی که موجب رسیدن به قرب الهی و ترک کارهایی که منجر به عقاب الهی می‌شود) را هم اگر انسان رعایت کند، یک آفت دارد و آن، انجام دادن برای غیر خداست.

انجام دادن اعمال برای غیر خدا دو عنوان به خود می‌گیرد:  
۱. ریا: یعنی انسان، عملی انجام دهد برای اینکه دیگران «ببینند» و از او تعریف و تمجید کنند.

۲. سمعه: یعنی انسان عملی انجام دهد برای اینکه دیگران «بشنوند» و برای دیگران نقل کنند.

لَا نُشْرِكُ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ، وَلَا نَبْتَغِي فِيهِ مُرَادًا سِوَاكَ  
امام در ادامه می‌فرماید: «خدایا! به گونه‌ای انسان را خالص کن که هیچ‌کسی را در کارها برای تو شریک قرار ندهد و مراد و مقصودی غیر از تو اختیار نکند.»

سِرِّ اینکه ثواب عمل پنهانی، بیشتر از عمل آشکار است، به اخلاص

مربوط می‌شود.

البته گاهی اوقات، عمل آشکارا موضوعیت دارد و در قرآن کریم مورد تأیید واقع شده است؛ اما انسان باید مراقب باشد؛ زیرا شیطان برای این اعمال دندان تیز می‌کند. چه بسا یکی از دلایل تأکید بر مناجات و عبادت در دل شب، همین اخلاص باشد.

(۸) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ قَفْنَا فِيهِ عَلَي مَوَاقِيَتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ، وَ فُرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ، وَ وُظَائِفِهَا الَّتِي وَظَّفْتَ، وَ أَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتَ  
«قفنا»: ما را آگاه کن.

امام در این فراز، از خداوند متعال درخواست می‌کند: خدایا! ما را بروقت نمازهای پنج‌گانه، حدود نمازها و واجبات نماز و وظایفی که نسبت به آن داریم، آگاهی بخش.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «برای نمازهای پنج‌گانه، چهار هزار حد وجود دارد؛<sup>۱</sup> یعنی چهار هزار حکم شرعی (اصول و فروع) وجود دارد. اینکه در رساله‌های عملیه فرمودند: «مسائلی که انسان‌ها غالباً به آن‌ها احتیاج دارند، واجب است یاد بگیرند»<sup>۲</sup> به این دلیل است که در عمل به دستورها دچار اشتباه نشوند. نماز، یکی از آن دستورهایی است که انسان پنج مرتبه در شبانه‌روز با آن سروکار دارد؛ بنابراین حضرت هم از خداوند متعال آشنایی با احکام نماز

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةُ آلَافِ حَدٍّ (الكافي، ج ۲، ص ۲۷۲، باب فرض الصلاة، حديث ۶).

۲. توضیح المسائل امام خمینی، ص ۱۴، مسئله ۱۱

را درخواست می‌کند.

درخواست اول درباره نماز این است که انسان با اوقات و احکام نماز آشنا شود.

### نکته‌ای درباره اوقات نماز

یکی از نکاتی که امام سجاد علیه السلام در این فراز به آن توجه می‌دهد، مسئله وقت نماز است. مؤمن باید در وقت نماز بسیار حساس باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند متعال بهترین ساعات را در طول شبانه‌روز، برای نماز قرار داده است.»

این بدان معناست که اوقات نماز، بافضیلت‌ترین اوقات شبانه‌روز است و در آن اتفاقاتی رخ می‌دهد که چون غالباً انسان‌ها عقل و چشم ظاهرینی دارند، از آن حقایق بی‌خبرند. واقعیت این است که چون مدیریت همه کارها به دست خداست، این عالم پراز اتفاقاتی است که انسان از آن اطلاع ندارد. البته این اتفاقات بر افرادی که ایمان بالایی دارند، پوشیده نیست. بنابراین باید دانست که گُل اوقات شبانه‌روز را خداوند متعال، برای نماز قرار داده است.

اهمیت اوقات نماز به این معنا که بافضیلت‌ترین اوقات شبانه‌روز است، باید برای انسان روشن شود و بداند که بهترین زمانی که می‌شود با خدا خلوت کرد، همین اوقات نماز است. از این رو امام سجاد علیه السلام در این فراز درخواست می‌کند که خداوند متعال او را بر اوقات نماز آگاهی بخشد؛ زیرا اگر انسان به این اوقات، آگاهی نداشته باشد، آن را از دست می‌دهد.

به دو روایت درباره نماز اول وقت اشاره می‌شود. البته روایات بسیاری در این زمینه آمده است که می‌توان در جلد ۸۰ کتاب شریف بحار الانوار مطالعه کرد.

روایت اول: ابن عباس نقل می‌کند: «امیرالمؤمنین در صفین مشغول جنگ بود و در همین حال مراقب خورشید هم بود که موقع نماز فرارسد. از حضرت سؤال کردم چرا مراقب خورشید هستید؟ حضرت فرمود: انظر الی الزوال حتی نصلی؛ به آسمان نگاه می‌کنم تا زمان نماز رسید، نماز بخوانیم. به حضرت عرض کردم: اینجا وسط معرکه است و ما هم مشغول نبرد هستیم و این کمتر از نماز ثواب ندارد. حضرت در پاسخ فرمود: ما با این‌ها به خاطر نماز می‌جنگیم.»<sup>۱</sup>

نکته اول: در این روایت، امام علی علیه السلام از عبارت «نصلی» استفاده کرده است؛ یعنی حضرت فقط به نماز خودش اکتفا نکرده، بلکه فرموده است: همه با هم نماز می‌خوانیم.

نکته دوم: جهاد در راه خدا از بالاترین عبادت‌هاست و خود حضرت فرموده است: «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ»؛ جهاد، دری از درهای بهشت است. با این حال، حضرت در حال جهاد، مراقب وقت نماز

۱. وَ كَانَ يَوْمًا فِي حَرْبٍ صَفِينٍ مُسْتَعْلًا بِالْحَرْبِ وَالْقِتَالِ وَ كَانَ مَعَ ذَلِكَ بَيْنَ الصَّفِينِ يُرَاقِبُ الشَّمْسَ فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا هَذَا الْفِعْلُ فَقَالَ أَنْظُرْ إِلَى الزَّوَالِ حَتَّى نَصَلِّيَ فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ هَلْ هَذَا وَقْتُ صَلَاةٍ إِنْ عِنْدَنَا لَشُعْلًا بِالْقِتَالِ عَنِ الصَّلَاةِ «۲» فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ ع فَعَلِيَ مَا تَفَاتِلُهُمْ إِنَّمَا تَفَاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ (كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، النص، ص ۱۲۲؛ بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۲۳).

۲. أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِحَاصَةِ أَوْلِيَانِهِ وَسَوْعَتُهُمْ كِرَامَةٌ مِنْهُ لَهُمْ وَ نِعْمَةٌ ذَخَرَهَا وَ الْجِهَادُ هُوَ لِبَنَاتِ التَّقْوَى وَ دَرَعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَ جَنَّتُهُ الْوَيْقِيقَةُ (الکافی، ج ۵، ص ۴، باب فضل الجهاد، حدیث ۶).

است تا آن را در اول وقت اقامه کند.

نکته سوم: حضرت در پاسخ به ابن عباس فرمود: ما با این‌ها بر سر نماز می‌جنگیم. سؤالی در ذهن انسان نقش می‌بندد: یعنی جبهه مقابل حضرت در صفین، اهل نماز نبودند؟ پاسخ داده می‌شود: آن‌ها هم نماز می‌خواندند؛ اما چون نماز آن‌ها با ولایتِ امام برحق نبود، نماز نبود و این بی‌نمازی به منزله بی‌دینی است؛ زیرا رسول اکرم صَلَّى فرمود: «نماز، عمود دین شماست.»<sup>۱</sup>

روایت دوم: ابوبصیر از ام‌حمیده نقل می‌کند: «امام صادق در هنگام شهادت، چشمان مبارک را باز کرد و فرمود: همه خویشاوندان را جمع کنید. زمانی که جمع شدند، فرمود: إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَحْفًا بِالصَّلَاةِ؛ شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی‌رسد.»<sup>۲</sup>

#### ◆ نکته

آخرین فرمایش حضرت این است که کسی حق ندارد، نماز را سبک بشمارد. سبک نشمردن نماز به این است که انسان نکاتی را که حضرت در این دعا درباره نماز یادآور می‌شود، رعایت کند. حضرت

۱. الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ (همان، ج ۲، ص ۱۸، باب دعائم الاسلام، حدیث ۵).  
 ۲. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيُّهِ عَنْ عَمِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْقُرَشِيِّ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْمَيْمُونِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ حَمِيدَةَ أَعَزَّيْهَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَبَكَتْ وَبَكَيْتُ لِبُكَائِهَا ثُمَّ قَالَتْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ رَأَيْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عِنْدَ الْمَوْتِ لَرَأَيْتَ عَجَبًا فَتَنَحَّ عَيْنَهُ ثُمَّ قَالَ اجْمَعُوا لِي كُلَّ مَنْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ قَرَابَةٌ قَالَتْ فَلَمْ تَتْرُكْ أَحَدًا إِلَّا جَمَعْنَاهُ قَالَ فَتَنَظَّرَ إِلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَحْفًا بِالصَّلَاةِ (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۲۸). این روایت در کتاب شریف الکافی از قول امام کاظم نقل شده که البته در آن روایت، به جمع کردن خویشاوندان اشاره نشده است (الکافی، ج ۳، ص ۲۷۳، باب من حافظ علی صلاته او ضعیفها، حدیث ۱۵).

در این روایت نفرمود «شفاعتی»، بلکه فرمود «شفاعتنا»، یعنی شفاعت ائمه علیهم السلام شامل حال کسی نمی‌شود که نماز را سبک بشمارد.

(۹) وَأَنْزَلْنَا فِيهَا مَنزِلَةَ الْمُصِيبِينَ لِمَنَّا زِلْهَا، الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا، الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ فَوَاضِلِهَا عَلَى أَسْمِ الظُّهُورِ وَأَسْبِغِهِ، وَأَبْيَنِ الخُشُوعِ وَأَبْلَغِهِ.

خدایا! ما را به درجه کسانی برسان که نماز و ارکان آن را محافظت می‌کنند و آن را سر وقت خود به جا می‌آورند، بر همان روشی که بنده تو و فرستاده تو (که صلوات تو بر او و خاندانش باد) آن را انجام می‌داد، در رکوع و سجود و تمام درجاتی که باعث برتری نماز ایشان شده بود، بر بالاترین درجه پاکی و رساترین و باخشوع‌ترین نماز.

نکته اول: اینکه حضرت در این فراز، رسیدن به درجات کسانی را که از نماز محافظت کرده‌اند، درخواست می‌کند، نشان می‌دهد نماز، درجاتی دارد. این درجات، از نماز یک انسان عادی تا نماز امیرالمؤمنین علیه السلام قابل ارتقا بوده، این ارتقا نیز به مدد خداوند متعال، اکتسابی است.

اگر انسان بخواهد بحث نماز را به خوبی بفهمد، باید به قرآن کریم مراجعه کند. در قرآن کریم، دستور «محافظت» از نماز صادر شده است.<sup>۱</sup> نماز به اندازه‌ای اهمیت دارد که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

۱. حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ التُّوسُطَى وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (بقره: ۲۳۸).

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ؛ کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را به پای دارند»؛ یعنی اگر مؤمنین حکومتی در زمین تشکیل دادند، یکی از جهت‌گیری‌ها و شاخصه‌های اصلی آن‌ها اقامه نماز باشد.

بهترین کسی که بعد از خدا و پیامبر او از نماز سخن گفته، امیرالمؤمنین علیه السلام است. ایشان در خطبه ۱۹۹ نهج البلاغه می‌فرماید: «امر نماز را مراعات کرده، از نماز محافظت کنید و بسیار نماز بخوانید. به واسطه نماز به خدا تقرب پیدا کنید.» سپس حضرت به آیه‌ای از قرآن کریم که می‌فرماید «نماز را در وقت خود واجب کرده است»<sup>۲</sup> و در ادامه به آیه‌ای دیگر از قرآن کریم که می‌فرماید: «مگر پاسخی اهل جهنم را در سؤالی که دلیل جهنمی شدن آن‌ها را پرسیده است، نمی‌شنوید که می‌گویند چون از نمازگزاران نبوده‌ایم، جهنم نصیب ما شده است»<sup>۳</sup>، استاد می‌کند و می‌فرماید: «پیامبر گرامی اسلام، نماز را به چشمه آب گرمی تشبیه کرده است که جلوی منزل هر شخصی جاری است و روزانه پنج بار در آن، خود را از چرک‌ها پاکیزه می‌گرداند.»<sup>۴</sup> سپس امیرالمؤمنین

۱. الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: ۴۱).

۲. إِنْ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (نساء: ۱۰۳).

۳. مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَلِكْ مِنَ الْمُصَلِّينَ (مدثر: ۴۲-۴۳).

۴. وَقَالَ عِزُّ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صَلَاةٍ فِيكُمْ كَمَثَلِ السَّرِيِّ وَهُوَ النَّهْرُ عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةَ يَغْتَسِلُ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَبْقَ الدَّرَنُ مَعَ الْغُسْلِ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَلَمْ يَبْقَ الذُّنُوبُ مَعَ الصَّلَاةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ (من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۱، باب فضل الصلاة).

می فرماید: «تنها کسانی حق نماز را شناخته اند که زینت دنیا آن‌ها را از نماز باز نداشته است» و به آیه ای از قرآن کریم اشاره می کند که می فرماید: «افرادی هستند که تجارت و کارهای دنیایی، آن‌ها را از یاد خدا باز نمی دارد و نماز را اقامه می کنند...»<sup>۵</sup> در ادامه، حضرت می فرماید: «با اینکه به پیامبرگرمی اسلام بشارت بهشت داده شده بود، خود را برای نماز به زحمت می انداخت.» حضرت به این آیه استناد می کند که «یا رسول الله! اهل خود را بر نماز امر کن و خودت نیز بر آن شکبیا باش»<sup>۶</sup> و می فرماید: «پیامبرگرمی اسلام بعد از نزول این آیه، اهل خود را به نماز امر می کرد و خود نیز بر آن شکبیایی می ورزید.»<sup>۷</sup>

آیه پایانی سوره مزمل<sup>۸</sup>، این کلام حضرت امیر را که فرمود: «پیامبرگرمی

۵. رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب والأبصار (نور: ۳۷).

۶. وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى (طه: ۱۳۲).

۷. تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَحَافِظُوا عَلَيْهَا وَاسْتَكْبِرُوا مِنْهَا وَتَقَرَّبُوا بِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا أَلَّا تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سُئِلُوا - مَا سَلَكَكُمْ فِي سَفَرِ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَإِنَّهَا لَتَنُحُّ الدُّنُوبَ حَتَّى الْوَرَقِ وَتُظَلِّقُهَا إِطْلَاقَ الرِّبِيِّ وَشَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِالْحِمَّةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجُلِ فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ حَمْسَ مَرَّاتٍ فَمَا عَسَى أَنْ يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ وَقَدْ عَرَفَ حَقَّهَا رَجَالٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَةٌ مَتَاعٌ وَلَا قُوَّةٌ عَيْنٍ مِنْ وَلَدٍ وَلَا مَالٌ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ - رَجَالٌ لَا تَلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص نَصَبًا بِالصَّلَاةِ بَعْدَ التَّبَشِيرِ لَهُ بِالْحَيَّةِ لِقَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ وَ[يُصْبِرُ] يُصْبِرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹).

۸. مزمل: ۲۰



اسلام، خود را برای نماز به زحمت می انداخت»، تأیید می کند.  
 از امام سجاد علیه السلام نقل شده است: «پیامبر اکرم به قدری به نماز می ایستاد که پاهای مبارک ایشان ورم می کرد.»<sup>۱</sup>  
 بنابراین به ما توصیه شده است که اولاً نماز را مراعات کنید، ثانیاً از نماز محافظت کنید، ثالثاً بسیار نماز بخوانید و رابعاً به وسیله نماز به قرب الهی برسید.

### نکته ای درباره حفاظت از نماز

در قرآن کریم و در خطبه ۱۹۹ نهج البلاغه که ذکر آن گذشت، حفاظت از نماز - از لحاظ دانش صرف - در باب «مفاعله» بیان شده است؛ یعنی نفرموندن «احفظوا»، بلکه از کلمه «حافظوا» استفاده کردند. یکی از معانی باب مفاعله، «دو طرفه» بودن است. در بحث ما وقتی کلمه حافظوا استفاده می شود، در مقابل حفاظت انسان از نماز، نماز هم از انسان محافظت می کند.

بنابراین امام صادق علیه السلام می فرماید: «پیامبر اکرم می فرماید: تا زمانی که انسان مؤمن از نمازهای پنج گانه محافظت می کند، شیطان از او خوف شدید دارد؛ اما اگر این نمازها را ضایع کند، شیطان طمع می کند و او را در گناهان بزرگ می اندازد.»

مرحوم صدوق در ذیل روایتی ذکر می کند: «ملک الموت به انسانی

۱. أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ فَلَمْ يَدَعْ الْإِجْتِهَادَ لَهُ، وَ تَعَبَّدَ - بِأَبِي هُوَ وَ أُمِّي - حَتَّى انْتَفَخَ السَّاقُ وَ وَرِمَ الْقَدَمُ، وَ قِيلَ لَهُ: أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا وَ قَدْ غَفِرَ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ! قَالَ: أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا (الامالی (للطوسی)، النص، ص ۶۳۷).

که از نماز محافظت کند، در لحظات سخت، شهادتین را تلقین می‌کند.<sup>۱</sup>

حال این سؤال مطرح می‌شود که نماز چگونه از نمازگزار محافظت می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال، به روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره می‌شود که می‌فرماید: «کسی که از نماز محافظت کند، نماز را در حالتی که سفید است، بالا می‌برند و این نماز برای انسان چنین دعا می‌کند: حَفِظْتَنِي، حَفِظَكَ اللهُ؛ مرا حفظ کردی، خدا تورا حفظ کند و در مقابل، اگر انسان نماز را ضایع کند (حدود و اوقات نماز را مراعات نکند)، نماز در حق او می‌گوید: ضَيَعْتَنِي، ضَيَعَكَ اللهُ؛ خدا تورا ضایع کند، همان‌گونه که مرا ضایع کردی.»<sup>۲</sup>

در ادامه، به آیه و روایاتی اشاره می‌شود که حفاظت از نماز را در زمره سربازان عقل و در مقابل، تضييع نماز را در زمره سربازان جهل قرار می‌دهند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «برای عقل و جهل، سربازهایی است که آن‌ها را بشناسید تا هدایت شوید.» در ادامه، حضرت ۷۵ سرباز برای عقل و ۷۵ سرباز برای جهل نام می‌برد که یکی از سربازهای عقل را نماز و در مقابل، یکی از سربازهای جهل را تضييع کردن

۱. من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۳۷

۲. حُسَيْنٌ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى الصَّلَاةَ لَوْفَتْهَا وَحَافِظَ عَلَيْهَا، انْتَفَعَتْ بِنِصَاءِ نَفْسِهِ تَقُولُ: حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللهُ، وَإِذَا لَمْ يُصَلِّهَا لَوْفَتْهَا وَ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا، رَجَعَتْ سُودَاءَ مُظْلِمَةٍ تَقُولُ: ضَيَعْتَنِي ضَيَعَكَ اللهُ (اصول السنة العشر) چاپ دارالحدیث، ص ۳۲۲. این روایت با اندکی اختلاف، در کتاب شریف کافی از امام باقر علیه السلام در باب «مَنْ حَافِظٌ عَلَى صَلَاتِهِ» نقل شده است.

نماز معرفی می‌کند.<sup>۱</sup>

خداوند متعال در قرآن کریم درباره کسی که نماز را ضایع می‌کند، چنین می‌فرماید: «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ»؛ هنگامی که آن‌ها به نماز ندا داده می‌شوند، نماز را به تمسخر و بازی می‌گیرند؛ چون آن‌ها گروهی هستند که تعقل نمی‌کنند.»

از سوی دیگر، امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین، در بیان ثمره و هدف شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام چنین می‌فرماید: «ایشان خون خود را داد تا بندگان را از جهالت و گمراهی خلاصی بخشد.»<sup>۲</sup>

بر اساس این دو روایت و آیه قرآن، اگر کسی حق و حدود نماز را به جا آورد، انسانی «عاقل» و قدردان خون اباعبدالله الحسین علیه السلام است و در مقابل، کسی که نماز را ضایع کند، هرچند استاد و دانشمند باشد، انسانی «جاهل» است و خون اباعبدالله الحسین علیه السلام را پاس نداشته است. بنابراین پذیرفتنی نیست شخصی که با سرعت به سوی جهنم حرکت می‌کند، عاقل باشد.

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ مَوَالِيهِ فَجَرَى ذِكْرَ الْعَقْلِ وَالْجَهْلِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ اعْرِفُوا الْعَقْلَ وَجُنْدَهُ وَالْجَهْلَ وَجُنْدَهُ تَهْتَدُوا... (الكافي، ج ۱، ص ۲۵، کتاب عقل و جهل، حدیث ۱۴).

۲. مانده: ۵۸.

۳. وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةِ الضَّلَالَةِ (تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۱۱۳).

### ◆ نکته

امام صادق علیه السلام در این روایت (لشکریان عقل و جهل)، برخلاف تصور، جهل را در مقابل عقل قرار می‌دهد.

اینکه امام از تعبیر عقل استفاده کرده است، حکمتی دارد؛ زیرا حضرت دقیق سخن می‌گوید. بنابراین در روایتی دیگر در تعریف عقل می‌فرماید: «قُلْتُ لَهُ مَا الْعَقْلُ قَالَ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ؛ عقل چیزی است که انسان به وسیله آن، خداوند متعال را می‌پرستد و بهشت را به دست می‌آورد.» پس کسی که تارک نماز است، عقل ندارد.

در نتیجه، محافظت از نماز باعث می‌شود:

۱. شیطان از انسان خوف داشته باشد.
۲. نماز در حق انسان دعا کند.
۳. انسان در زمره عقلا قرار گیرد.
۴. ملک الموت، شهادتین را در لحظات سخت به او تلقین کند.

### الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا

امام سجاد علیه السلام از خداوند متعال، تحفظ بر ارکان نماز را خواستار می‌شود. ارکان نماز شامل نیت، تکبیرة الحرام، قیام، رکوع و سجود است.

گاهی اوقات، برخی از ارکان مورد غفلت واقع می‌شود؛ به عنوان مثال، نیت نماز رعایت نشده، نماز قریة الی الله به جا آورده نمی‌شود.

### الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا

امام در این فراز مجدداً به وقت نماز پرداخته است و نسبت به آن توجه می‌دهد.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «کسی که به نماز اول وقت اهتمام داشته باشد، من ضامنم که هنگام مرگ راحت باشد.»<sup>۱</sup> در روایتی دیگر، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «دو خصلت وجود دارد که در هر کس نباشد، از او دوری کن، سپس از او دوری کن، سپس از او دوری کن.» سؤال کردند آن دو خصلت چیست؟ حضرت فرمود: «نماز در وقت آن و محافظت بر آن و مواسات.»<sup>۲</sup>

عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

حضرت در این بخش، از خداوند متعال، ادای رکوع و سجود و فضیلت‌های نماز را به شیوه و روش پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درخواست می‌کند.

فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا

در باب رکوع و سجود، توصیه و تأکید بسیار وجود دارد که به برخی از آن‌ها به اختصار اشاره خواهیم کرد:

۱. قَالَ أَحْبَبْتَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعْفَابِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ أَنَّ أَحْمَدَ بْنَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا حَدَّثَهُمْ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَدْرٍ عَنْ عُمَرُو بْنِ بَرِيدِ بْنِ مُرَّةَ «۵» عَنْ سُؤْيَيْدِ بْنِ عَقْلَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ إِلَّا ضَمِنْتُ لَهُ الرِّفْقَ عِنْدَ الْمَوْتِ - وَ انْقِطَاعَ الْهَمُومِ وَ الْأَخْزَانَ وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ كَمَا مَرَّةَ رُغَاةِ الْإِبِلِ فَصَبْرْنَا الْيَوْمَ رُغَاةَ الشَّمْسِ (الامالی، للمفید)، (النص، ص ۱۳۶).
۲. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَبَّانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنِ الْحَبِيبِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ وَ الْمُفْضِلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ خَصَلَتَانِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ وَ إِلَّا فَاغْرَبَتْ ثُمَّ اغْرَبَتْ قِيلَ وَ مَا هُمَا قَالِ الصَّلَاةُ فِي مَوَاقِيتِهَا وَ الْمُحَافَظَةُ عَلَيْهَا وَ الْمُوَاسَاةُ (الخصال، ج ۱، ص ۴۷).

۱. در سیره و روش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام نقل شده است که رکوع و سجده‌های آن‌ها بسیار طولانی بوده است.

۲. امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «اگر نمازگزار می‌دانست چقدر عظمت خداوند متعال او را فراگرفته است، از زود سر برداشتن از سجده خوشحال نمی‌شد.»<sup>۱</sup>

۳. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «**عَلَيْكُمْ بِطُولِ الرَّكُوعِ وَ الشُّجُودِ**؛ بر شما باد بر انجام رکوع و سجده طولانی؛ زیرا در این هنگام، شیطان فریاد سر می‌دهد: او خدا را اطاعت کرد و من مطیع نبودم، او سجده کرد و من سجده نکردم.»<sup>۲</sup>

بنا بر فرموده خداوند متعال در قرآن کریم که «شیطان، دشمن انسان است و انسان هم باید با او دشمنی کند»<sup>۳</sup>، رکوع و سجده طولانی، دشمنی با شیطان است.

۴. ابان بن تغلب نقل می‌کند: «بر امام صادق وارد شدم و ایشان را در حال نماز یافتم. ایشان در هر رکوع و سجده، شصت تسبیح گفت.»<sup>۴</sup>

۱. لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَا يَغْشَاهُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ مَا سَرَّهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ (همان، ج ۲، ص ۶۳۲).

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الثُّعْمَانِ عَنْ أَبِي أَسَامَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْإِحْتِهَادِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ وَ كُونُوا دَعَاةً إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ الْمَسْتَبَكِّمْ وَ كُونُوا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا وَ عَلَيَكُمْ بِطُولِ الرَّكُوعِ وَ الشُّجُودِ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا أَطَالَ الرَّكُوعَ وَ الشُّجُودَ هَتَفَ إِبْلِيسُ مِنْ خَلْفِهِ وَ قَالَ يَا وَيْلَةَ أَطَاعَ وَ عَصَيْتَ وَ سَجَدَ وَ أَبَيْتَ (الكافي، ج ۲، ص ۷۷، باب الورع، حديث ۹).

۳. إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (فاطر: ۶).

۴. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرَبَارٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ

در باب رکوع و سجود، دو آیه و یک نکته بسیار مهم مطرح می‌شود:  
 آیه اول: خداوند متعال در قرآن کریم در باب اهمیت نماز می‌فرماید:  
**«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»**؛ از صبر  
 و نماز کمک بگیرید و این کمک گرفتن جز بر خاشعان، بر دیگران  
 سنگین است.»

این آیه به این معناست که نماز، یار و یاور انسان در کارهاست و  
 کار از آن برمی‌آید. از این رو ائمه اطهار علیهم السلام و تابعین آن‌ها (بزرگان و  
 علمای دین) در بزنگاه‌های زندگی، از نماز یاری می‌گرفتند.  
 در روایت آمده است: «شخصی بازاری به محضر امام صادق علیه السلام رسید  
 و از فقر گله کرد. حضرت به او فرمود: برو مغازه را تمیز کن و دو رکعت  
 نماز بخوان و بعد از نماز به خداوند متعال عرض کن: خدایا! به خودم  
 تکیه ندارم، بلکه به تو توکل کرده‌ام... شخص می‌گوید این کار را کردم.  
 به زودی با یک تاجر پارچه آشنا شدم که نیمی از مغازه را اجاره کرد و سود  
 خوبی به من رسید.»

از این رو امام سجاد علیه السلام در این ماه که ماه عبادت است، به نماز  
 توجه می‌دهد. البته طبق آیه شریفه، استعانت گرفتن از صبر و نماز  
 برای انسان‌ها مگر آن‌ها که «اهل خشوع» هستند، کار سنگین و  
 گرانی است.

---

أَحْمَدُ بْنُ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَهُوَ  
 يُصَلِّي فَعَدَدْتُ لَهُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ سِتِّينَ تَسْبِيحَةً (الكافي، ج ۳، ص ۳۲۹، بَابُ  
 أَذْنَى مَا يُجْزَى مِنَ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَأَكْثَرُهُ، حَدِيثُ ۲).

**آیه دوم:** خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَتَتَفُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ»؛ آنان را در رکوع و سجود می‌بینی، فضل و خشنودی خدا را خواستارند، علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است.»

اینکه حضرت در این دعا از خداوند متعال رکوع و سجودی همانند پیامبر گرامی اسلام درخواست می‌کند، مراد، رکوع و سجود طولانی است.

در نتیجه، بنا بر فرموده امام صادق عليه السلام که: «بطول الركوع والسجود»<sup>۱</sup> و نیز فرمایش امیرالمومنین عليه السلام در خطبه ۱۹۹ نهج البلاغه که: «استکثرو منها»<sup>۲</sup>؛ نماز زیاد بخوانید» و با توجه به اینکه رکوع و سجده از ارکان نماز است و حضرت سجاد عليه السلام هم محافظت از ارکان نماز را درخواست می‌کند، کثرت رکوع و سجود، موضوعیت می‌یابد.

دلیل مداومت حضرت رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم بر نماز جعفر طیار، این است که رکوع و سجود طولانی دارد.

نقل شده است آیت الله بهجت، سی سال آخر عمر شریفشان هر روز نماز جعفر طیار را می‌خواندند.

۱. فتح: ۲۹

۲. الکافی، ج ۲، ص ۷۷، باب الورع، حدیث ۹

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹



### نکته

نباید اجازه داد این نکات مطرح شده در ذیل دعاهای صحیفه سجادیه، دچار روزمرگی شوند، بلکه باید به آنها «جامه عمل» پوشید تا بیشترین بهره‌ها برای انسان حاصل گردد.

### عَلَىٰ أَيْمِ الظُّهُورِ

امام سجاد علیه السلام در این قسمت عرضه می‌دارد: بارالها! نمازی که می‌خواهم بخوانم، در اوج طهارت و پاکی باشد. البته نماز، طهارتی را با خود به ارمغان می‌آورد. خداوند متعال در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ همانا نماز از فحشا و منکر باز می‌دارد.» نقطه مقابل فحشا، طهارت است.

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود؛ چرا کسانی که نماز می‌خوانند، فحشا و منکر هم مرتکب می‌شوند؟ در پاسخ به این سؤال، به روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره می‌شود که فرمودند: «هرکس دو رکعت نماز بخواند و بداند چه چیزی در نماز می‌گوید، در حالی از نماز مفارقت می‌کند که بین او و خدا هیچ گناهی باقی نمانده است.»<sup>۲</sup> در این روایت، تأکید حضرت بر نمازی است که نمازگزار بداند در درگاه چه کسی است و چه سخنانی را بر زبان جاری می‌کند. این چنین نمازی است که انسان را از گناه باز می‌دارد.

۱. عنکبوت: ۴۵

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا أَنْصَرَفَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ (الكافي، ج ۳، ص ۲۶۶، باب فضل الصلاة، حديث ۱۲).

بنابراین، «علی اتم الطهور» هم شامل طهارت ظاهری، مانند وضو و هم شامل طهارت باطنی (بازداشتن از منکر) می‌شود.

### أَبَيِّنِ الْخُشُوعِ وَأَبْلُغِهِ

امام سجاد علیه السلام در این فراز، از خداوند متعال درخواست می‌کند که در نماز، «نهایت خشوع» را دارا باشد.

اساساً مؤمن، اهل خشوع است. خداوند متعال در قرآن کریم در وصف اهل ایمان می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»؛ مؤمنان کسانی هستند که در نمازهایشان خاشع‌اند.»

حضرت به خشوع بسنده نمی‌کند، بلکه نهایت و بالاترین درجه خشوع را از خداوند متعال درخواست دارد.

خشوع، تأثیری است که قلب انسان از موجود مقابل دریافت می‌کند. گاه این تأثیر در اعضا و جوارح نیز بروز می‌یابد. این تأثیر گاه در مقابل انسان دیگر و گاه در برابریک موجود قاهر است که قلب انسان مقهور می‌شود و در اعضا و جوارح نیز خشوع ظاهر می‌گردد.

نقل شده است: «پیامبر گرامی اسلام به شخصی که در حال نماز با ریش خود بازی می‌کرد، فرمود: لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ؛ اگر قلب او خاشع بود، جوارح او هم خاشع می‌شد.»<sup>۲</sup>

۱. مؤمنون: ۲

۲. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَبْصَرَ رَجُلًا يَغْبُثُ بِلِخْيَتِهِ فِي صَلَاتِهِ فَقَالَ إِنَّهُ لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ (الجعفریات (الاشعثیات)، ص ۳۶).

به همین دلیل، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ؛ روز قیامت به حدی هول‌انگیز است که صداها خاشع می‌شود.» در این آیه شریفه، تأثیرپذیری در مقابل خداوند قهار، به خشوع تعبیر شده است. از آنجا که انسان‌ها نوعاً فاقد «نهایت خشوع» هستند، امام از خداوند متعال درخواست خشوع می‌کند.

#### ◆ نکته

در عین حال که باید به مفهوم کلام حضرت در این دعا توجه شود، باید به ماهیت این کلام (دعا بودن) آن نیز دقت گردد. این بدین معناست که انسان علاوه بر اینکه باید در مقام تشریح، خشوع را دنبال کند، در مقام تکوین هم باید از خداوند متعال، توفیق خشوع را درخواست نماید؛ زیرا توفیق کارها تحت اراده و خواست خداوند متعال است.

امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام در روایتی فرمود: الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ، تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ وَوَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ قَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ<sup>۲</sup>؛ مؤمن (شیعه) برای رشد کردن، به سه خصلت محتاج است: توفیق از جانب خدا و پنددهنده‌ای در درون خود و پذیرش نصیحت از نصیحت‌کنندگان (البته نصیحت‌کنندگان الهی).»

مؤمن در کارهایش به توفیق الهی نیازمند است. مقدار

۱. يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (طه: ۱۰۸).

۲ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۵۸

زیادی از این توفیق، اکتسابی است و درباره برخی، مانند معصومین علیهم السلام خداوند متعال اراده کرده است به طور دفعی به آن‌ها عنایت کند. امام جواد علیه السلام در کودکی که به امامت رسید و کمالات علمی شصت و سه سالگی رسول خدا صلی الله علیه و آله را دارا بود. البته این توفیق به نحو تکوینی به او داده شد؛ زیرا او امام کون و مکان و همه هستی است و باید علم داشته باشد.

در مقام کسب، انسان می‌تواند با دعا و طلب کردن، توفیق الهی را به خود جلب کند. از این رو امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه - که خود کتاب دعاست - از خداوند متعال می‌خواهد توفیق انجام فلان کار و ترک کاری دیگر را به او بدهد و از همین باب است که حضرت، خشوع را از خداوند متعال درخواست می‌کند.

(۱۰) وَ وَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنَّ نَصْلَ أَرْحَامِنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَاةِ

حضرت در این فراز، موفق شدن بر نیکی و صلّه رحم را در ماه رمضان از خداوند متعال درخواست می‌کند. البته به بیانی که در آخر دعا دارد، این درخواست‌ها را برای طول سال مطرح می‌فرماید.

مراد از رحم، کسانی هستند که از رحم یک مادر به دنیا آمده‌اند؛ یعنی برادران، خواهران، دایی، خاله، عمو، عمه و فرزندان آن‌ها.

خداوند متعال در قرآن کریم درباره صلّه رحم می‌فرماید: «یکی از ویژگی‌های اولوالالباب این است که آنچه را که خدا دستور بر وصل آن

داده است، وصل می‌کنند»<sup>۱</sup>؛ یعنی کسانی که صله رحم به جا می‌آورند، در زمره اولوالالباب هستند و در این آیه، به ارتباط با آن‌ها امر شده است. در روایت آمده است: «امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه می‌فرماید: مراد از آن چیزی که خداوند متعال دستور به وصل آن داده است، ما اهل بیت و خویشاوندان هر فردی است.»<sup>۲</sup>

در مقابل، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «کسانی که عهد خدا را می‌شکنند و آنچه را خداوند دستور به وصل آن داده است، قطع می‌کنند، لعنت خدا بر این‌ها باد و بدجایگاهی خواهند داشت.»<sup>۳</sup> همان طور که در روایت امام صادق علیه السلام<sup>۴</sup> بیان شد، مراد از رحم، خویشاوندان و اهل بیت است و هر کس با آنان قطع ارتباط کند، مورد لعنت خداوند متعال قرار می‌گیرد.

کافر بودن خویشاوندان، مجوزی بر قطع رحم با آن‌ها نیست. از طرفی هم نباید با آن‌ها زیاد رفت‌وآمد داشت که از آن‌ها اثر پذیرفت، بلکه کمترین مقدار صله رحم باشد که در روایت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده:

۱. وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (رعد: ۲۱).

۲. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الرَّجْمَ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ يَقُولُ اللَّهُ صَلِّ مَنْ وَصَلَنِي وَأَقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِي وَهِيَ رَجْمٌ آلِ مُحَمَّدٍ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَرَجْمٌ كُلِّ ذِي رَجْمٍ (الكافی، ج ۲، ص ۱۵۱، باب صلة الرحم، حدیث ۷).

۳. وَالَّذِينَ يَنْفُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (رعد: ۲۵).

۴. الكافی، ج ۲، ص ۱۵۱، باب صلة الرحم، حدیث ۷

«با ارحام خود ارتباط داشته باشید، ولو به اندازه سلام کردن.»<sup>۱</sup> باید این رابطه به اندازه‌ای باشد که عرفاً نگویند با ارحام خویش قهر کرده است.

داوود رقی نقل می‌کند: «نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نشسته بودم، قبل از اینکه لب به سخن باز کنم، امام فرمود: داوود! روز پنج‌شنبه اعمال تو بر من عرضه شد، در اعمال تو دیدم با پسرعمویت صله انجام دادی و این مرا خوشحال کرد و دانستم که به زودی از دنیا خواهد رفت؛ زیرا او با تو صله نخواهد کرد و این قطع رحم از جانب او منجر به مرگش می‌شود.»<sup>۲</sup> بعد از جلسه، اصحاب، ماجرا را جویا شدند، داوود گفت: پسرعموی من در مکه است. او انسان معاند و خبیثی است. متوجه فقر او شدم و مقداری پول برای او فرستادم. حضرت به خاطر این صله من خوشحال شدند.

شخصی به محضر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ رسید و عرض کرد: «پسرعمویی دارم که با او ارتباط برقرار می‌کنم و صله رحم انجام می‌دهم، اما او ارتباط را قطع می‌کند. مجدداً من صله انجام می‌دهم و او در مقابل، قطع می‌کند. آیا اجازه دارم که با

۱. وَ عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالْتَّشْلِيمِ (همان، ص ۱۵۵، باب صله الرحم، حدیث ۲۲).

۲. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّبَّارِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْبُزْجِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرِ الرَّقِيِّ، قَالَ: كُنْتُ جَالِساً عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِذْ قَالَ مُبْتَدِئاً مِنْ قِبَلِ نَفْسِهِ: يَا دَاوُدُ، لَقَدْ عَرَضَتْ عَلَيَّ أَعْمَالُكُمْ يَوْمَ الْخَوَيْسِ، فَرَأَيْتُ فِيهَا عَرْضَ عَلَيٍّ مِنْ عَمَلِكَ صَلَّتْكَ لِابْنِ عَمَلِكَ فَلَانَ فَسَرَّنِي ذَلِكَ، إِنِّي عَلِمْتُ صَلَّتْكَ لَهُ أَسْرَعَ لِفَتَاءِ عُمَرَةَ وَ قَطَعَ أَجَلَهُ (الامالی (للطوسی)، ص ۴۱۳).

او قطع ارتباط کنم؟ حضرت فرمود: اگر تو با او ارتباط یک طرفه داشته باشی، خداوند متعال شما را به هم وصل می‌کند و پشتیبان شما خواهد بود؛ اما اگر این ارتباط یک طرفه را قطع کنی، خداوند متعال از شما روی برمی‌گرداند.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در وصیت به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «اگر با خویشان خود یک سال هم فاصله داری، صله رحم را انجام بده.»<sup>۲</sup> از آنجا که این ماه، ماه بندگی خداوند متعال است، امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام، صله رحم را در این ماه از خدا درخواست می‌کند تا به انجام آن موفق شود؛ زیرا انسان با صله رحم، در مقابل نفس خویش می‌ایستد و مطابق دستوره‌های خدا عمل می‌کند.

#### ◆ نکته

در زندگی مشترک با همسر، کسی که از بستگان همسر باشد، رحم دیگری به حساب نمی‌آید، اما رعایت احترام، بهتر است.

وَأَنْ تَتَّعَاهَدَ حَيْرَانَتَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ

حضرت بر خورد همراه با فضل و بخشش را با همسایگان، در این ماه از خداوند متعال درخواست می‌کند. ظهور عبارت در این است که این درخواست حضرت، عمومیت دارد و فقط مخصوص

۱. وَ عَنَّهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّ لِي ابْنَ عَمٍّ أَصْلَهُ فَيَقْطَعُنِي وَأَصْلَهُ فَيَقْطَعُنِي حَتَّى لَقَدْ هَمَمْتُ لِقَطِيعَتِهِ إِيَّايَ أَنْ أَقْطَعَهُ أَ تَأْذُنُ لِي قَطْعُهُ قَالَ إِنَّكَ إِذَا وَصَلْتَهُ وَ قَطَعْتَكَ وَصَلَكُمَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَمِيعاً وَإِنْ قَطَعْتَهُ وَ قَطَعْتَكَ قَطَعَكُمَا اللَّهُ (الكافی، ج ۲، ص ۱۵۵، باب صلة الرحم، حدیث ۲۴).

۲. سِرُّ سُنَّةِ صَلِّ رَحِمَكَ (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۱).

همسایگان فقیر نمی‌شود.

امام سجاده علیه السلام که تربیت یافته خداوند متعال است، این عمل را می‌پسندند و از خداوند متعال این را درخواست می‌کند؛ بنابراین خدا هم این عمل را پسندیده است. دلیل اینکه نوع انسان‌ها این عمل را انجام نمی‌دهند، وابستگی به دنیا است.

برای درک بیشتر این بخش (اکرام همسایگان) باید به دعای بیست و ششم صحیفه سجادیه که دعای حضرت در حق همسایگان است، مراجعه شود.

حضرت در دعای بیست و ششم می‌فرماید: «**وَ حُسْنِ مُوَأَسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ**»<sup>۱</sup>

ماعون به لوازم خرد و ریز زندگی می‌گویند.

حضرت می‌فرماید: انسان باید با ماعون هم که شده، با همسایه خود مواسات داشته باشد.

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «خدا در وعده خود تخلف نمی‌کند.»<sup>۲</sup> از طرفی، در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «هر آنچه شما در راه خدا انفاق کنید، خداوند متعال به همان اندازه برای شما جبران می‌کند»<sup>۳</sup> و در آیه‌ای دیگر فرموده: «چند برابر جبران می‌کند.»<sup>۴</sup>

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۲۶، بند ۱

۲. روم: ۶

۳. سبأ: ۳۹

۴. بقره: ۲۶۵



در نتیجه، اینکه امام، فضل و احسان بر همسایگان را از خداوند متعال طلب می‌کند، مسئله مهمی است و زیر سایه آن، تمرین می‌کند تا سبک‌بال شود.



جلسه هفتم

# محرمان رمضان

شرح دعای چهل چهارم  
صحیفه سجادیه علیه السلام  
دعای امام سجاد علیه السلام هنگام  
ورود به ماه مبارک رمضان



### وَ أَنْ نُخْلِصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ

حضرت در این دعا خالص شدن اموال را از تبع درخواست می‌کند. تبع، یعنی آنچه انسان به ظلم به دست آورده و مخلوط شدن اموال انسان با تبع، همان مال مخلوط به حرام است. انسان ابتدا باید برای برطرف شدن این مشکل (مال مخلوط به حرام)، توبه حقیقی کند، به همان بیانی که در دعای سی و یکم صحیفه سجادیه ذکر شده است، سپس اگر صاحب مال را می‌شناسد، باید آن را به او برگرداند و اگر نمی‌شناسد و از یافتن او مأیوس شده، باید مال را با اجازه مرجع تقلید، از طرف وی صدقه بدهد تا در نهایت، این مال پاک شود. اگر انسان، اموالش را پاک نکند، قطعاً رشد نخواهد کرد. این مسئله همواره در طول سال اهمیت دارد، اما امام در این ماه، پاک شدن اموال را از خدا درخواست می‌کند؛ زیرا قرار است ایمان‌ها در این ماه با سرعت، بالا رود و اگر اموال انسان پاک نباشد، قطعاً این رشد و ارتقا در این ماه برای او اتفاق نخواهد افتاد.

روایت شده است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام با شخصی مواجه شد که اموالی

را سرقت می‌کرد و آن‌ها را صدقه می‌داد. ماجرا را از او جویا شد. وی گفت: هر گناه، یکی حساب شده، اما هر حسنه، ده برابر می‌شود. امام به او فرمود: خداوند متعال فقط از متقین می‌پذیرد.<sup>۱</sup>

این حساسیت نسبت به اموال دیگران بسیار مهم است؛ زیرا اگر مردم نسبت به مال دیگران احترام قائل نباشند، با توجه به روحیه راحت طلبی نوع انسان‌ها، اموال یکدیگر را غارت می‌کنند تا زندگی راحت‌تری برای خود و خانواده خویش فراهم کنند.

وَأَنْ تُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ

انسان باید مال را به وسیله پرداخت زکات، تطهیر کند.

اگر کسی زکات مال را پرداخت نکند، بنابر فرموده قرآن کریم، «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»<sup>۲</sup>، اموال هشت طایفه را غصب کرده است. صدقات در این آیه به معنای زکات است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «السُّرَّاقُ ثَلَاثَةٌ»؛ دزدان سه گروه هستند:

۱. کسانی که زکات نمی‌دهند؛ ۲. کسانی که مهر زنان را حلال می‌شمردند؛

۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام ص ۴۵

۲. توبه: ۶۰

۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُقْطِينِ عَنْ بُؤَيْسِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ كَثِيرِ بْنِ بَسَّامٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع السُّرَّاقُ ثَلَاثَةٌ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ مُسْتَجِلُّ مَهْوَرِ النِّسَاءِ وَ كَذَلِكَ مَنْ اسْتَدَانَ دَيْنًا وَ لَمْ يُتَوَقَّضْهُ (الخصال، ج ۱، ص ۱۵۳).

۳. کسانی که قرض می‌گیرند و نیت ادای آن را ندارند، «البته خمس نیز همین طور است؛ بعد از گذشت سال خمسی، یک‌پنجم اموال، برای شخص نیست<sup>۱</sup>. بنابراین با پرداخت زکات و خمس، اموال انسان پاک می‌شود.

وَأَنْ تَرُاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا

حضرت می‌فرماید: خدایا! اگر کسی از من برگشته است، مرا در این ماه موفق کن به او بازگردم و با او ارتباط برقرار کنم. یکی از مطالبی که حضرت به آن توجه می‌دهد، رفع کدورت‌هاست. سیره ائمه اطهار علیهم السلام این بوده است که اگر کسی از آنان روی برمی‌گرداند، آن‌ها به سویشان برمی‌گشتند و در رفع کدورت‌ها پیش‌قدم می‌شدند.

مراجعه کردن و پیش‌قدم شدن بدین معنا نیست که حق مظلوم ضایع شود، بلکه با حفظ حق و حقوق مظلوم، حضرت برای رفع کدورت‌ها به پیش‌قدم بودن در صلح توصیه می‌کند؛ زیرا مسئله اتحاد در جامعه مسلمین، بسیار مهم و راهبردی است.

از این رو امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دو نفر که از یکدیگر روی برگردانند و مهاجرت کنند، مورد برائت و لعن ما قرار می‌گیرند. در این بین، راوی سؤال کرد: کسی که ظالم است، مستحق لعن و برائت است، اما مظلوم چرا مورد برائت شما قرار می‌گیرد؟ حضرت فرمود: چون به دنبال حل مشکل نمی‌رود. سپس فرمود:

۱. برای اطلاع دقیق‌تر و کامل‌تر از این بحث، به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

حق او محفوظ است و خدا آن را خواهد گرفت؛ اما اسلام اجازه کدورت بین مسلمین را نداده است؛ زیرا باعث تفرقه در میان آنان می‌شود.» به همین دلیل، امام سجاد علیه السلام، با اینکه بیشتر مردم زمان ایشان اهل سنت و بسیاری از آن‌ها ناصبی بودند، در دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «وَأَلَّفَ جَمْعَهُمْ؛ خدایا! بین آن‌ها الفت و همدلی ایجاد کن.»

الفت قلوب آن قدر مهم است که می‌توان از زکات برای آن خرج کرد. این به معنای ظالم‌پروری نیست؛ زیرا امام صادق علیه السلام در ادامه روایت فرمود: خداوند متعال، حق مظلوم را از ظالم می‌گیرد.

وَأَنْ تُنْصِفَ مَنْ ظَلَمْنَا، وَأَنْ نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا

امام در این فراز می‌فرماید: اگر کسی دشمنی ورزید، من با آشتی و برادری با او برخورد کنم.

#### ◆ نکته

اگر انسان قصد داشته باشد، شیعه و تابع ائمه اطهار علیهم السلام باشد، باید سلیقه‌های شخصی را کنار بگذارد و طبق دستوری که داده‌اند، حرکت کند.

حضرت در دعای بیست و هشتم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «وَأُغْرِضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنِ ظَالِمِهِمْ، أَشْتَعْمِلُ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَّةِهِمْ؛ خدایا! مرا

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۲۷، بند ۲

۲. وَاجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ اَجْرِي بِالْاِحْسَانِ مُسِيئَتِهِمْ، وَاعْرِضْ بِالتَّجَاوُزِ عَنِ ظَالِمِهِمْ، وَ



این‌گونه قرار بده که از آن کسی که در حق من ظلم کرده است، درگذرم و با حسن ظن با آن‌ها برخورد کنم.»

حضرت در دعای سی‌ونهم نیز می‌فرماید: «اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا عَبْدٍ نَالَ مِنِّي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ، وَ انْتَهَكَ مِنِّي مَا حَجَرْتَ عَلَيْهِ، فَمَضَى بِظُلَامَتِي مَيِّتًا، أَوْ حَصَلَتْ لِي قَبْلَهُ حَيًّا فَأَغْفِرْ لَهُ مَا أَلَمَ بِهِ مِنِّي؛ خدایا! هر بنده‌ای نسبت به من مرتکب کاری شده که آن کار را براو حرام کردی یا پرده حرمت مرا دریده که دریدنش را براو ممنوع کردی، پس زیر بار ستمی که بر من داشته مرده یا در حالی که هنوز زنده است، حقی از من برعهده او ثابت است، او را نسبت به ستمی که بر من روا داشته بیامرزم.»

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ادْفَعْ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»؛ بدی را با خوبی دفع کن تا کسی که با تو دشمن بود، مانند دوستی صمیمی شود. این‌که انسان باید نیکی را با نیکی کردن پاسخ دهد، امری پذیرفته شده است و خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»؛<sup>۲</sup> اما در آیه پیشین، پا را فراتر نهاده و دستور داده است بدی را با نیکی پاسخ دهید تا دشمنی‌ها به رفاقت و دوستی

أَسْتَعْمَلُ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَتِهِمْ، وَ أَتَوَلَّى بِالْبِرِّ عَامَتَهُمْ، وَ أَعُضُّ بِصَرِي عَنَّهُمْ عَفَّةً (صحیفه سجادیه، دعای ۲۶، بند ۳).

۱. همان، دعای ۳۹، بند ۲

۲. فصلت: ۳۴

۳. الرحمن: ۶۰

تبدیل گردد.

«حمیم» به معنی آب جوش و عبارت «ولی حمیم» به معنی دوست گرم، صمیمی و دل‌سوز است.

قریش در مکه، مؤمنین را به قتل رساندند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مورد آزار و اذیت قرار دادند و با اینکه مکه زادگاه پیامبر بود، ایشان را مجبور به هجرت کردند. حضرت ده سال در مدینه سکنی گزید. روزی که مکه توسط مسلمانان فتح شد، عده‌ای از سرداران سپاه اسلام، ندای «الیوم یوم الانتقام» سرمی‌دادند؛ اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: امروز روز مهربانی و شفقت است. ایشان سران قریش و اطرافیان آن‌ها را مورد خطاب قرار داد و فرمود: «**اذهبوا انتم الطلقاء**؛ بروید، شما آزاد هستید.» بازخورد این رفتار پیامبر منجر به ایمان آوردن گروه بسیاری از آن‌ها شد و بسیاری نیز از مریدان پیامبر شدند. این برخورد پیامبر، بسیار راه‌گشا بود، در حالی که اگر سپاه اسلام آن‌ها را می‌کشت، چنین اثری را در پی نداشت.

در ذیل این آیه، ممکن است مجدداً این سؤال مطرح شود که دستور خداوند متعال مبنی بر پاسخ بدی با خوبی، موجب جری شدن و پرورش ظالم نمی‌شود؟ در پاسخ باید گفت خداوند متعال، انسان را خلق کرده است و بر راه‌های رشد انسان‌ها علم دارد؛ بنابراین زمانی که دستوری می‌دهد، رشد و مصلحت بشر در آن است. قرآن به مثابه دفترچه راهنمای زندگی انسان است و دستورهای آن به‌عنوان قاعده کلی، نوع انسان را در نظر گرفته است؛ بنابراین انسان‌ها نوعاً هنگامی که

دیگری بدی آن‌ها را با نیکی پاسخ دهد، اظهار شرمندگی و عجز کرده، کدورت‌ها را کنار می‌گذارند.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ به درخواست عنوان بصری که از ایشان توصیه‌ای خواسته بود، سه سفارش به حلم کردند که یکی از آن‌ها این است: «فَمَنْ قَالَ لَكَ إِنْ قُلْتَ وَاحِدَةً سَمِعْتَ عَشْرًا - فَقُلْ إِنْ قُلْتَ عَشْرًا لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً»؛ کسی که به تو گفت اگر یک حرف ناپسند به من بگویی، ده برابر جوابت را خواهم داد، در پاسخ به او بگو اگر ده حرف ناپسند به من بگویی، یک حرف هم از من نخواهی شنید.» در همین حدیث عنوان بصری، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نه توصیه مطرح می‌کند و پیش از آغاز به توصیه‌ها می‌فرماید: «فَإِنَّهَا وَصِيَّتِي لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ این توصیه من امام صادق است برای هرکسی که اراده کرده مسیر الی الله را طی کند.»

بنابر فرموده خداوند متعال، «تنها کسانی که صابر هستند، می‌توانند این‌گونه با دیگران برخورد کنند.»<sup>۱</sup>

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «هرکس هر آزاری به من رسانده است، آن‌ها را بخشیده‌ام.»<sup>۲</sup> کسانی که از روحیه بزرگی برخوردارند، می‌توانند مانند امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام از آزار و اذیت دیگران بگذرند.

بعضی‌ها در دل خویش، کینه شتری پرورش می‌دهند و این، آثار بسیار بدی دارد؛ زیرا امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۳۲۷

۲. وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (فصلت: ۳۵).

۳. صحیفه سجادیه، دعای ۳۹، بند ۲

فرمود: خداوند متعال در هر شب از ماه مبارک رمضان، هفتاد هزار نفر را از آتش جهنم آزاد می‌کند و هنگامی که شب قدر فرامی‌رسد، به آن مقدار که در ماه رجب و شعبان از آتش نجات داده، از آتش جهنم رهایی می‌دهد، مگر کسانی که از برادران دینی خود کینه به دل داشته باشند، خداوند متعال دستور می‌دهد مادامی که صلح نکرده‌اند، اهل نجات نباشند.<sup>۱</sup>

از یکی از بزرگان نقل شده است که می‌فرمود: افرادی که بهشتی هستند، در این دنیا نیز بهشتی زندگی می‌کنند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ؛ از سینه بهشتیان، هر چه کینه بود، برداشتیم.»

**حَاشَىٰ مَنْ عُدِّيَ فَيْكَ وَ لَكَ**

امام سجاد علیه السلام در ادامه این فراز می‌فرماید: با کسانی که با ما دشمن هستند، با مسالمت و دوستی برخورد کنیم، مگر کسانی که دشمنی ما با آن‌ها به خاطر تو (خدا) باشد.

کلام امام در این دو فراز، از دو بخش تشکیل شده است:

بخش اول کلام آنجاست که میان برادران دینی و شیعیان، مشکل و ظلمی رخ داده است. حضرت در این بخش، درخواست می‌کند که خدایا! به من این بزرگی را عطا کن که با او مسالمت‌آمیز و با بخشش رفتار کنم. پیش‌تر آیات و روایات مربوط به این بخش

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۱

۲. اعراف: ۴۳

ذکر شد.

بخش دوم کلام حضرت، جایی است که پای دشمن خارجی در میان است. حضرت در این بخش همان طور که در دعای چهاردهم و بیستم صحیفه سجادیه آمده است، بسیار محکم، ظالم را سرکوب می‌کند. امام در این فراز، به بخش دوم نظر دارد و به نحوه برخورد با آن‌ها توجه می‌دهد.

خداوند متعال و به تبع آن، حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، عده‌ای از انسان‌ها را معرفی می‌کنند که نباید با آن‌ها ارتباط دوستی برقرار کرد. خداوند متعال در قرآن کریم، مؤمنین را از ارتباط با گروهی از انسان‌ها برحذر می‌دارد:

۱. «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ!»  
 کسانی را که دوست دارند شما را از آیین اسلام بیرون کنند و شما هم مانند آن‌ها کافر شوید و هر دو با هم برابر شوید؛ این‌ها را دوست خود نگیرید.»

این‌ها منافقین، یهود و نصاری هستند که خداوند متعال در حق آن‌ها می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»<sup>۲</sup>؛ یهود و نصاری از شما راضی نمی‌شوند، مگر اینکه از آیین آن‌ها تبعیت کنید.»

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلْتُرِيدُونَ

۱. نساء: ۸۹

۲. بقره: ۱۲۰

أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کفار را به عنوان دوست خود انتخاب نکنید. آیا می‌خواهید با این عمل، دلیلی محکم برای عذاب به خدا بدهید؟»

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهودیان و مسیحیان را نباید دوستان خود قرار دهید...»

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کسانی را که دین شما را به مسخره و بازی می‌گیرند، دوست خود قرار ندهید...» در آیه بعد، کسانی که نماز را به تمسخر و بازی می‌گیرند، گروهی معرفی می‌شوند که تعقل نمی‌کنند.<sup>۴</sup> امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «الصلاة عمود دينكم»<sup>۵</sup> و نیز فرمود: «دختران را به نکاح انسان بی‌نماز درنیاورید، به او سلام ندهید، مریض شد، به عیادتش نروید و در تشییع جنازه او شرکت نکنید.» خداوند متعال اراده کرده است که انسان بی‌نماز توسط مؤمنین منزوی شود؛ بنابراین شایسته نیست مؤمنین با او دوستی کنند؛ زیرا مانند قومی می‌شوند

۱. نساء: ۱۴۴

۲. مائده: ۵۱

۳. مائده: ۵۷

۴. مائده: ۵۸

۵. الکافی، ج ۷، ص ۵۲

که در قرآن کریم از آن‌ها به عنوان کسانی یاد می‌شود که مورد لعنت دو پیامبر الهی (داوود و عیسی) واقع شدند.<sup>۱</sup>

بنابر فرموده امام صادق علیه السلام «همه کسانی که در قرآن کریم، مورد لعن دو پیامبر الهی قرار گرفتند، انسان‌های بدی نبودند؛ اما هنگام برخورد با اهل گناه، با روی گشاده از آنان استقبال می‌کردند.»<sup>۲</sup>

۵. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حتی پدران و برادران خودتان هم اگر کفر را بر ایمان ترجیح می‌دهند و آن را دوست دارند، آن‌ها را دوست خود نگیرید...»  
امام سجاد علیه السلام در دعای چهارم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا الْأَبَاءَ وَ الْأَبْنَآءَ فِي تَبَيُّتِ بُتُوْتِهِ، وَ انْتَصِرُوا بِهِ»؛<sup>۴</sup> خدایا! بر آن دسته از یاران پیامبر که برای کلمه توحید از ازوج و اولاد خود جدا شدند و با برادران و پدران خود جنگیدند، درود فرست.»

البته پیش‌تر بیان شد که در خصوص صله رحم، سلام، کفایت می‌کند.  
۶. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوْكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ»؛<sup>۵</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با دشمن من و دشمن خودتان دوستی نکنید. چرا با آن‌ها

۱. مائده: ۷۸-۷۹

۲. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۳۵

۳. توبه: ۲۳

۴. صحیفه سجادیه، دعای ۴، بند ۴

۵. ممتحنه: ۱

با مودّت ملاقات می‌کنید، در حالی که آن‌ها به آنچه از حق برایتان آمده است، کافر هستند.» در این آیه، خداوند متعال تأکید می‌کند با کسی که دین تو را قبول ندارد، دوستی نکن. مسلمان حقیقی باید طبق این آیات عمل کند.

۷. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسُؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبْغِ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با گروهی که خداوند متعال بر آن‌ها غضب کرده است، دوستی نکنید.» نمونه اکمل و اتم کسانی که خدا بر آن‌ها غضب کرده، قوم یهودند که قرآن کریم آن‌ها را معرفی کرده است.<sup>۲</sup> اینکه امروزه، سران برخی از کشورهای اسلامی با قوم یهود دوستی می‌ورزند، دقیقاً خلاف دستور خداوند متعال عمل می‌کنند.

۸. «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»<sup>۳</sup>؛ در روز قیامت، دوستان با یکدیگر دشمن می‌شوند، مگر اهل تقوا. بنابراین نباید با انسانی که اهل تقوا نیست، دوستی کرد؛ زیرا فردای قیامت، دشمن ما خواهد بود.

پس خداوند متعال، حریم دوستی و حق و باطل را برای انسان مشخص کرده است و انسان باید فقط به این دستورها عمل کند.

فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَالِيهِ، وَالْحِزْبُ الَّذِي لَا نُنَاصِيهِ

۱. ممتحنه: ۱۳

۲. مائده: ۶۰

۳. زخرف: ۶۷



با توجه به این مطالب، امام می‌فرماید: «آن دشمنی که ما با او دوستی نمی‌کنیم و آن گروهی که با او صاف دل نیستیم» و همه این‌ها به خاطر خداوند متعال است.



جلسه هشتم

# محرمانه

شرح دعای چهل چهارم  
صحیفه سجادیه علیه السلام  
دعای امام سجاد علیه السلام هنگام  
ورود به ماه مبارک رمضان



مبانی دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه، از این نظر که امام، این درخواست‌ها را برای کل سال درخواست می‌کند، حائز اهمیت است. (۱۱) **وَأَنْ تَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّكَايَةِ بِمَا تَطَهَّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ**، این عبارت، عطف به عبارات قبلی است. حضرت پیش‌تر فرمود: «وقفنا؛ خدایا! ما را موفق کن.» حال این عبارت بر این فراز نیز داخل شده، چنین معنا می‌شود: «بارالها! ما را بر تقرب به خودت به واسطه اعمالی که ما را از گناه پاک می‌کند، موفق بدار.» امام به‌طور واضح بیان می‌کند اعمالی وجود دارد که باعث طهارت انسان از گناه می‌شود.

مراد از «اعمال زاکیه»، اعمالی است که باعث رشد انسان و عمل شایسته او می‌شود.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: **«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ»**<sup>۲</sup> این فراز از دعا در واقع، بیان این آیه از قرآن کریم است. در این آیه،

۱. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَرْتَنَا (صحیفه سجادیه، دعای ۴۴، بند ۱۸).

۲. هود: ۱۱۴

اولاً یک عمل معرفی شده است. ثانیاً عبارت «**إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ**» برای «**أَقِمِ الصَّلَاةَ**» علت است. بنابراین آیه شریفه می‌فرماید: در دو طرف روز (صبح و عصر) و «**زُلْفَاءَ مِنَ اللَّيْلِ**» (مغرب و عشا) نماز را اقامه کنید. علت اقامه نماز در این اوقات چیست؟ علت این است که نماز - از آنجا که نمونه‌ای روشن و مهم از حسنات است - سیئات را از بین می‌برد. امام سجاد علیه السلام نیز در این فراز، از خداوند متعال درخواست می‌کند که او را بر انجام این عمل که باعث طهارت از گناه می‌شود، موفق بدارد.

خداوند متعال می‌فرماید: «**ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ**»؛ یعنی این نماز را که برای شما بیان کردم، تذکری است برای کسانی که اهل یاد من هستند. در واقع، این کلام به‌مثابه سخن درگوشی است که خداوند متعال با اهل ذکر در میان می‌گذارد.

از این رو مجدداً به کلام نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۹۹ نهج البلاغه اشاره می‌شود که حضرت فرمود: «**تَعَاهَدُوا الصَّلَاةَ وَحَافِظُوا عَلَيْهَا وَاسْتَكْبِرُوا مِنْهَا وَتَقَرَّبُوا بِهَا**»<sup>۱</sup> امام در این روایت، ناظر به کمیت نماز فرمود: «استکبروا منها؛ زیاد نماز بخوانید» و ناظر به کیفیت آن فرمود: «تَقَرَّبُوا بِهَا؛ به واسطه آن به خداوند متعال نزدیک شوید.»

به‌آسانی نمی‌توان از کنار توصیه حضرت مبنی بر زیاد نماز خواندن، گذشت؛ زیرا «زیاد نماز به پا دارید»، یعنی «زیاد سیئات را به‌وسیله حسنات» از بین ببرید. به عبارت دیگر، انسان اگر اهل گناه باشد،

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۵، باب ما کان یوصی امیرالمؤمنین به حین القتال، حدیث ۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹

نماز او را تطهیر می‌کند و اگر اهل گناه نباشد، نماز غبارهای روح او را می‌زداید.

#### ◆ نکته

اگر درون انسان صفا پیدا کند، اولین کسی که متوجه این صفای باطنی می‌شود، خود اوست؛ به عنوان مثال، خواب‌های خوب می‌بیند و هنگامی که وارد اماکن متبرکه می‌شود، معنویت آن مکان مقدس را درک می‌کند.

با توجه به مطالبی که درباره نماز بیان شد، می‌توان علت زیاد نماز خواندن ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را درک کرد. نقل شده است: «پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی که با مردم می‌نشست، احساس کدورت می‌کرد؛ بنابراین می‌فرمود: من هر روز استغفار می‌کنم.»<sup>۱</sup>

#### ◆ نکته

روز جمعه، روزی بسیار مهم برای عبادت است؛ از این رو امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «مَنْ وَافَقَ مِنْكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَلَا يَشْتَعَلَنَّ بِشَيْءٍ غَيْرِ الْعِبَادَةِ<sup>۲</sup>؛ هرکس روز جمعه را درک کند، به چیزی غیر از عبادت مشغول نمی‌شود.» به همین دلیل، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «هرکس دو رکعت نماز بخواند و بداند چه می‌گوید، بین او و خداوند متعال گناهی باقی

۱. الکافی، ج ۲، ص ۵۰۴، باب الاستغفار، حدیث ۴ و ۵. البته در این دو حدیث، اشاره به کدورت قلب نشده؛ اما در روایات دیگر در بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۰۴ حضرت فرمود: «إِنَّهُ لَيُعَانُ عَلَى قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ بِالنَّهَارِ سَبْعِينَ مَرَّةً» که به مسئله کدورت قلب اشاره گردیده است.

۲. من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۲۲

نمی ماند.»<sup>۱</sup>

بنابراین، چه خوب است انسان در روز جمعه، از نماز جعفر طیار، غافل نشود.

وَتَعْصِمُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُيُوبِ

«خدایا! ما را در این ماه به گونه ای حفظ کن که دیگر به عیوب بازنگردیم.»

امام سجاد علیه السلام در درعای چهل و هشتم صحیفه سجادیه می فرماید: «وَأَسْتَعِصِمُكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْصِمْنِي، فَإِنِّي لَنْ أَعُودَ لِشَيْءٍ كَرِهْتَهُ مِنِّي إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ»<sup>۲</sup>؛ خدایا! مرا حفظ کن و بر محمد و آل محمد درود فرست. اگر مرا حفظ کنی، هیچ زمانی به آنچه دوست نداری، بر نمی گردم، به شرط اینکه تو بخواهی.»

«أَسْتَعِصِمُكَ»، فعل مضارع است و دلالت بر استمرار دارد و این بدین معناست که باید مستمراً از خداوند متعال، طلب محافظت کرد تا انسان به آنچه خدا نمی پسندد، بازنگردد.

ذکر صلوات در این فقره برای این است که بفرماید من کسی هستم که به محمد و آل او ارادت دارم.

در قرآن کریم آمده است که حضرت شعیب علیه السلام فرمود: «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ». <sup>۳</sup> حال که امور عالم تحت قدرت خداوند متعال است، از او باید

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَلْعَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا أَنْصَرَفَ وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ (الكافی، ج ۳، ص ۲۶۶، باب فضل الصلاة، حدیث ۱۲).

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۴۸، بند ۲۷

۳. هود: ۸۸



درخواست کرد که «**وَتَعْصِمُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُيُوبِ**». **حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ**

تا هیچ‌یک از ملائکه برای تو حاضر نکنند، مگر آن چیزهایی را که من در باب طاعت تو آورده‌ام.

درخصوص مقصود حضرت از این عبارت، سه احتمال وجود دارد:

۱. اعمال من از اعمال ملائکه برتر باشد.

۲. حسناتم بیشتر از سیئاتم باشد؛ در نتیجه، بیشتر آنچه را ملائکه می‌نویسند، طاعت باشد.

۳. ملک چیزهایی را می‌نویسد که می‌شنود؛ اما از اعمال درونی انسان خبر ندارد. بنابراین امام می‌فرماید: آن طاعتی را که در وجود خودم به جا می‌آورم، به حدی زیاد باشد که این ملک هم نتواند آن را ضبط کند. برای درستی احتمال سوم، شواهدی ذکر می‌شود:

امام باقر یا امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «**لَا يَكْتُبُ الْمَلَكُ إِلَّا مَا سَمِعَ؛ ملائکه**، عملی را که می‌شنوند ضبط می‌کنند.» برخی از اعمال در درون انسان است و کسی از آن خبر ندارد؛ از این رو امام در ادامه این روایت، به آیه شریفه «**وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً؛** پروردگار خویش را در درون خود به یاد آور»، اشاره می‌کند و بعد می‌فرماید: ثواب یاد خدا در باطن را به خاطر عظمتی که دارد، کسی غیر از خداوند متعال نمی‌داند.<sup>۲</sup> **وَ أَنْوَاعِ الْقُرْبَى إِلَيْكَ.**

۱. اعراف: ۲۰۵

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۰۲، باب ذکر الله عزوجل، حدیث ۴

امام سجاده علیه السلام از خداوند متعال درخواست می‌کند: «مرا به هر چیزی که باعث قرب به تومی شود، موفق کن.»

امام دنبال این است که بین او و خداوند متعال، هیچ گناهی نباشد و این را با قرب الهی درخواست می‌کند. علت حساسیت حضرت به این مطلب آن است که در دعای دوازدهم صحیفه سجادیه فرمود: «خدایا! سه چیز است که مانع درخواست من از تومی شود و برای من حجاب ایجاد کرده؛ امری که تواز من خواستی و من در انجام آن سستی کردم، نهدی که نسبت به انجام آن سرعت گرفتم و نعمتی که به من ارزانی داشتی و من در شکر آن کوتاهی کردم.»<sup>۱</sup>

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و برخی دیگر از همان اعراب بادیه‌نشین، ایمان واقعی به خدا و قیامت آورده، آنچه را در راه خدا انفاق می‌کنند، موجب تقرب نزد خدا و دعای خیر رسول می‌دانند. آری آگاه شوید که انفاق آن‌ها موجب قربشان به خداست و البته خدا آنان را در (سرای) رحمت خود داخل می‌گرداند که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.»<sup>۲</sup>

اعراب برای تقرب به خدا و بهره‌مندی از دعای پیامبر، انفاق می‌کردند. به راستی انسان باید چه کاری را انجام دهد تا مشمول دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واقع شود؟ خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ؛ خدا و ملائکه بر شما صلوات می‌فرستند» و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّهِ وَمَلَائِكَتُهُ؛ هر کس بر

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۱۲، بند ۱ و ۲

۲. توبه: ۹۹

من صلوات بفرستد، خدا و ملائکه براو صلوات می فرستند.» بنابراین، هنگامی که انسان برایشان درود بفرستد، خدا و ملائکه و پیامبر و اهل بیت بروی درود می فرستند.

(۱۲) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ

امام سجاد علیه السلام خدا را به حق این ماه قسم می دهد که نشان دهنده عظمت ماه رمضان است.

وَ بِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَفْتِ فَنَائِهِ

«و به حق کسی که در این ماه، از آغاز تا پایان آن، عبادت کرده است.»

امام مجدداً به عبادت در این ماه توجه می دهد.

مِنْ مَلَكٍ قَرَّبْتُهُ، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتُهُ، أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ اخْتَصَصْتُهُ

که این عبادت‌کنندگان عبارت‌اند از عده‌ای از ملائکه و بلکه همه آن‌ها یا پیغمبری که فرستادی یا عبد صالحی که به خودت اختصاص دادی.

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَهْلِنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ

«برپیامبر و خاندان او درود فرست و ما را در این ماه، شایسته‌اگرایی قرار بده که به اولیای خود وعده داده‌ای.»

درآیه شریفه که ذکر آن گذشت، خداوند متعال فرمود: **«أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ**

**سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ**؛ آگاه شوید که انفاق آن‌ها

موجب قربشان به خداست و البته خدا آنان را در (سرای) رحمت خود

داخل می‌گرداند که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.»

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ، الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ، لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ در آن لحظات هولناک، اولیای خدا در آرامش قرار دارند. همان کسانی که ایمان آوردند و تقوا پیشه کردند و برای آن‌ها بشارتی در حیات دنیاست.» بنابراین، سخن حضرت که فرمود اولیای خدا مشغول عبادت هستند، به این معناست که اولیای خدا در رحمت الهی قرار دارند. حال که در رحمت خدا داخل شدند، قرآن کریم می‌فرماید: «اگر فضل و رحمت خدا نبود، هیچ‌یک از مؤمنان، پاک و پاکیزه نمی‌شدند؛ زیرا خداوند متعال هرکس را که بخواهد پاکیزه می‌کند.»<sup>۲</sup>

وَ أُوجِبَ لَنَا فِيهِ مَا أُوجِبَتْ لِأَهْلِ الْمُبَالِغَةِ فِي طَاعَتِكَ

«و آنچه را برای اهل مبالغه در طاعت و عبادت قرار داده‌ای، برای ما قرار ده.»

مراد از اهل «مبالغه در طاعت» کسانی‌اند که مراقب هستند تا حتی یک گناه هم مرتکب نشوند. انسان اگر بداند در مجلسی که حاضر می‌شود، ممکن است چیزهایی گناه‌آلود ببیند یا بشنود، نباید برود؛ زیرا با رفتن و دیدن و شنیدن، تا مدتی ذهن، آن را بازخوانی می‌کند و در نماز، فکر انسان را به خود مشغول می‌سازد.

وَ اجْعَلْنَا فِي نِظْمٍ مِّنْ اسْتِحْقَاقِ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ

«ما را در گروهی قرار بده که به واسطه رحمت تو استحقاق رفعت

۱. یونس: ۶۲-۶۴

۲. وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ (نور: ۲۱).

در درجه اعلی پیدا کردند.»

علت اینکه حضرت، چنین درخواستی از خداوند متعال دارد، این است که اگر انسان با این درجه از دنیا برود، بعد از مرگ، راه به پایان نمی‌رسد و در عالم برزخ نیز ادامه پیدا می‌کند. حضرت فرمود: «بِرَحْمَتِكَ»، زیرا اگر انسان به رحمت خدا چنگ نزند، به جایی نمی‌رسد.



جلسه نهم

محرمان  
رمضان

شرح دعای چهل چهارم  
صحیفه سجادیه علیه السلام  
دعای امام سجاد علیه السلام هنگام  
ورود به ماه مبارک رمضان





(۱۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَجَبِّئْنَا الْإِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ

«خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را از ملحد بودن نسبت به توحید، دور بدار.»

«الحداد»، برگشتن از حق و حقیقت را گویند، به گونه‌ای که از روی عناد باشد.

امام سجاد علیه السلام در سراسر صحیفه سجادیه، از توحید سخن گفته، آن را به رخ دیگران می‌کشد. حضرت به عنوان کسی که بالاترین ایمان را داراست، همراه همه اشیا، خدا را می‌بیند.

در صحیفه سجادیه، توحید در هر دو بُعد معرفی می‌شود:

۱. قدرت مطلق و واحد برای خداوند متعال است؛ یعنی چون خداوند متعال اذن و قدرت داده، انسان می‌تواند عملی را انجام دهد. البته این منافاتی با اختیاریت ندارد. در مقابل این بُعد از توحید، شرک خفی قرار می‌گیرد. شرک خفی، یعنی انسان، مؤمن است، اما در کارها مشرک.

۲. توحید در عبودیت است؛ یعنی انسان فقط خدای واحد و یگانه را پرستد و اهل بت پرستی نباشد. در مقابل این بُعد از توحید، شرک

جلی قرار می‌گیرد. شرک جلی، یعنی انسان رسماً بت پرستی کند. این عبارت حضرت درباره توحید، بسیار ساده و ابتدایی به نظر می‌رسد؛ اما برای فهم بهتر باید در تاریخ زندگانی امام سجاد علیه السلام دقت کرد و مردمان زمانه حضرت را مورد بررسی قرار داد. زمانه امام سجاد علیه السلام با حکمرانی بنی امیه مقارن بود. برای درک گوشه‌ای از فضای حاکم بر جامعه آن عصر، به روایتی از امام صادق علیه السلام رجوع می‌کنیم: «بنی امیه، تعلیم ایمان را آزاد گذاشته، اما تعلیم شرک را ممنوع کرده بودند؛ چون اگر خواستند مردم را به سمت شرک سوق دهند، کسی متوجه نشود.»<sup>۱</sup>

بنابراین به مردم اجازه تعلیم و تعلم شرک و اعتقادات مشرکان را نمی‌دادند تا جامعه در این زمینه، اطلاعات زیادی نداشته باشد؛ زیرا خودشان مشرک بودند و مردم دیگر به دستوره‌های آنان توجه نمی‌کردند. ابوبصیر نقل کرده است: «از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه ۳۱ توبه که می‌فرماید: **«اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛** یهودیان و مسیحیان بدون در نظر گرفتن خدا مستقلاً بزرگان خود را می‌پرستیدند»، سؤال کردم. حضرت فرمود: به خدا قسم، بزرگان آن‌ها مردم را به سمت عبادت خویش دعوت نمی‌کردند؛ زیرا اگر این کار را می‌کردند، مردم آن‌ها را نمی‌پرستیدند، بلکه حلالی را برای آن‌ها حرام و حرامی را برای آن‌ها حلال اعلام می‌کردند و مردم

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنِ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ بَنِي أُمَيَّةَ أَطْلَقُوا لِلنَّاسِ تَعْلِيمَ الْإِيمَانِ - وَ لَمْ يُطْلَقُوا تَعْلِيمَ الشِّرْكِ لِكُنْيِ إِذَا حَمَلُوهُمْ عَلَيْهِ لَمْ يَعْرِفُوهُ (الكافي، ج ۲، ص ۴۱۶).

هم در اوج بی‌اطلاعی می‌پذیرفتند و این عبادت کردن بزرگان آن‌ها محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «هرکس دیگری را در معصیت اطاعت کند، او را مورد پرستش خود قرار داده است.<sup>۲</sup> در واقع، اگر انسان به کلام کسی گوش دهد و عمل کند، در حال عبادت اوست.

از این رو، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا؛ کسی که به من علم آموزد، مرا بنده خود کرده است.» معلم امیرالمؤمنین، پیامبر بود و معلم پیامبر، خدا. بنابراین حضرت، خود را عبد خداوند متعال می‌دانستند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «آیا ندیده‌ای کسی را که هوای نفس خود را اله خود قرار داده است؟»<sup>۳</sup> این بدین معناست که انسان اگر با درخواست‌های هوای نفس خویش پیش برود و طبق خواست آن عمل کند، بنا بر فرموده قرآن کریم، هوای نفس را اله خود قرار داده است.

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ «۳» فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَا دَعَوْهُمْ إِلَىٰ عِبَادَةِ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ دَعَوْهُمْ إِلَىٰ عِبَادَةِ أَنْفُسِهِمْ لَمَا أَحْبَابُوهُمْ وَ لَكِنْ أَحَلُّوا لَهُمْ حَرَامًا وَ حَرَّمُوا عَلَيْهِمْ حَلَالَ فَعَبَدُوهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (همان، ص ۳۹۸، باب الشرك، حدیث ۷).

۲. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَطَاعَ رَجُلًا فِي مَعْصِيَةٍ فَقَدْ عَبَدَهُ (همان، حدیث ۸).

۳. أَمْ قَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاءً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (جاثیه: ۲۳).

در جای دیگر، خداوند متعال می‌فرماید: «ای بنی آدم! آیا از شما عهد نگرفتم که شیطان را نپرستید؟»<sup>۱</sup> این بدین معناست که گوش به حرف کسی دادن، مساوی است با اطاعت و پرستیدن او و عبادت هرکسی غیر از خداوند متعال، «شرک» است.

### وَالْتَّقْصِيرِ فِي تَمْجِيدِكَ

«ما را از اینکه در بزرگداشت و گرامیداشت تو کوتاهی کنیم، دور بدار.»  
گرامیداشت خداوند متعال چگونه است؟  
گرامیداشت خداوند متعال در دو مقام است:

۱. مقام قول: خداوند متعال، بسیار دقیق و حکیمانه به انسان آموزش داده است که چگونه در سخن او را گرامی بدارد.
۲. مقام فعل: اعمال خود را به گونه‌ای تنظیم کند که حریم خداوند متعال شکسته نشود.

نماز، از مهم‌ترین جلوه‌های تمجید خداوند در قول است؛ زیرا از ابتدای نماز که با نیت است، انسان بیان می‌کند که این عمل را برای خدا انجام می‌دهد، بعد با گفتن الله اکبر، خدا را به کبریایی یاد کرده، با رحمانیت و رحمیت و رب العالمین بودن، خدا را مورد تمجید قرار می‌دهد. این گرامیداشت را خداوند متعال به این دلیل از ما خواسته است که وقتی انسان با زبان، تمجید کرد، گوش می‌شنود، فکر درک می‌کند و تبدیل به شعار می‌شود. البته مبانی برای انسان، تبدیل به شعور می‌گردد و در نهایت، انسان برای خداوند متعال، حریم قائل می‌شود.

۱. أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (یس: ۶۰).

از این رو امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «انسان هنگامی که می‌خواهد دعا کند، ابتدا مدح و ثنای الهی را به کار ببرد؛ زیرا انسان زمانی که نزد سلطان حاضر می‌شود، بهترین کلام را برای او انتخاب می‌کند.»<sup>۱</sup> وقتی آدمی خدا را با مجد و شکوه یاد کرد و تقصیر هم نکرد، به مقدرات الهی راضی می‌شود؛ چون خداوند متعال در ذهن او دارای عظمت است. از این رو، امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه همام، در وصف متقین می‌فرماید: «عَظْمُ الْخَالِقِ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»<sup>۲</sup>؛ خدا در ذهن این افراد، عظمت دارد و غیرخدا در ذهن متقین، کوچک است. بنابراین وقتی خداوند متعال در ذهن انسان، عظمت یابد، به او اعتماد می‌کند و در نتیجه، آرامش می‌یابد.

### وَالشَّكُّ فِي دِينِكَ

«خدایا ما را از شک کردن در دین خود دور بدار.»

نقل شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام در حال عبور از منطقه حروریه بود. با فردی مواجه شد که در حال تهجد و قرائت قرآن در نماز بود. حضرت تا شنید، فرمود: خواب در یقین، از شک در عبادت برتر است.

۱. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا طَلَبَ أَحَدُكُمْ الْحَاجَةَ فَلْيُتِنَنَّ عَلَى رَبِّهِ وَلْيَمْدَحْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا طَلَبَ الْحَاجَةَ مِنَ السُّلْطَانِ هَيَأُ لَهُ مِنَ الْكَلَامِ أَحْسَنَ مَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَإِذَا طَلَبْتُمْ الْحَاجَةَ فَمَجِّدُوا اللَّهَ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ وَامْدَحُوهُ وَأَثْنُوا عَلَيْهِ (الكافي، ج ۲، ص ۴۸۵، باب الثناء قبل الدعاء، حديث ۶).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳

◆ نکته

در عصر امام سجاد علیه السلام که گروه‌های مختلفی، مردم را به مسلک خویش دعوت می‌کردند، حضرت از خداوند متعال، عدم تردید در دین را درخواست می‌کند؛ زیرا دین حقیقی، همان آیینی است که امام سجاد علیه السلام بدان پایبند بود.

اینکه انسان در آیین و اصلی که به آن پایبند است، شک کند، او را از راه درست منحرف می‌گرداند. نوعاً ریشه شک، ضعف ایمان است؛ بنابراین اگر انسان در دین خدا شک کند، منجر به کفر می‌شود و هیچ‌کس از این مسئله، مستثنا نیست.

نقل شده است: «عمر بن سعد، سال قبل از حادثه عاشورا به امام حسین علیه السلام گفت: مردم در کوچه و بازار به من می‌گویند توروزی حسین را خواهی کشت! امام به او فرمود: این را بدان، اگر روزی من را کشتی، بعد از من زیاد زنده نخواهی ماند.»

انسان نباید به خود مطمئن شود؛ زیرا ممکن است شک بیاید و انسان را از مسیر خارج کند. پس این موضوع که برای امام سجاد علیه السلام دغدغه است و در این ماه برای آن دعا می‌کند، باید برای ما هم دغدغه شود.

برای شناخت شک، پیشنهاد می‌شود حکمت ۳۱ نهج البلاغه را مطالعه کنید که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن برای ایمان و کفر و شک، چهار رکن را بیان می‌فرماید.

وَالْعَمَىٰ عَنِ سَبِيلِكَ

«خدایا! کور بودن در راه خود را از ما دور بدار.»

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس.»

اگر انسان به سمت کفر قدم برداشت، کور است.

خداوند متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «صُمُّ بَكْمٌ عُمِّي فَهَمُّ لَا يَرْجِعُونَ<sup>۲</sup>؛ کرو لال و کور هستند» و در جایی دیگر فرموده است: «صُمُّ بَكْمٌ عُمِّي فَهَمُّ لَا يَعْقِلُونَ.»<sup>۳</sup>

این‌ها از چشم سر برخوردار بودند، اما بنا بر فرموده حضرات معصومین علیهم السلام، کسانی که حبّ دنیای مذموم را داشته باشند، کورند.<sup>۴</sup> این باعث می‌شود انسان راه هدایت را نبیند. انسانی که چشم دارد، اما خورشید درخشان ابا عبدالله الحسین علیه السلام را نبیند، کور است. از این رو در قرآن کریم آمده است: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا»؛ آن‌ها قلب دارند، ولی نمی‌فهمند. چشم دارند، ولی نمی‌بینند. گوش دارند، با این حال شنوا نیستند.»

با این توضیح، جایگاه این درخواست امام سجاد علیه السلام مشخص گردید. وَ الْإِغْفَالَ لِحُرْمَتِكَ

«خدایا! مرا از اینکه نسبت به پاسداشت حریم تو غافل باشم، دور مدار.»

۱. انسان: ۳

۲. بقره: ۱۸

۳. بقره: ۱۷۱

۴. حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ (الكافی، ج ۲، ص ۱۳۱، باب ذم الدنیا و الزهد فیها، حدیث (۱۱)).

۵. اعراف: ۱۷۹

خداوند متعال حریم دارد و کسی نمی‌تواند پا را فراتر از خطوط الهی بگذارد و حریم خدا را هتک کند.

امام می‌فرماید اگر کسی حریم الهی را رعایت نکرد، در زمره غافلین قرار می‌گیرد.

سرّ وجوب امر به معروف و نهی از منکر، مانند نماز در دین اسلام، این است که مؤمنان، غفلت را نسبت به یکدیگر از بین ببرند.

### ◆ نکته

انسان مؤمن باید برای امر به معروف و نهی از منکر در بین مؤمنان با مهربانی برخورد کند؛ زیرا خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ کسانی که تابع و همراه پیامبر هستند، نسبت به کفار با غیظ و شدت و با مؤمنان با مهربانی برخورد کنند.»

اگر مؤمن، گناهی انجام می‌دهد، از روی عنادورزی با خداوند متعال نیست، بلکه غفلت او را فراگرفته است. بنابراین مؤمن باید نسبت به برادر دینی خود با مهربانی، غفلت‌ها را کنار بزند.

وَإِإِنْخِدَاعٍ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

«ما را از فریب شیطان رانده شده دور بدار.»

امام سجاد علیه السلام در دعای دهم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شِمَّتْ بِنَا إِذْ شَايَعَنَا عَلَى مَعْصِيَتِكَ»؛ خدایا! هنگامی که

۱. فتح: ۲۹

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۱۰، بند ۶



از شیطان تبعیت می‌کنیم و به معصیت توتن می‌دهیم، شیطان ابراز خوشحالی کرده، ما را سرزنش می‌کند.»  
بنابراین انسان باید مراقب باشد فریب این دشمن خبیث را نخورد.



جلسه دهم

محرمان  
رمضان

شرح دعای چهل چهارم  
صحیفه سجادیه علیه السلام  
دعای امام سجاد علیه السلام هنگام  
ورود به ماه مبارک رمضان



(۱۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي شَهْرِنَا هَذَا رِقَابٌ يُعْتَقُهَا عَفْوُكَ

طبق فرمایش امام در این فراز، در روایت نیز آمده است: «خداوند متعال در شب‌های ماه مبارک رمضان، تعداد بسیاری از بندگان را از آتش جهنم نجات می‌دهد.»<sup>۱</sup>

بهشت و جهنمی که خداوند متعال برای انسان وعده کرده، هنوز خلق نشده است. البته این کلام امام رضا علیه السلام که فرمود: «هرکس خلقت بهشت و جهنم را انکار کند، دروغ‌گوست»<sup>۲</sup>، ناظر به بهشت و جهنم برزخی است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قبر، باغی از باغ‌های بهشت یا حفره‌ای از آتش جهنم است.»<sup>۳</sup> کلام خداوند متعال در قرآن کریم نیز مؤید بهشت و جهنم برزخی است: «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يُؤْمُ تَقْوُمُ السَّاعَةُ

۱. الکافی، ج ۴، ص ۶۸، باب فضل شهر رمضان، حدیث ۷

۲. مَنْ أَنْكَرَ خَلْقَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ فَقَدْ كَذَبَ (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۶).

۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ غَالِبِ بْنِ عُمَانَ عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ لِلْقَبْرِ كَلَامًا فِي كُلِّ يَوْمٍ يَقُولُ أَنَا بَيْتُ الْغُرْبَةِ أَنَا بَيْتُ الْوَحْشَةِ أَنَا بَيْتُ الدُّوْدِ أَنَا الْقَبْرُ أَنَا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حَفْرَةٌ مِنْ حَفْرِ النَّارِ (الکافی، ج ۳، ص ۲۴۲، باب ما ينطق به القبر، حدیث ۲).

**أَدْخُلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ**؛ عذاب آن‌ها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند و روزی که قیامت برپا شود، (می‌فرماید) آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید.»

«بعضون»، فعل مضارع است و دلالت بر استمرار دارد که زمان حال را نیز شامل می‌شود و از سوی دیگر، عذاب روز قیامت به‌طور جداگانه مطرح شده است.

بنا بر آیات و روایات مطرح شده، مراد از بهشت و جهنم، بهشت و جهنم برزخی است.

در جهنم برزخی، روح، مورد عذاب قرار می‌گیرد؛ زیرا اگر قبر را باز کنند، جسم را سالم می‌یابند. البته عذاب‌های روحانی، بسیار دردناک است.

#### ◆ نکته

روح انسان‌هایی که دچار افسردگی می‌شوند و تا جایی پیش می‌روند که به خودکشی می‌اندیشند، دچار عذاب شده است، هرچند جسم آنان در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشد.

امام سجاد علیه السلام در این فراز می‌فرماید: «خدایا! ما را هم از افرادی قرار بده که آنان را در شب‌های ماه مبارک رمضان، از آتش جهنم نجات می‌دهی و اگر بر اساس خطاهایی که انجام داده‌ایم، ما را مستحق آتش کرده‌ای، از آتش جهنم نجات بخش.»

### ◆ نکته

امام از تعبیر «شهرنا» استفاده کردند؛ زیرا امت‌های گذشته، از روزه این ماه برخوردار نبودند.<sup>۱</sup>

أَوْ يَهْبِهَا صَفْحُكَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ الرِّقَابِ  
در ادامه، حضرت می‌فرماید: «خدایا! همان‌گونه که عده‌ای را در این شب‌ها آزاد می‌کنی، آزادی از آتش جهنم را شامل حال ما بگردان.»

### ◆ نکته

آتش جهنم نزد ائمه اطهار علیهم السلام از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. ایشان چون از ایمان بالایی برخوردار بودند، آن را جدی می‌گرفتند؛ اما انسان‌ها نوعاً از آنجا که ایمان ضعیفی دارند، به آن اهمیت نمی‌دهند.

### ◆ نکته

برخی بر این باورند که گریه‌های امام سجاد علیه السلام فقط جنبه سیاسی داشته است، در حالی که چنین نیست، بلکه امام حقیقتاً در درگاه الهی، گریه و تضرع می‌کرد.

وَاجْعَلْنَا لَشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَأَصْحَابِ  
امام می‌فرماید: «ما را برای این ماه خودمان، از بهترین یاران و همراهان قرار بده.»

امام سجاد علیه السلام در دعای چهل و پنجم صحیفه سجادیه، در وصف ماه مبارک رمضان می‌فرماید: «این ماه مبارک رمضان، بهترین و گرمی‌ترین

---

۱. درباره این مطلب، ذیل فراز شهر الاسلام در همین دعای شریف، نکته‌ای بیان شده است.

همراه برای ما بود.» همراهی، یعنی انسان با کوچک‌ترین بهانه، روزه این ماه را از دست ندهد. به همین دلیل، امام با آهی سوزان، با ماه رمضان وداع می‌کرد.

(۱۵) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امِّحَاقِ هَلَالِهِ وَاسْلُخِ عَنَّا تَبَعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاحِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْفِضِي عَنَّا وَقَدْ صَفَّيْتَنَا فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَأَخْلَصْتَنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

«خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و از گناهان ما همان گونه که این ماه در گذراست، بگذر.»

حضرت می‌فرماید: خدایا! وقتی این ماه تمام شد، گناهان من هم بر اثر بخشش تو تمام شده باشد.

همان طور که پیش‌تر بیان شد، امام سجاد علیه السلام در دعای دوازدهم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «گناهان، بین انسان و خداوند متعال، حجاب ایجاد می‌کند.»<sup>۱</sup>

امام سجاد علیه السلام دوست دارد با خداوند متعال عشق‌بازی کند. طاووس یمانی نقل می‌کند: «در نیمه شب دیدم در کنار کعبه، امام علی بن الحسین علیه السلام در مناجات با خداوند متعال می‌فرماید: «أَتُحْرِقُنِي بِالنَّارِ يَا غَايَةَ الْمُنَى؛ ای نهایت آرزوهای من! آیا مرا در آتش جهنم می‌سوزانی؟»<sup>۲</sup> امام با توجه به اینکه خداوند متعال را نهایت آرزوی خویش و گناه را حجاب بین خود و خدا می‌بیند، در ماه مبارک رمضان که خواب هم

۱. يَحْجُبُنِي أُمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَنْطَأْتُ عَنْهُ، وَنَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَنِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَفَضَّرْتُ فِي شُكْرِهَا (صحیفه سجادیه، دعای ۱۲، بند ۲).

۲. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۹۸



در آن عبادت است، از خداوند متعال طلب عفو و بخشش می‌کند؛ زیرا اگر گناهان بخشوده شود، انسان به خداوند متعال می‌رسد و گرنه حجاب‌ها همچنان باقی است.

(۱۶) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

از آنجا که در عصر امام سجاد علیه السلام بنی‌امیه قصد داشت نام پیامبر و خاندان او را محو کند، امام در جای جای صحیفه سجادیه، به صلوات بر پیامبر و خاندان مطهر ایشان تأکید می‌کند.

وَإِنْ مَلْنَا فِيهِ فَعَدَلْنَا وَإِنْ زُغْنَا فِيهِ فَقَوْمَنَا

«خدایا! اگر در این ماه، به مسیری غیر از راه مستقیم مایل شدیم، ما را بازگردان و اگر دل ما از راه مستقیم برگشت، قلب ما را محکم کن.»  
قرار گرفتن در مسیر حق و در این راه باقی ماندن، دغدغه‌ای بسیار مهم برای امام سجاد علیه السلام است.

وَإِنْ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

«اگر شیطان که دشمن توست، بر ما چیره شد، ما را از دست او نجات بده.»

دلیل اینکه شیطان را به عنوان دشمن خدا معرفی می‌کند، تکبر شیطان است. شیطان چون تکبر ورزید، دشمن خدا نام گرفت و انسان نیز اگر اهل تکبر ورزیدن باشد، دشمن خدا می‌شود.

لباس تکبر، فقط مخصوص خداوند متعال است. در روایت آمده است: «هرکس به اندازه سر سوزنی در قلبش تکبر وجود داشته باشد،

وارد بهشت نمی‌شود.»<sup>۱</sup>

با توجه به فرمایش امام سجاد علیه السلام در این فراز، شیطان در این ماه، قدرت نفوذ و وسوسه دارد. بنابراین روایاتی که شیطان را در غل و زنجیر معرفی می‌کند، به این معناست که کار شیطان در این ماه به دلیل ظرفیت بسیار روزه که عمده آن گرسنگی است، دشوارتر می‌شود؛ در نتیجه، هنگامی که کار شیطان (وسوسه) سخت‌تر شد، انسان بیشتر می‌تواند رشد کند.

(۱۷) اللَّهُمَّ اشْحَنْهُ بِعِبَادَتِنَا إِيَّاكَ

«خدایا! این ماه را مملو از عبادت ما قرار بده.»

عبادت، باعث رشد ایمان انسان می‌شود و در ماه مبارک رمضان، عبادات، مضاعف محسوب می‌گردد؛ بنابراین، امام از خداوند متعال، مملو بودن این ماه را از عبادت خویش طلب می‌کند.

وَزَيْنُ أَوْقَاتِهِ بِطَاعَتِنَا لَكَ

«خدایا! اوقات این ماه را با اطاعت کردن ما از دستوره‌های خویش زینت ببخش.»

هر چیزی زینتی دارد و بنابراین فرموده امام، زینت اوقات و ایام، اطاعت از دستوره‌های خداوند متعال است.

وَأَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ، وَفِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَيْكَ، وَ  
الْخُشُوعِ لَكَ

«ما را در روز این ماه، برروزه‌داری و در شب آن، برنماز و تضرع و

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۱۰، باب الکبیر

خشوع در درگاه خود یاری فرما.»  
«تضرع»، به درخواستی می‌گویند که همراه با ذلت است.

#### ◆ نکته

با توجه به این کلام حضرت، مشخص می‌شود نماز به تنهایی کافی نیست، بلکه تضرع هم لازم است. اگر انسان اشکش جاری نمی‌شود، باید خود را به انسان‌های متضرع شبیه کند؛ زیرا تضرع، نگاه رحمت خداوند متعال را بیشتر جلب می‌کند.

#### ◆ نکته

درباره خشوع، در فرازهای پیشین، به‌طور مفصل سخن گفته شد.<sup>۱</sup>

### وَالذَّلَّةَ بَيْنَ يَدَيْكَ

«خدایا! ما را به گونه‌ای قرار بده که در مقابل تو ذلیل باشیم.»

امام، ذلیل بودن در مقابل خداوند متعال را در دعای سی‌ویکم صحیفه سجادیه چنین وصف می‌کند: «خدایا! کسی در مقابل تو ایستاده است، سر را پایین انداخته و گردن خود را کج کرده است.»<sup>۲</sup>

### حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِعَفْئَةٍ وَلَا لَيْلُهُ بِتَفْرِيطٍ

«خدایا! در این ماه به گونه‌ای باشیم که روز این ماه بر غفلت و شب این ماه بر کوتاهی ما شهادت ندهد.»

این بیان امام بدین معناست که شب و روز، شاهد اعمال انسان‌ها هستند. البته حضرت در دعای ششم صحیفه سجادیه، درباره

---

۱. ذیل فراز نهم عبارت «ابین الخشوع»  
۲. وَ غَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعاً، وَ طَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَدَلِّلاً (صحیفه سجادیه، دعای ۳۱، بند ۹).

شاهد بودن شب و روز بر اعمال انسان، تصریح می‌کند.<sup>۱</sup>  
**(۱۸) اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا**  
 «خدایا! ما را در همه ماه‌ها و روزها تا زمانی که زنده مان می‌داری،  
 این چنین قرار ده.»

ماه مبارک رمضان، مانند قله‌ای است که انسان می‌تواند به آن برسد و  
 باقی مانده راه را به آسانی طی کند.

**وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ**

«ما را از بندگان صالح خود قرار ده.»

**الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ  
 وَجَلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ،<sup>۲</sup>**

بندگان صالح، کسانی‌اند که «وارث فردوس هستند و در آن جاودان  
 می‌مانند. آنان که هرچه دارند، در راه حق می‌بخشند، در حالی که  
 قلوبشان از اندیشه بازگشت به حضرت رب ترسان است.»

#### ◆ نکته

انسان نمی‌تواند ترس از مرگ را انکار کند. این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام  
 که می‌فرماید: «اشتیاق فرزند ابوطالب نسبت به مرگ، از اشتیاق طفل  
 شیرخوار به سینه مادرش بیشتر است»<sup>۳</sup>، به این معنا نیست که حضرت  
 از مرگ ترس ندارد، بلکه چون خدا را می‌بیند، مشتاق است. گاهی

۱. وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ (همان، دعای ۶، بند ۱۲).

۲. مؤمنون: ۶۰

۳. وَاللَّهِ لَأَبْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنَسَىٰ بِالْمَوْتِ مِنَ الْوَلَدِ بِئَدْيِ أُمِّهِ (نهج البلاغه، خطبه  
 ۵).

اشتقاق نسبت به عملی باعث می‌شود، سایر ابعاد آن عمل برای انسان ضعیف جلوه کند. این بیان امیرالمؤمنین علیه السلام ناظر به بعد از مرگ است. همان طور که امام سجاد علیه السلام در دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «خدایا! بهشت را در مقابل چشمان سربازان اسلام قرار بده تا آن‌ها مشتاق جنگیدن با دشمن باشند»<sup>۱</sup> و در نهایت، مشتاق شهادت باشند؛ زیرا انسان هنگامی که نسبت به انجام عملی اشتیاق داشته باشد، موانع را نمی‌بیند.

از آنجا که مرگ، ترس دارد، امام سجاد علیه السلام در دعای ابوحمزه ثمالی می‌فرماید: «أَبْكِي لَخُرُوجِ نَفْسِي، أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي، أَبْكِي لِضَيْقِ لَحْدِي؟»<sup>۲</sup> برای خروج روح و تاریکی و تنگی قبر گریه می‌کنم.»

#### ◆ نکته

مؤمن حقیقی، قلبی ترسان از مرگ دارد و خود را برای ملاقات با پروردگار آماده می‌کند. خداوند متعال در قرآن کریم، این دنیا را لعب معرفی می‌کند.<sup>۳</sup> حضرت علی علیه السلام نیز در خطبه ۸۴ نهج البلاغه می‌فرماید: «أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَبِمَنْعُنِي مِنَ اللَّعْبِ ذِكْرُ الْمَوْتِ؛»، به خدا قسم، یاد مرگ مرا از لعب باز می‌دارد.»

امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی دیگر در جایگاه پدر معنوی امت، شیعیان را

۱. وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصَبَ أَعْيُنِهِمْ (صحیفه سجادیه، دعای ۲۴، بند ۴).

۲. مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۵۹۱

۳. وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (انعام: ۳۲).

به یاد مرگ و غفلت نورزیدن از آن سفارش می‌کند.<sup>۱</sup>  
**وَمِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ**<sup>۲</sup>  
 امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: خدایا! ما را از کسانی قرار بده که در خیرات،  
 سرعت و بلکه سبقت می‌گیرند.

از آنجا که خداوند متعال در قرآن کریم، از عده‌ای به عنوان سرعت‌گیرنده  
 در گناه و دشمنی، یاد می‌کند، امام نیز در این فراز، از کلام خداوند  
 متعال مبنی بر سرعت‌گیرندگان در خیر و نیکی یاد کرده، از خداوند  
 متعال درخواست می‌کند در زمره آن‌ها قرار گیرد.

نقل شده است که تعدادی از اراذل را به محضر امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند،  
 حضرت فرمود: بدا به حالشان این‌ها که مردم همیشه آن‌ها را در حال  
 گناه می‌بینند!

از آنجا که سرعت با سبقت تفاوت دارد، امام سجاد علیه السلام در این  
 فراز، از خداوند متعال علاوه بر سرعت، سبقت در کار خیر را نیز  
 درخواست می‌کند.

(۱۹) **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَكُلِّ أَوَانٍ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ**  
 «خدایا! بر محمد و خاندان او در هر وقت و هر زمان و در هر حال درود  
 فرست.»

از آنجا که خداوند متعال بنا بر فرموده قرآن کریم، «**كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ**»<sup>۳</sup>؛  
 هر لحظه مشغول به کاری است»، امام می‌فرماید: خدایا! در همه

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸

۲. أولئك يسارعون في الخيرات وهم لها سابقون (مؤمنون: ۶۱).

۳. الرحمن: ۲۹

حالات، به طور مداوم بر محمد و آل او درود فرست.

عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ،

«خدایا! به تعداد کسانی که تا به حال بر آن‌ها درود فرستاده‌ای، بر محمد و خاندان او درود فرست.»

با توجه به فرموده خداوند متعال در قرآن کریم، خداوند متعال بر کسانی که بر پیامبر درود می‌فرستند، درود می‌فرستد.<sup>۱</sup> از این رو، امام از خداوند متعال درخواست می‌کند که از خلقت آدم تا این زمان، به اندازه درودهایی که بر انسان‌ها فرستاده‌ای، بر پیامبر و آل او درود فرست.

وَأَضْعَافَ ذَلِكَ كُلِّهِ بِالْأَضْعَافِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ،

«و چند برابر آن درودها که احدی را قدرت بر شمردن آن نباشد.»  
إِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِيدُ.

«همانا آنچه را تو بخواهی، انجام می‌دهی.»

از آنجا که حدیث عنوان بصری، در فهم برخی از فرازهای صحیفه سجادیه، نقشی بسزا دارد، در ادامه، شرح مختصری از آن بیان می‌شود.

### شرح حدیث عنوان بصری

این حدیث که در بحار الانوار نقل شده<sup>۲</sup>، از نسخه شیخ بهایی است. ایشان استاد پدر علامه مجلسی، صاحب بحار الانوار بوده، می‌گوید این روایت را به خط شهید اول از شیخ احمد فراهانی از عنوان بصری نقل می‌کند.

۱. هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا (احزاب: ۴۳).

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۱.

عَنْ عُنْوَانَ الْبَصْرِيِّ وَكَانَ شَيْخًا كَبِيرًا قَدْ أَتَى عَلَيْهِ أَرْبَعٌ وَتِسْعُونَ سَنَةً قَالَ:  
عنوان بصری، پیرمردی نود و چهار ساله و اهل سنت بود و ظاهراً نیز بر  
این مذهب از دنیا رفت.

كُنْتُ أُخْتَلَفُ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ سِنِينَ فَلَمَّا حَضَرَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ ع  
الْمَدِينَةَ اخْتَلَفْتُ إِلَيْهِ وَأَحْبَبْتُ أَنْ أَخُذَ عَنْهُ كَمَا أَخَذْتُ مِنْ مَالِكِ  
عنوان می‌گوید: «من مدت‌ها برای کسب علم نزد مالک بن انس در حال  
رفت و آمد بودم. وقتی که جعفر بن محمد به مدینه آمد، نزد او رفتم و  
دوست داشتم همان‌طور که از مالک، علم کسب کرده‌ام، از ایشان نیز  
بهره ببرم.»

فَقَالَ لِي يَوْمًا إِنِّي رَجُلٌ مَطْلُوبٌ وَمَعَ ذَلِكَ لِي أَوْزَادٌ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ  
أَنَاءِ اللَّيْلِ وَالتَّهَارِ فَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ وِرْدِي

«روزی ایشان به من فرمود: من تحت تعقیب حکومت هستم و در  
طول شبانه‌روز اورادی دارم، مرا از وِردم بازمدار.» در واقع حضرت قصد  
داشتند او را نپذیرند. اگر انسان رابطه‌اش را با خدا اصلاح نکند، خدا که  
جای خود دارد، حجت خدا نیز او را نمی‌پذیرد.

#### ◆ نکته

اوراد، جمع ورد است. ورد، یعنی ذکری که در زمانی خاص، آثاری  
خاص بر آن مترتب می‌شود.

فَخُذْ عَنْ مَالِكٍ وَ اخْتَلَفْ إِلَيْهِ كَمَا كُنْتَ تَخْتَلِفُ إِلَيْهِ  
«همان‌طور که تاکنون نزد مالک رفت و آمد می‌کردی، از این پس هم از او  
مطالبت را بگیر.»



امام با این سخن، عنوان را رد کرد.

### ◆ نکته

در زمان حاضر هم اگر کسی زائر امام رضا علیه السلام می شود، باید بداند تا رابطه اش را با خدا اصلاح نکند، آن طور که بایسته و شایسته است، مورد توجه حضرت قرار نمی گیرد. برخی نیز وقتی به زیارت حضرت مشرف می شوند، حضرت به طور شایسته به آنان توجه می نماید. البته این موضوع با رثوف بودن امام منافاتی ندارد؛ زیرا به هرکس به اندازه ظرفیت وجودی اش او عنایت می کند.

نکته شایان ذکر دیگر اینکه، باید در طول شبانه روز مانند حضرات معصومین علیهم السلام یاد خدا را در دل هایمان زنده نگه داریم و بعد از نماز صبح، به تلاوت قرآن مشغول شویم.

**فَاعْتَمَمْتُ مِنْ ذَلِكَ**

«از این برخوردار حضرت ناراحت شدم.»

این ها حضرت را قدیس می دانستند، اما حاضر نبودند دنباله رو ایشان باشند.

نقل شده است: «عمر و عاص زمانی که امام حسین را می دید، به مدح حضرت می پرداخت. امام به او می فرمود: شما که این قدر از من تعریف می کنید، پدرم از من بهتر بود، پس چرا با او می جنگیدید؟ در پاسخ می گفت: جنگیدن با علی بن ابی طالب، دستور پدران ما بود. حضرت فرمود: دستور خداوند متعال که فرمود: «فَلَا تُطْعِمُهُمَا؛ زمانی که پدر و

مادرتان شما را به گناه دعوت کردند، از آن‌ها اطاعت نکنید»، از دستور پدر و مادرتان واجب تر نبود؟»

وَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَقُلْتُ فِي نَفْسِي لَوْ تَفَرَّسَ فِيَّ خَيْرًا لَمَا زَجَرَنِي عَنِ  
الِاخْتِلَافِ إِلَيْهِ وَالْأَخْذِ عَنْهُ

«و از نزد جعفر بن محمد خارج شدم و با خود گفتم اگر در من خیری سراغ داشت، مرا به مالک بن انس حواله نمی داد.»

فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ الرَّسُولِ صَ وَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ

«بعد به مسجد النبی داخل شدم و به پیامبر اکرم سلام کردم.»

امام جماعت مسجد النبی در روزگار ما، با افتخار می گوید که ۲۵ سال است امام جماعت این مسجد هستم و تا به حال به پیامبر سلام نکرده‌ام. آنان سلام کردن به اموات را شرک می دانند، در حالی که عنوان بصری، از علمای اهل سنت، می گوید که به پیامبر سلام کردم.

ثُمَّ رَجَعْتُ مِنَ الْغَدِ إِلَى الرَّوْضَةِ وَصَلَّيْتُ فِيهَا رُكْعَتَيْنِ وَقُلْتُ أَسْأَلُكَ يَا  
اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ تَعْطِفَ عَلَيَّ قَلْبَ جَعْفَرٍ

«سپس کنار روضه پیامبر دو رکعت نماز خواندم و از خداوند خواستم تا قلب جعفر بن محمد را نسبت به من نرم کند.»

وَتَرْتُفَنِي مِنْ عِلْمِهِ

«و از علم او روزی ام کند.»

او دنبال علم حضرت بود؛ از این رو ایشان را واجب اطاعه نمی دانست.

### ◆ نکته

اگر انسان فقط به دنبال علم آموزی باشد، با این دانش کسب شده، به جهان ظلم خواهد کرد. اینکه امروز دانش آموزان فقط به دنبال کسب رتبه عالی در کنکور باشند، بسیار خطرناک است.

مَا أَهْتَدِي بِهِ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ

«علم او را روزی من کن تا به صراط مستقیم تو هدایت شوم.»

این تقاضا مانند درخواست کسی است که خورشید درخشان و پرحرارت را در آسمان نمی بیند و از خداوند متعال، هدایت به سمت خورشید را خواستار است.

وَرَجَعْتُ إِلَى دَارِي مُغْتَمًا

«من در حالی که بسیار ناراحت بودم، به منزل خویش بازگشتم.»

وَلَمْ أَخْتَلِفْ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ لِمَا أَشْرَبَ قَلْبِي مِنْ حُبِّ جَعْفَرٍ

«چون قلبم از حب جعفر بن محمد پر شده بود، دیگر نزد مالک بن انس رفت و آمد نمی کردم.»

### ◆ نکته

در پاسخ به این کلام عنوان بصری، دو بیت از امام باقر علیه السلام نقل می کنیم:

«تَعْصِي الْإِلَٰهَ وَ أَنْتَ تُظَهِّرُ حُبَّهُ هَذَا لَعَمْرُكَ فِي الْفِعَالِ بَدِيعٌ

لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ أَحَبَّ مُطِيعٌ

خدا را نافرمانی می کنی و اظهار دوستی او را داری. به جان خودت قسم، این ادعایی عجیب است. اگر محبت تو صادقانه بود، قطعاً خدا را

اطاعت می کردی؛ زیرا محب، مطیع محبوب خود می شود.»  
این کلام حضرت که فرمود: محب، مطیع محبوب خود می شود،  
قاعده ای کلی است.

توجه: باید به عنوان بصری گفت اگر در دوست داشتن جعفر بن  
محمد علیه السلام، صادق هستی، پس چرا بر مذهب مخالف ایشان باقی  
ماندی؟

فَمَا خَرَجْتُ مِنْ دَارِي إِلَّا إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ

«از خانه جز برای انجام نمازهای پنج‌گانه خارج نمی شدم.»

حَتَّى عَيْلٍ صَبْرِي

«تا اینکه صبرم سرآمد.»

فَلَمَّا صَاقَ صَدْرِي تَنَعَلْتُ وَتَرَدَّيْتُ وَقَصَدْتُ جَعْفَرًا

«پس هنگامی که سینه تنگ شد، نعلین پوشیدم و ردا بردوش انداختم  
و قصد جعفر بن محمد کردم.»

وَ كَانَ بَعْدَ مَا صَلَّيْتُ الْعَصْرَ فَلَمَّا حَضَرْتُ بَابَ دَارِهِ اسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ

«بعد از نماز عصر، جلوی در منزل حضرت حضور یافتم و برای  
داخل شدن، اجازه خواستم.»

فَخَرَجَ خَادِمٌ لَهُ فَقَالَ لَهُ مَا حَاجَتُكَ

«خادم حضرت پرسید چه می خواهی؟»

فَقُلْتُ السَّلَامَ عَلَى الشَّرِيفِ

«در پاسخ گفتم درود خدا بر آن انسان شریف.»

در زمان حضرت، به کسانی که موقعیت اجتماعی بالایی داشتند،

شریف می‌گفتند؛ از این رو امام سجاد علیه السلام در دعای سی و پنجم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طَاعَتُكَ؛ شریف کسی است که با اطاعت شما به شرافت رسیده باشد.» بنابراین کسی که اهل گناه باشد، شرافت ندارد.

فَقَالَ هُوَ قَائِمٌ فِي مُصَلَّاهُ

«خادم گفت: او (امام صادق) در مصلاهی خود در حال نماز است.» از ابان بن تغلب نقل شده است: «هر وقت به محضر امام صادق علیه السلام می‌رسیدم، ایشان را در حال نماز یا عبادت مشاهده می‌کردم.» این مقدار عبادت حضرت، با وجود پیوند با علم الهی و برخورداری از دریای معرفت و شرافت، قابل توجه است. این نشان می‌دهد که انسان، علاوه بر استاد بودن، باید مربی هم باشد.

نقل شده است: «هر شب، زمانی که مردم برای خواب آماده می‌شدند، امیرالمؤمنین علیه السلام با صدایی که اهل مسجد و اطراف آن می‌شنیدند، ندا می‌داد: «تَزَوَّدُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ وَأَقْلُوا العُرْجَةَ عَلَى الدُّنْيَا؛ توشه بردارید، خدا شما را بیامرزد که بانگ کوچ را سردادید. وابستگی به زندگی دنیا را کم کنید.»<sup>۲</sup>

#### ◆ نکته

با توجه به سخن خادم که گفت امام در مصلاهی خویش مشغول نماز است، باید گفت مستحب است انسان در خانه، محلی ثابت برای نماز

۱. در خطبه ۲۰۴ نهج البلاغه، «تجهزوا» آمده است.  
۲. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۱، ص ۲۳۴

داشته باشد و نیز مستحب است شخص در حال احتضار را به محل نماز خود ببرند تا راحت جان دهد.

فَجَلَسْتُ بِحِذَاءِ بَابِهِ فَمَا لَبِثْتُ إِلَّا يَسِيرًا إِذْ خَرَجَ خَادِمٌ فَقَالَ ادْخُلْ عَلَيَّ  
بِرِكَاتِ اللَّهِ

«نشستم و کمی درنگ کردم تا اینکه خادم خارج شد و گفت: در برکت خدا داخل شو.»

اینکه خادم گفت در برکت خدا داخل شو، نشان دهنده کمال معرفت خادم نسبت به امام است.

حضرت عیسیٰ علیه السلام در گهواره فرمود: «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ؛ هر جا که باشم، مرا مایه برکت ساخته است.» اکنون این خانه که امام صادق علیه السلام در آن حضور دارد، مملو از برکت است. پس هر وقت انسان به حرم امام رضا علیه السلام مشرف می شود، در مکانی داخل شده که مملو از برکت الهی است؛ بنابراین باید مواظب باشد این لحظات را با غفلت سپری نکرده، حضور در برکت الهی را درک کند.

فَدَخَلْتُ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ السَّلَامَ وَقَالَ اجْلِسْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ  
«داخل شدم و سلام کردم. حضرت پاسخ سلام داد و گفت: بنشین. خدا تو را مورد مغفرت خویش قرار دهد.»

فَجَلَسْتُ فَأَطَّرَقَ مَلِيًّا

«سپس نشستم و حضرت کمی به فکر فرورفت.»  
«ملی»، تفکر نرم را گویند.

ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ أَبُو مَنْ قُلْتُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ تَبَّتْ اللَّهُ كُنْيَتَكَ وَوَفَّقَكَ  
يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

«سپس حضرت سر را بالا آورد و فرمود: کنیه‌ات چیست؟ گفتم: ابوعبدالله. فرمود: خداوند تورا در کنیه‌ات (عبودیت) ثابت قدم گرداند و تورا موفق بدارد.»

امام در اینجا به عبودیت توجه می‌دهد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ مرا پرستش کنید که این راه مستقیم است.»

چرا خداوند متعال از واژه «عبد» استفاده کرده است؟ این واژه دقیقاً به چه معناست؟ از آنجا که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و ما هیچ رسولی در میان قومی نفرستادیم، مگر به زبان آن قوم»<sup>۱</sup>، برای فهم معنای دقیق واژه عبد باید به ظرف زمانی صدر اسلام توجه کرد. عرب‌ها از عبد برای بردگان خود استفاده می‌کردند و کسی را که صاحب آن‌ها بود، مولا و حر می‌گفتند. خداوند متعال از واژه عبد و مولا استفاده کرده؛ زیرا عرب‌ها در صدر اسلام، رابطه عبد و مولا را به خوبی می‌شناختند و می‌دانستند عبد بدون اجازه مولای خود، هیچ‌کاری نمی‌تواند انجام دهد.

در مناجات حضرت امیر علیه السلام در مسجد کوفه نیز آمده است: «مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَ أَنَا الْعَبْدُ، وَ هَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى.»<sup>۳</sup>

۱. یس: ۶۱

۲. ابراهیم: ۴

۳. المزار الکبیر، ص ۱۷۴

از این رو امام صادق علیه السلام به عنوان بصری می فرماید: «خدا تورا بر این کنیه ات ثابت قدم کند»؛ یعنی عبد واقعی خدا باشی.

مَا مَسَأَلْتُكَ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي لَوْلَمْ يَكُنْ لِي مِنْ زِيَارَتِهِ وَالتَّسْلِيمِ غَيْرُ هَذَا الدُّعَاءِ لَكَانَ كَثِيرًا

«چه می خواهی؟ پیش خود گفتم اگر از این زیارت فقط این دعا در حق من ثابت شود، برای من زیاد است.»

ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ مَا مَسَأَلْتُكَ فَقُلْتُ سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَعْطِفَ قَلْبَكَ عَلَيَّ وَيَرْزُقَنِي مِنْ عِلْمِكَ وَأَرْجُو أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَجَابَنِي فِي الشَّرِيفِ مَا سَأَلْتُهُ

«سپس سر بلند کرد و فرمود: چه می خواهی؟ گفتم: من از خدا درخواست کردم قلب تورا نسبت به من نرم کند و از علم تو روزی من گرداند و امیدوارم که خداوند متعال خواسته ام را درباره شریف (امام صادق)، اجابت کند.»

فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ

«امام فرمود: علم با تعلیم و تعلم به دست نمی آید.»

حضرت در اینجا، علم بودن دانش های عادی را زیر سؤال می برد؛ گویی می فرماید اگر این علوم را می خواستی، نزد مالک بن انس هم وجود داشت، دیگر نیازی به حضور در اینجا نبود.

إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ

«همانا علم، نوری است که خداوند متعال در قلب کسی قرار می دهد که اراده کرده است او را هدایت کند.»



### ◆ نکته

دانش‌هایی که امروزه به آن‌ها علم اطلاق می‌شود، فضل است و تسامحاً به آن علم می‌گویند. علم واقعی آن است که باعث هدایت انسان شود. از این رو خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: **«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ هَمَانَا فَقَطْ عِلْمَا از خداوند متعال می‌ترسند.»**

بنابراین اگر به کسانی که استاد در علوم مختلف هستند، عالم گفته شود، باید نسبت به خداوند متعال خشیت داشته باشند، در حالی که برخی استادان، قلبشان نسبت به خداوند متعال خشیت ندارد و حتی دیگران را هم از راه خدا منحرف می‌کنند. پس آن علمی که منجر به خشیت الهی می‌شود، علم دین است و در سایه همین علم، ایمان انسان ارتقا می‌یابد و خدا را آن‌طور که هست، درک می‌کند؛ در نتیجه، به خشیت الهی می‌رسد و آیه ۲۸ سوره فاطر، شامل حال او می‌شود. حال که ملاک عالم تلقی شدن انسان‌ها، خشیت آن‌ها در برابر خداوند متعال است، بلال حبشی با اینکه سواد نداشت، در زمره علما قرار می‌گیرد.

در آنجا که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟»** آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، برابرند؟، علم به این معناست.

البته کسی که به عنوان مثال، ریاضی می‌داند، با کسی که نمی‌داند،

۱. فاطر: ۲۸

۲. زمر: ۹

فرق می‌کند؛ اما علومی که در قرآن کریم است، ناظر به این دانشمند ریاضی نیست، ولی اگر اهل خشیت خدا باشد، او را نیز شامل می‌شود. از این رو امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه می‌فرماید: «سُبْحَانَكَ! أَخَشَى خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ!»<sup>۱</sup> آن کسی نسبت به تو (خدا) خشیت بیشتری دارد که بیشتر از دیگران نسبت به تو معرفت دارد.

خداوند متعال برای معرفی متقین می‌فرماید: «الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ»<sup>۲</sup>؛ متقین کسانی هستند که در خلوت هم نسبت به خداوند متعال خشیت و بیم دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «به واجبات الهی عمل کن تا باتقواترین مردم باشی.»<sup>۳</sup> بنابراین در سایه عمل به دستوره‌های الهی، تقوا محقق می‌شود و ایمان انسان ارتقا پیدا می‌کند؛ در نتیجه، خشیت الهی در انسان به وجود می‌آید. امام صادق علیه السلام در این سخن، به عنوان بصری توجه می‌دهد که: اگر خداوند متعال اراده کند کسی را هدایت نماید، علم را در سینه او قرار می‌دهد.

بنابراین، طبق روایات، به آن دانشی که منجر به هدایت انسان شود، «علم» می‌گویند و به آن دانشی که موجب هدایت انسان نگردد، «فضل» گفته می‌شود.

فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۵۲، بند ۲

۲. انبیاء: ۴۹

۳. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتْقَى النَّاسِ (الكافی، ج ۲، ص ۸۲).

«اگر قصد کسب علم کرده باشی، اولین چیزی که باید طلب کنی، حقیقت عبودیت است.»

امام سجاده عَلَيْهِ در دعای هفدهم صحیفه سجادیه در خصوص حقیقت عبودیت می‌فرماید: «اللَّهُمَّ وَاغْمُمْ بِذَلِكَ مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَ أَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَ عَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَ اسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِيَّةِ.»<sup>۱</sup> امام در این بند از دعا بعد از آنکه از دشمنی‌های شیطان سخن به میان می‌آورد و نقشه‌های او را نقش بر آب می‌کند، برای کسانی که شهادت بر ربوبیت خداوند متعال داده، عبادت‌هایشان را با اخلاص انجام می‌دهند و با حقیقت عبودیت با شیطان دشمنی می‌کنند، طلب حفظ می‌کند.

«حقیقت عبودیت»، وسیله‌ای برای «دشمنی با شیطان» معرفی می‌شود؛ همان شیطانی که خداوند متعال فرمود: «او دشمن شماست، پس با او دشمنی کنید.»<sup>۲</sup>

وَ اِظْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ

«علم را به وسیله عمل کردن به آن، طلب کن.»

امام صادق عَلَيْهِ در اینجا می‌فرماید: اگر انسان به آن دانسته‌هایی که از جانب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به عنوان واجب و حرام رسیده، عمل کند، ایمان او ارتقا می‌یابد و علم الهی در قلب او جای می‌گیرد.

وَ اسْتَفْهَمَ اللهُ يُفْهَمَكَ

«از خداوند متعال درخواست کن تا علم را به تو بفهماند.»

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۱۷، بند ۱۱

۲. فاطر: ۶

امام صادق علیه السلام در این بخش، به درخواست توفیق از خداوند متعال اشاره می‌کند. بنابراین انسان باید به آموزه‌های دینی که از ناحیه معصومین به او رسیده، عمل کند و از خداوند متعال، فهم طلب نماید تا علم الهی نصیب او شود.

قُلْتُ يَا شَرِيفُ فَقَالَ قُلْ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ

«گفتم یا شریف! فرمود: بگو یا ابا عبد الله.»

امام صادق علیه السلام بیان می‌کند: مرا با کنیه‌ام، «ابا عبد الله» صدا کن. غرض حضرت این است که عنوان بصری این القاب را کنار بگذارد و قلب خود را متوجه عبودیت خداوند متعال کند.

قُلْتُ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ مَا حَقِيقَةُ الْعُبُوْدِيَّةِ قَالَ ثَلَاثَةٌ اَشْيَاءٌ

«گفتم: یا ابا عبد الله! حقیقت عبودیت چیست؟ فرمود: حقیقت عبودیت

در سه چیز است.»

أَنَّ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيْمَا حَوَّلَهُ اللهُ مِنْ مَلِكٍ لِأَنَّ الْعَبْدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَلِكٌ  
يَرُونَ الْمَالَ مَالَ اللهِ يَضْعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللهُ بِهِ

«اینکه بنده در آنچه خدا به او داده است، برای خویش ملکیتی قائل نباشد؛ زیرا برای بنده هیچ ملکیتی وجود ندارد و مال را باید مال خدا بیندارد. در این صورت، آن را در راهی مصرف می‌کند که خداوند متعال دستور داده است.»

اگر در جامعه و زندگی اجتماعی، انسان‌ها املاک و اموال را به خود نسبت می‌دهند، قراردادی بوده، به این دلیل است که نظم اجتماعی شکل بگیرد و جامعه دچار هرج و مرج نشود؛ اما در حقیقت، «ملکیت

آسمان‌ها و زمین برای خداست.»<sup>۱</sup>

ثمره چنین باوری این است که انسان، اموال و امکانات را در راهی مصرف می‌کند که خداوند متعال دستور داده است؛ مانند اینکه شخصی مقداری پول به دیگری امانت دهد تا آن را به فردی دیگر برساند. آن شخص در هنگام تحویل امانت، رنجی نمی‌بیند؛ زیرا از ابتدا آن را برای خود نمی‌دانسته است.

اینکه برخی افراد نمی‌توانند از اموال خود برای پرداخت خمس و زکات یا انجام دیگر احکام الهی بگذرند، به این دلیل است که اموال را ملک خداوند متعال نمی‌دانند. بنابراین، اموال آن‌ها مخلوط به حرام می‌شود، در حالی که خود از این موضوع غفلت دارند. چنین شخصی هیچ‌گاه به آن علمی که مورد نظر امام صادق عَلَيْهِ است، دست پیدا نمی‌کند و به رشد و تکامل نمی‌رسد.

وَلَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا

«عبد از جانب خود، برای خویش تدبیری نکند.»

انسان، زمانی که برده شد، دیگر تدبیری برای خود ندارد و تدبیر امورش به دست صاحب اوست؛ از این رو امام صادق عَلَيْهِ می‌فرماید: بنده، زمانی به حقیقت عبویت دست پیدا می‌کند که اهل تدبیرهای شخصی نباشد، بلکه برای چاره امور، به دستورهای خداوند متعال گوش بسپارد. خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.»<sup>۲</sup> حرف «لام» در کلمه «لله» در آیه شریفه، لام ملکیت است؛ بنابراین،

۱. وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (آل عمران: ۱۸۹).

۲. بقره: ۱۵۶

معنای آیه چنین می‌شود: «ما (انسان‌ها) ملک خدا هستیم و به سوی او بازگشت داده می‌شویم.»

امیرالمؤمنین علیه السلام در مناجات مسجد کوفه می‌فرماید: «أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ! خدایا! تو مالکی و من مملوک هستم.» انسان هنگامی که خود را مملوک دید، دیگر استحقاق تدبیر امور خود را ندارد.

اگر برخی از انسان‌ها به احکام خداوند متعال بی‌اعتنایی می‌کنند و به نماز، حجاب، روزه و دیگر احکام الهی توجه ندارند، برای خداوند متعال، حریم قائل نیستند.

وَجُمْلَةٌ اِشْتِغَالِهِ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَ نَهَاهُ عَنْهُ

«اشتغال انسان در او امر خداوند متعال باشد.»

هنگامی که از کسی درباره شغلش سؤال می‌شود، مراد، آن کاری است که بیشتر وقت او را دربر گرفته است.

حضرت در اینجا صرفاً به شغل بسنده نکرده است، بلکه از «جمله اشتغاله» سخن می‌گوید.

بنابراین، کسی که در مسیر حقیقت عبودیت قرار می‌گیرد، تمام دغدغه و اشتغالات او این است که به دستورهای خداوند متعال عمل کند. به‌عنوان مثال، هنگامی که برای کسب رزق و روزی اقدام می‌کند، مراقب است عمل او، فروش شراب، فیلم‌های مستهجن یا مواد مخدر نباشد که مورد نهی خداوند متعال قرار گرفته است.

سعید بن جبیر از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «حضرت فرمود: وَ

اللَّهِ مَا سَأَلْتُ رَبِّي وَوَلَدًا نَضِيرَ الْوَجْهِ وَلَا وَوَلَدًا حَسَنَ الْقَامَةِ وَلَكِنْ سَأَلْتُ رَبِّي  
 وَوَلَدًا مُطِيعِينَ لِلَّهِ خَائِفِينَ وَجَلِيلِينَ مِنْهُ حَتَّى إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ وَهُوَ مُطِيعٌ لِلَّهِ  
 قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي؛<sup>۱</sup> به خدا قسم، من هیچ‌گاه از خداوند متعال، فرزندی  
 زیبا و خوش قد و بالا نخواستم، بلکه فرزندی طلب کردم که مطیع و  
 خائف در برابر خداوند متعال باشد تا هر وقت به او نگاه کردم، مایه  
 روشنی چشم من باشد.»

فَإِذَا لَمْ يَرَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِلْكَاً هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيمَا  
 أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ

«پس هنگامی که بنده برای خویش ملکیتی قائل نشد، انفاق و بذل مال  
 در راهی که خدا به او امر کرده است، آسان می‌شود.»

گویی امام در پاسخ به سؤال کسی که می‌پرسد ثمره اینکه انسان  
 همه چیز را ملک خداوند متعال بداند چیست، می‌فرماید: ثمره‌اش آن  
 است که برای او انفاق در راهی که خداوند متعال به آن امر کرده است،  
 آسان می‌شود. در نتیجه، چنین بنده‌ای از آثار و برکاتی که خداوند  
 متعال برای انفاق در نظر گرفته است<sup>۲</sup>، بهره‌مند می‌گردد. در این بخش،

۱. قَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ اللَّهِ مَا سَأَلْتُ رَبِّي وَوَلَدًا، نَضِيرَ الْوَجْهِ وَلَا وَوَلَدًا حَسَنَ الْقَامَةِ  
 وَ لَكِنْ سَأَلْتُ رَبِّي وَوَلَدًا مُطِيعِينَ لِلَّهِ خَائِفِينَ وَجَلِيلِينَ مِنْهُ حَتَّى إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ وَهُوَ  
 مُطِيعٌ لِلَّهِ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي قَالَ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا قَالَ نَفْتَدِي بِمَنْ قَبَلْنَا مِنْ  
 الْمُتَّقِينَ فَيَفْتَدِي الْمُتَّقُونَ بِنَا مِنْ بَعْدِنَا وَقَالَ أَوْلِيكَ يُجْرُونَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا يَغْنِي  
 عَلَيَّ بِنَ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع وَ فَاطِمَةَ وَ يُلَقُونَ فِيهَا تَجَنُّةً وَ سَلَامًا  
 خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۹).

۲. مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (سبأ: ۳۹)؛ «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ  
 أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيْتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرِيَّةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ  
 أُكُلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِن لَمْ يُصَبِّهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (بقره: ۲۶۵).

سخن از آسان خرج کردن است و اگر کسی با سختی، اموال خود را خرج می‌کند، باید در مالک بودن آن‌ها بازنگری کند.

وَإِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَىٰ مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا  
«اگر بنده، تدبیر امور را به دست خداوند متعال سپرد، مصیبت‌های دنیا برای او آسان می‌شود.»

بنده، هنگامی که مدبر امور را خداوند متعال دانست، باید بداند که او جز خیر، چیزی را برایش رقم نمی‌زند.

از طرفی، اطمینان یافتن از اینکه هر آنچه خداوند متعال برای انسان رقم می‌زند، خیر است، آسان نیست؛ بنابراین امام سجاد علیه السلام در دعای سی و پنجم صحیفه سجادیه از خداوند متعال درخواست می‌کند: «وَهَبْ لِي الْثِقَةَ لِأَقْرَمَعَهَا بَأَنَّ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرَأِ إِلَّا بِالْخَيْرَةِ؛ خدایا! اطمینانی به من عنایت کن که یقین کنم هر آنچه برای من رقم می‌زنی، خیر است.» همچنین امام سجاد علیه السلام در ابتدای این دعا می‌فرماید: «حمد و سپاس، مخصوص خداست و من به حکم خدا خشنودم.»<sup>۲</sup>

بنابراین اگر انسان بداند مدبر امور، خداوند متعال است، تحمل مصائب دنیا برایش آسان می‌شود؛ زیرا می‌داند اراده خدا بر آن تعلق گرفته است. راوی نقل می‌کند: «فرزند امام صادق علیه السلام بیمار شد. برای عیادت، به منزل ایشان رفتم. حضرت با حالتی غمگین جلوی در ایستاده بود. حال فرزندشان را جويا شدم. حضرت فرمود: حال فرزندم تغییری نکرده است. بعد از مدتی امام بازگشت، در حالی که چهره‌اش خالی

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۳۵، بند ۳

۲. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَضِيَ بِحُكْمِ اللَّهِ (همان، بند ۱).



از غم بود. گفتم: الحمد لله، به گمانم حال فرزندتان خوب شده است. حضرت فرمود: فرزندم از دنیا رفت. عرض کردم: یابن رسول الله! چرا بعد از مرگ فرزند، غم از چهره شما کنار رفت؟ حضرت فرمود: ما اهل بیت تا قبل از رسیدن مصیبت، غمگین می شویم و زمانی که اراده الهی به امری تعلق گرفت، به قضای الهی راضی و در مقابل امر خداوند متعال، تسلیم هستیم.<sup>۱</sup>

بنابراین اگر انسان، امور خود را به خداوند متعال واگذار کرد، تحمل مصیبت دنیا برایش آسان می شود.

وَ إِذَا اسْتَعَلَّ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ نَهَاهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَ الْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ

«زمانی که عبد، مشغول به انجام اوامر و ترک نواهی الهی شد، اهل فخرفروشی به دیگران نمی شود.»

اساساً فضای ذهنی چنین فردی، مجال فخرفروشی را به او نمی دهد. به مجرد اینکه اراده می کند با اموال و فرزند و دارایی هایش فخرفروشی کند، یاد اوامر الهی در دل او زنده شده، مانع تفاخروی می گردد.

از این رو خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «اعلموا أنّما الحیاة الدُّنْیَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زینةٌ وَ تفاخرٌ بَینَکُمْ وَ تکاثرٌ فی الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ؛ بدانید دنیا بازی و لهو و زینت و تفاخر و تکاثر در اموال و اولاد است.»

زندگی دنیا در این پنج مرحله، یعنی بازی، سرگرمی به امور غیرمهم، زینت، فخرفروشی و مال اندوزی خلاصه شده است که از ابتدا

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۲۵، باب الصبر و الجزع و الاسترجاع  
۲. حدید: ۲۰

حیات مادی زندگی انسان را «حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرِ»<sup>۱</sup>، یعنی تا زمان مرگ، دربر می‌گیرد.

فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِبْلِيسُ  
«اگر خداوند متعال، بنده‌ای را با این سه ویژگی گرامی بدارد، دنیا و ابلیس در نظرش پست و بی‌مقدار می‌شود.»

این سخن امام صادق علیه السلام توضیح و تفسیری است بر کلام امام سجاد علیه السلام که فرمود: «به‌وسیله حقیقت عبودیت، با شیطان مبارزه کنید.»<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در این بخش می‌فرماید با رعایت این سه نکته، ابلیسی که «امر بر فحشا می‌کند»<sup>۳</sup>، برای انسان پست می‌شود. بنابراین، زمانی که ابلیس به‌وسیله «حقیقت عبودیت»، نزد بنده بی‌مقدار شد، انسان دیگر به فحشا و منکر تن در نمی‌دهد.  
... وَالْخَلْقُ

«مردم (در مقایسه با خالق)، نزد او جایگاهی نمی‌یابند.»  
نقل شده است: «هنگامی که امام حسین علیه السلام به کربلا رسید، ابن‌زیاد برای حضرت نامه‌ای نوشت و از ایشان خواست با یزید بیعت کند. امام نامه را پاره کرد و فرمود: رستگار نمی‌شود قومی که رضایت مخلوق را با غضب خدا معاوضه کند.»<sup>۴</sup>

۱. تکاثر: ۲

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۱۷، بند ۱۱

۳. إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره: ۱۶۹).

۴. فلما ورد كتابه على الحسين عليه السلام وقرأه رماه من يده، وقال: لا أفلح قوم شروا مرضاة المخلوق بسخط الخالق (تسليية المجالس وزينة المجالس (مقتل

اگر مخلوق نزد انسان، بزرگ جلوه کند، اوامر خالق را نادیده می‌گیرد و حریمی برای خداوند متعال قائل نمی‌شود.

وَلَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُرًا وَ تَفَاخُرًا

«و دنیا را به خاطر تکاثر و فخرفروشی دنبال نمی‌کند.»

اگر خداوند متعال، بنده را با این سه حقیقت گرمی بخشد، انسان هیچ‌گاه برای تکاثر و تفاخر، به دنبال دنیا نخواهد بود، بلکه فقط چون خداوند متعال دستور کسب روزی حلال داده، دنیا را دنبال می‌کند.

وَلَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَ عُلُوًّا

«و با آنچه نزد مردم است، طلب عزت و برتری نمی‌کند.»

شخصی که خداوند متعال، او را با عطا کردن این سه حقیقت، گرمی بخشد، برای طلب عزت، به مردم مراجعه نمی‌کند، بلکه همان طور که امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ در دعای سی و پنجم فرموده است: «وَ اعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِي عَدَمٍ حَسَاسَةً، أَوْ أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَةٍ فَضْلًا، فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ شَرَفَتْهُ طَاعَتُكَ، وَ الْعَزِيزَ مَنْ أَعَزَّتْهُ عِبَادَتُكَ؛ خدایا! مرا از اینکه انسان فقیر را کوچک و انسان ثروتمند را بزرگ پندارم، حفظ کن؛ (زیرا) شرافت و عزت، با طاعت و بندگی تو به دست می‌آید»، عزت را با بندگی خداوند متعال طلب می‌کند.

وَلَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا

«این شخص، ایام خود را به بطالت نمی‌گذراند.»

شخصی که خداوند متعال، او را چنین گرمی داشته است،

به دلیل برخورداری از ایمان بالا و علم به اینکه دنیا مزرعه آخرت است، مراقبت می‌کند که وقت خود را هدر ندهد، از آن، در مسیر عبادت خداوند متعال استفاده کند. به همین دلیل، هر زمان که عنوان بصری به خدمت امام صادق علیه السلام می‌رسید، حضرت، مشغول عبادت بود.

امام سجاد علیه السلام در دعای بیستم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «خدا یا! اگر عمر من در راه طاعت تو صرف می‌شود، به من عمری طولانی عنایت فرما، اما اگر عمر من چراگاه شیطان است، قبل از اینکه غضب تو شامل حال من شود، مرا از دنیا ببر.»<sup>۱</sup>

امام سجاد علیه السلام به این دلیل طلب مرگ کرده است که انسان در این حالت، هر چه بیشتر در دنیا بماند، بار او سنگین‌تر می‌شود.

فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى

«این، اولین درجه تقواست.»

قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَاداً وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

«خداوند متعال در قرآن فرموده است: این آخرت است و آن را برای کسانی قرار داده‌ایم که در دنیا دنبال برتری بر یکدیگر و فساد نبودند و عاقبت به خیری برای متقین است.»<sup>۲</sup>

۱. «وَعَمْرِي مَا كَانَ عُمْرِي بِدَلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعاً لِلشَّيْطَانِ فَأَقْضِنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَفْتِكَ إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ (همان، دعای ۲۰، بند ۵).

۲. قصص: ۸۳.

حضرت بر اساس اینکه خداوند متعال فرموده است «عاقبت به خیری» برای «متقین» است، می‌فرماید اگر انسان به حقیقت عبودیت برسد، به درجه اول تقوا رسیده است.

قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَوْصِنِي

«عنوان می‌گوید: گفتم ای ابا عبدالله! مرا سفارشی کن.»

قَالَ أَوْصِيكَ بِشِعْرَةِ أَشْيَاءَ فَإِنَّهَا وَصِيَّتِي لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى  
«حضرت فرمود من تورا به نه چیز سفارش می‌کنم. این سفارش من است به هرکس که اراده کرده راه خدا را طی کند.»

وَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يُؤَقِّكَ لِاشْتِعْمَالِهِ

«و از خداوند متعال می‌خواهم تورا در عمل کردن به این سفارش‌ها موفق بدارد.»

ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ

«سه سفارش درباره ریاضت نفس است.»

ریاضت، یعنی سختی دادن. دانش ریاضی هم به این دلیل که ذهن را تمرین می‌دهد و سختی دارد، این نام را گرفته است.

و ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْحِلْمِ

«و سه سفارش درباره حلم است.»

و ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْعِلْمِ

«و سه سفارش درباره علم است.»

فَاخْضَرِهَا وَإِيَّاكَ وَالتَّهَؤُنَ بِهَا

«این سفارش‌ها را حفظ کن و مراقب باش که نسبت به آن‌ها

سستی نکنی.»

امام، مانند پدری دل‌سوز، با حرارت و از عمق جان با وی سخن می‌گوید.

قَالَ عُنْوَانُ فَفَرَعْتُ قَلْبِي لَهُ

«عنوان می‌گوید قلبم را برای این سفارش‌ها خالی کردم.»

فَقَالَ أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ

«امام فرمود: اما آن سه سفارشی که درباره ریاضت است.»

۱. فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْحَمَاقَةَ وَالْبَلَهَ

«زمانی که اشتها نداری، از خوردن برحذر باش؛ زیرا حماقت و بلاهت به دنبال دارد.»

«بَلَهَ»، یک نوع سادگی خاص است.

اینکه در روایت آمده «أَكْثَرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْبُلَهَ»، به این دلیل است که آن‌ها انسان‌هایی بی‌غل‌وغش بودند که به دعوت پیامبران لبیک گفتند.

#### ◆ نکته

از آنجا که نفس انسان میل به خوردن دارد، حضرت می‌فرماید ترک آن، ریاضت نفس است. غذا خوردن در حالت سیری، عوارضی نیز دارد.

۲. وَلَا تَأْكُلْ إِلَّا عِنْدَ الْجُوعِ

«چیزی نخور، مگر زمانی که گرسنه باشی.»

انسان اگر فقط در حالت گرسنه بودن غذا بخورد، آنچه را خداوند متعال

روزی او کرده است، کم نمی بیند و قانع و شکرگزار می شود؛ زیرا انسان در زمان سیری، بهانه تراشی می کند و غذاها را نمی پسندد، اما در زمان گرسنه بودن، هر نوع غذایی می خورد.

نقل شده است: «هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام از عقیل با تکه ای نان و مقداری نمک پذیرایی کرد، عقیل گفت: فقط همین! چیز دیگری نیست؟ حضرت با عتاب پاسخ داد: این از نعمت های الهی است و باید بر آن سپاسگزار بود.»<sup>۱</sup>

۳. وَإِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالًا وَ سَمَّ اللَّهُ

«اگر خواستی چیزی بخوری، حلال باشد و با نام خدا بخور.»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که هنگام غذا خوردن، نام خدا را فراموش کند، شیطان با او هم غذا می شود. در مقابل، اگر نام خدا را ببرد، ملائکه در کنار او حضور پیدا می کنند.»<sup>۲</sup>

وَ اذْكَرْ حَدِيثَ الرَّسُولِ ص مَا مَلَأَ اَدْمِيَّ وَعَاءً شَرًّا مِنْ بَطْنِهِ فَاِنْ كَانَ وَلَا بُدَّ فُتِلْتُ لِطَعَامِهِ وَ ثُلْتُ لِشَرَابِهِ وَ ثُلْتُ لِنَفْسِهِ

«حضرت، روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: انسان، ظرفی را بدتر از شکمش پر نکرده است. اگر خواستی بخوری که انسان ناچار است بخورد، یک سوم شکمت را برای غذا، یک سوم برای نوشیدنی و یک سوم برای نفس کشیدن قرار بده.»

راوی نقل می کند: «حضرت علی علیه السلام در مدینه مشغول حفر چاه بود و شخصی دیگر، خاک را بیرون می کشید. هنگام صرف غذا

۱. مناقب لآل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۰۸

۲. الکافی، ج ۶، ص ۲۹۲، باب التسمیه و التحمید و الدعا علی الطعام، حدیث ۱

شد. حضرت از چاه بیرون آمد و به همراه خود فرمود: چه چیزی برای خوردن آورده‌ای؟ گفت: تکه‌ای کدو. حضرت میل کرد و خدا را شکر کرد و فرمود: چه انسان‌هایی که به خاطر شکمی که با یک تکه کدو سیر می‌شود، جهنمی شدند!»

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «کسی که چهار چیز را رعایت کند، به بیماری مبتلانی شود: ۱. خوردن غذا در حال گرسنگی؛ ۲. جویدن لقمه غذا به طور کامل؛ ۳. قبل از سیر شدن، دست از غذا کشیدن؛ ۴. حبس نکردن غائط.»<sup>۱</sup>

با توجه به این سخن رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث عنوان بصری، ارزش روزه برای انسان روشن می‌شود.

انسان، مانند یک بالن است که برای رشد و بالا رفتن باید سبک‌بار باشد؛ بنابراین هرچه بیشتر بتواند با شهوت غذا خوردن مبارزه کند و کمتر غذا بخورد، بیشتر رشد می‌کند.

زیاد خوردن، بعد حیوانی انسان را تقویت می‌کند و مشکلاتی از قبیل شهوت جنسی و خواب بسیار، به همراه می‌آورد. دلیل سحرخیز بودن اولیای الهی این است که شب‌ها غذا کم می‌خورند. البته خوردن غذای شب را نباید ترک کرد؛ زیرا در روایت آمده است: «ترک شام، پیری زودرس می‌آورد»؛ اما باید شام را اول شب و سبک خورد.

۱. وَقَالَ عَمَّنْ أَكَلَ الطَّعَامَ عَلَى النَّقَاءِ وَأَجَادَ الطَّعَامَ تَمَضُّغاً وَتَرَكَ الطَّعَامَ وَهُوَ يَشْتَهِيهِ وَلَمْ يَخْسِ الغَائِطُ إِذَا أَتَى لَمْ يَمْرُضْ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ (مکارم الاخلاق، ص ۱۴۶).



### نکته

انسان اگر از چیزهایی که لذت دارد، برای خدا چشم‌پوشی کند، خداوند متعال برای او جبران می‌کند. از این رو اولیای الهی و کسانی که به درجات بالایی رسیدند، با روزه مأنوس بودند و از لذت‌های خوردن و نوشیدن، به خاطر خدا می‌گذشتند و خداوند متعال هم برای آن‌ها جبران می‌کرد. همان‌طور که یوسف پیامبر از لذتی چشم‌پوشی کرد و خداوند متعال، آن‌گونه برایش جبران کرد.

وَأَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْحِلْمِ

«و اما سه سفارش درباره حلم.»

«حلم»، وقتی که انسان عصبانی می‌شود و خویشتن‌داری می‌کند. امام سجاده علیه السلام در دعای چهل‌وهشتم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «اللَّهُمَّ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ؛ خدایا! دفع‌کننده غضب تو، حلم توست»؛ یعنی حلم، نقطه مقابل غضب است. امام در دعای چهل‌وپنجم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «و تَلَقَّيْتَ مِنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ»<sup>۲</sup>؛ با کسی که با توبه مخالفت برخاسته، با حلم برخورد کردی؛ یعنی انسان، به مجرد عصیان، طبق دعای شانزدهم صحیفه سجادیه<sup>۳</sup> مستحق عذاب است؛ اما حضرت بیان می‌کند خداوند متعال با حلم خویش به بنده مهلت می‌دهد.

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۴۸، بند ۱۳

۲. همان، دعای ۴۵، بند ۹

۳. همان، دعای ۱۶، بند ۳۱

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «حلم انسان، نشان‌دهنده علم اوست.»<sup>۱</sup> صبر، تحمل کردن بلایا و سختی‌هاست. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «پیامبر گرامی اسلام فرمود: صبر بر سه چیز است؛ صبر بر مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر معصیت.»<sup>۲</sup> صبر بر مصیبت، یعنی انسان در برابر بلایی که نازل شده است، شکیبنا باشد. صبر بر طاعت، مانند تحمل سختی روزه‌داری در ماه مبارک رمضان در تابستان گرم و صبر بر معصیت، مانند چشم‌پوشی از حرام‌های الهی است.

نقل شده است: «امام سجاد علیه السلام فردی را دید که در حال طواف می‌گوید: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ؛** خدایا! به من صبر عنایت کن. امام بر شانه او زد و فرمود: چرا از خداوند متعال بلا می‌خواهی، از خدا عافیت و شکر بر عافیت را بخواه.»<sup>۳</sup> شکر بر عافیت، اطاعت فرمان خدا را دربر دارد. امام سجاد علیه السلام در دعای اول صحیفه سجادیه می‌فرماید: **نَهَانَا لِيَتَّبِلِي شُكْرَنَا؟** خدا ما را نهی کرد تا سپاسگزاری مان را آزمایش کند.»

#### ◆ نکته

زمانی که به سحره فرعون، وعده قطع کردن دست و پاهایشان داده شد، گفتند: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا؛» پروردگارا! بر ما صبر ارزانی بدار.» این

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۹۳

۲. الکافی، ج ۲، ص ۹۱، باب الصبر، حدیث ۱۵

۳. الدعوات (للراوندی)، ص ۱۱

۴. صحیفه سجادیه، دعای ۱، بند ۲۱

۵. اعراف: ۱۲۶

بدان معناست که صبر، در مشکلات به کار می‌آید.

بنابراین، صبر با حلم متفاوت است.

۱. فَمَنْ قَالَ لَكَ إِنْ قُلْتَ وَاحِدَةً سَمِعْتَ عَشْرًا فَقُلْ إِنْ قُلْتَ عَشْرًا لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً

«اگر کسی به تو گفت که یک کلام ناپسند به من بگویی، در مقابل، ده کلام زشت به تو می‌گویم، در پاسخ به او بگو اگر ده کلام زشت بگویی، یک سخن ناپسند هم به تو نمی‌گویم.»

این بیان برای موقعیتی است که یک نفر به بددهانی بپردازد. امام می‌فرماید در آن حالت، سکوت اختیار کن. کسی که بددهانی می‌کند، از دو حال خارج نیست:

۱. یا جاهل است که در این صورت باید او را از جهل خارج کرد؛ زیرا مقابله به مثل فایده‌ای ندارد.

۲. یا به دلیل دشمنی است که در این صورت هم با مقابله به مثل، دشمنی او از بین نمی‌رود.

مؤمن، عملی را انجام می‌دهد که فایده‌ای بر آن مترتب باشد و معمولاً در این مقابله به مثل‌ها سودی عاید مؤمن نمی‌شود.

انسان باید عادت‌ها، رفتارها و سلیقه‌های عوامانه را کنار بگذارد و بر اساس دستورهای خداوند متعال و حضرات معصومین علیهم السلام عمل کند.

روزی جوانی در نجف، به یکی از بزرگان فحاشی کرد. آن عالم به خانه رفت و به غلام خود گفت هندوانه‌ای تهیه کند و برای جوان ببرد. غلام هندوانه را به منزل جوان برد. سپس غلام حقیقت ماجرا

را از آن عالم جویا شد. وی گفت: هوا گرم است و او بسیار داغ کرده، گفتم هندوانه خنک برای او خوب است.

خداوند متعال در قرآن کریم در بیان ویژگی‌های عباد الرحمن می‌فرماید: «إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَاماً»؛ چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند، به ملایمت پاسخ می‌دهند. عرب‌زبان‌ها برای ملاقات و خداحافظی، از «سلام» استفاده می‌کنند. امام سجاد علیه السلام نیز در دعای چهل و پنجم صحیفه سجادیه، در وداع با ماه مبارک رمضان، از عبارت «السلام علیک» استفاده می‌نماید. بنابراین، «قالوا سلاماً»، یعنی با خداحافظی از کنار او گذر کن.

۲. وَمَنْ شَتَمَكَ فَقُلْ لَهُ إِنَّ كُنْتَ صَادِقاً فِيمَا تَقُولُ فَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَغْفِرَ لِي وَإِنْ كُنْتَ كَاذِباً فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَ لَكَ  
«اگر کسی تو را سرزنش کرد، به او بگو اگر تو در گفته خویش صادقی، پس، از خدا می‌خواهم مرا ببخشد و اگر دروغ می‌گویی، از خدا می‌خواهم تو را ببخشد.»

این کلمات از موضع ضعف نیست، بلکه از جایگاه قدرت است؛ زیرا مؤمن، عزیزاست و عنان نفس را به دست گرفته تا مبادا سرکشی کند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءاً أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُوراً رَحِيماً»؛ و هرکس کار بدی کند یا

بر خویشتن ستم ورزد، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را آمرزنده مهربان خواهد یافت.»

اگر فقیری آمد و چیزی طلب کرد، ولی به او کمک نکردید و او حرف زشتی زد و رفت، بنا بر فرموده خداوند متعال در آیه ۲۶۳ سوره بقره، با «قول معروف»<sup>۱</sup> با او سخن بگویید. این عمل، نشانه حلم انسان است. در انتهای آیه مذکور نیز به حلم خداوند متعال اشاره شده است.

در روایت آمده است: «**تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ**؛<sup>۲</sup> خود را به اخلاق خداوند متعال متخلق کنید» که یکی از صفات خداوند متعال، حلیم است.

۳. **وَمَنْ وَعَدَكَ بِالْخَنَا فَعِدْهُ بِالتَّصِيحَةِ وَالتَّرَعَاءِ**

«و هرکس تو را به دشمنی وعده داد، تو به او وعده مراعات و خیرخواهی بده.»

«خنا»، کلام آشکاری است که به واسطه آن، با انسان دشمنی کنند.

هریک از انبیا که به سوی قوم خود مبعوث می شدند، خود را خیرخواه قوم معرفی می کردند. به عنوان مثال، در قرآن کریم درباره حضرت هود علیه السلام آمده است: «**أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ**»<sup>۳</sup>؛ من برای شما خیرخواهی امینم.»

خیرخواهی مؤمنان، بسیار اهمیت دارد. انسان های ناصالح، افرده خیرخواه را دوست ندارند. حضرت صالح علیه السلام بعد از اینکه قوم او ناقه

۱. قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ عَنِّي حَلِيمٌ.

۲. بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۲۹

۳. اعراف: ۶۸

را پی کردند، از آن‌ها روی برگرداند و به آن‌ها فرمود: «**يَا قَوْمِ لَقَدْ أَنْبَلَعْتُمْ رَسُولَ رَبِّيَ وَنَصَحْتُمْ لَكُمْ وَ لَكِنَّ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ**؛ ای قوم! من پیام خداوند متعال را به شما رساندم و برای شما خیرخواهی کردم، اما شما خیرخواهان را دوست ندارید.» به فرموده قرآن کریم<sup>۲</sup>، خیرخواهی در حق کسی که دشمنی ورزیده است، باعث جلب دوستی او می‌شود.

نقل شده است: «امام سجاد علیه السلام با اصحاب خود در حال عبور از محله‌ای بود. یکی از بستگان حضرت پیش آمد و با تندی با حضرت برخورد کرد. اصحاب قصد داشتند پاسخ او را بدهند، اما امام مانع شد. امام با اصحاب خویش به منزل آن شخص رفت و همین جملات امام صادق علیه السلام را فرمود. ناگهان فرد هتاک به دست و پای حضرت افتاد.»

وَأَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْعِلْمِ

«اما سه سفارش درباره علم؛»

۱. فَاسْأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتِ

«مسئله‌ای را که نسبت به آن آگاهی نداری، از اهل علم بپرس.»

انسان در قیامت باید برای کارهایی که انجام داده است، نزد خداوند متعال حجت شرعی داشته باشد. این نکته‌ای بس حائز اهمیت است.

اگر انسان مسائل خویش را از اهل علم بپرسد و مطابق آن دستور، عمل

۱. اعراف: ۷۹

۲. اذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ (فصلت: ۳۴).

کند، مسئولیت عمل او به عهده عالم است؛ زیرا او فتوا داده است و باید بین خود و خدای خویش، حجت شرعی داشته باشد. البته این مطلب در انتخاب خط‌مشی سیاسی هم جاری است. بسیاری از مردم می‌دانستند امیرالمؤمنین علیه السلام برحق است، اما به خاطر بی‌دقتی در انتخاب خط‌مشی سیاسی، پیرو معاویه شدند.

وَإِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعْتَنَّا وَتَجْرِبَهُ

«برحذر باش که سؤال را از سرامتحان و تجربه‌پرسی.»

انسان از عالم باید برای فهم مسئله، سؤال کند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «سَلْ تَفْقَهًا وَلَا تَسْأَلْ تَعْتَنَّا؛ برای فهمیدن پرس، نه برای به زحمت انداختن و آزمودن.»

۲. وَإِيَّاكَ أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَيْئًا

«و برحذر باش از اینکه بخواهی به رأی خود عمل کنی.»

وَخُذْ بِالْأَحْتِيَاظِ فِي جَمِيعِ مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلًا

«تا جایی که امکان دارد، جانب احتیاط را رعایت کن.»

انسان در اموری که مربوط به هدایت است، تا آنجا که امکان دارد، خوب است جانب احتیاط را رعایت کند و با اطمینان، یکی از طرفین را انتخاب کند.

#### ◆ نکته

اگر انسان در دوراهی قرار گرفت و دسترسی به کسی نداشت و لازم بود

سریع تصمیم بگیرد، در این موقعیت باید دست به دعا بردارد؛ زیرا در این لحظه، حجت بین او و خداوند متعال، دعاست. اینکه خداوند فرمود: «**وَاللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا**؛ برای خدا نام‌هایی است، پس خدا را با آن نام‌ها بخوانید»، برای چنین موقعیت‌هایی است که انسان باید خدا را با نام «**یا دلیل المتحیرین**»<sup>۱</sup> بخواند. اینکه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «پدرم همان طور که به ما قرآن می‌آموخت، استخاره هم یاد می‌داد»، معنایش این است که انسان باید در دوراهی‌ها دست نیاز به درگاه خداوند متعال بلند کند.

«استخاره»، یعنی انسان از خداوند متعال، طلب خیر کرده، عمل کند.

۳. **وَ اهْرُبْ مِنَ الْفُتْيَا هَرَبَكَ مِنَ الْأَسَدِ**

«از فتوا دادن فرار کن، همان طور که از شیردرنده می‌گریزی.»

از آنجا که عنوان بر اساس نظرهای مالک بن انس فتوا می‌داد، حضرت او را از فتوا دادن نهی می‌کند.

**وَلَا تَجْعَلْ رَقَبَتَكَ لِلنَّاسِ جِسْرًا**

«گردن خویش را برای دیگران پل قرار نده.»

امام به این دلیل او را نهی می‌کند که مردم به فتوای اشتباه او عمل می‌کنند و راهی بهشت می‌شوند، ولی او به جهنم می‌رود.

**قُمْ عَنِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ نَصَحْتُ لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عَلَيَّ وَرَدِي فَإِنِّي أَمْرٌ وَصْنِي بِنَفْسِي**

«حضرت به او فرمود: برو و به درستی که من خیرخواه تو بودم و ذکر و ورد

۱. اعراف: ۱۸۰

۲. البلد الامین و الدرع الحصین، ص ۴۰۳، دعای جوشن کبیر



من را فاسد نکن؛ زیرا من کسی هستم که بر نفس خویش بخیل است.»

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى

«سلام بر کسانی که از هدایت پیروی کردند.»

این جمله‌ای است که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به فرعون گفت.<sup>۱</sup> این عبارت برای کسانی به کار می‌رود که هدایت نمی‌شوند؛ به همین دلیل، امام راحل در پایان نامه‌ای که به صدام نوشته بود، از این عبارت استفاده کرد؛ زیرا می‌دانست او اهل هدایت نیست.

«والحمد لله رب العالمین»



منابع

# محرمان پنهان

شرح دعای چهل چهارم  
صحیفه سجادیه علیه السلام  
دعای امام سجاد علیه السلام هنگام  
ورود به ماه مبارک رمضان

١. قرآن كريم .
٢. إرشاد القلوب إلى الصواب، ديلمى، حسن بن محمد، قم: الشريف الرضي، ١٤١٢ق.
٣. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، شيخ مفيد، محمد بن محمد، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ق
٤. بحار الأنوار، مجلسي، محمد باقر بن محمد تقى، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٥٣ق.
٥. تحف العقول، ابن شعبه حرانى، حسن بن على، قم: جامعه مدرسين، ١٣٦٣ق.
٦. جامع الأخبار، شعيري، محمد بن محمد، نجف: مطبعة حيدرية، بى تا.
٧. الدعوات / سلوة الحزين، قطب الدين راوندى سعيد بن هبة الله، قم: انتشارات مدرسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ١٤٥٧ق.
٨. الصحيفة السجادية، على بن الحسين عليه السلام، قم: نشر الهادى، ١٣٧٦ش.
٩. عدة الداعي و نجاح الساعي، ابن فهد حلى، احمد بن محمد، بيروت: دار الكتب الإسلامى، ١٤٥٧ق.
١٠. الكافي، كلينى، محمد بن يعقوب، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٤٥٧ق.
١١. مجموعة ورام، ورام بن أبى فراس، مسعود بن عيسى، قم: مكتبه فقيه، ١٤١٥ق.

۱۲. مناقب آل ابي طالب ﷺ، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۱۳. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، محمد بن علی، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۳ق.
۱۴. نهج البلاغة، اميرالمؤمنين ﷺ، شريف الرضي، محمد بن حسين، تصحيح صبحي صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۵. وسائل الشيعة، شيخ حر عاملي، محمد بن حسن، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ، ۱۴۰۹ق.

